

۹۳۰. در همه گزینه‌ها واژه «تهران» موضوع قضیه است به جز
- (۱) تهران پایتخت یکی از بزرگ‌ترین کشورهای خاورمیانه است.
  - (۲) امروزه تهران هم پایتخت اقتصادی و هم پایتخت سیاسی ایران است.
  - (۳) بالاترین رتبه مهاجرت در بین شهراهای ایران را تهران دارد.
  - (۴) نمی‌شود ادعا کرد که تهران آب و هوای بد و ترافیک سنگین دارد.

۹۳۱. اگر دو مفهوم کلی نسبت تباین با هم داشته باشند، کدام گزینه درباره قضایای حاصل از اسناد آن‌ها نادرست است؟

- (۱) هر دو کلی هستند.
- (۲) هر دو سالبه هستند.
- (۳) موضوع یکی محمول دیگری است.
- (۴) می‌توانند نتیجه یک تمثیل باشند.

۹۳۲. به ترتیب قضایای ذکر شده در کدام گزینه شخصیه و محصوره‌اند؟

- (۱) مثلث سه ضلع دارد - قواعد منطبق را رسکلو تدوین کرد.
- (۲) آیشار نیاگارا شاید بزرگ‌ترین آیشار جهان باشد - پیامبران الهی ۱۲۴ هزار نفرند.
- (۳) انسان‌های کامل مشتاق به دیدار او هستند - حتی یک انسان هم جاودان نیست.
- (۴) فیلسوفان اسلامی انگشت شمارند - پیامبر، ابلاغ کننده احکام خدا برای مردم است.

۹۳۳. درباره سور کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) سور جزء خاص قضیه محصوره است.
- (۲) با در نظر گرفتن سور دو نوع قضیه محصوره داریم.
- (۳) سور به سه صورت ذکر می‌شود: هر، هیچ و بعضی.
- (۴) وظیفة سور تعیین دامنه مصادیق موضوع است.

۹۳۴. در قضیه «هر تهرانی اهل ایران است» کلی بودن هر مربوط به و این قضیه

- (۱) مفهوم تهرانی نیست - از حیث کم به قضیه «هیچ شیئی نفس نمی‌کشد» شبیه است.
- (۲) مصادیق تهرانی است - از حیث کیف مشابه قضیه «مرتضی آواز می‌خواند»، نیست.
- (۳) مصادیق تهرانی نیست - رابطه سلبی ندارد.
- (۴) مفهوم تهرانی است - جزئی نیست.

۹۳۵. کدام یک از گزینه‌های زیر نمی‌تواند موضوع یک قضیه موجبه جزئی باشد؟

- (۱) وسیع‌ترین کشور دنیا
- (۲) مولود کعبه
- (۳) کتاب قطور معلم من
- (۴) تهران

۹۳۶. برای نسبت میان مفاهیم «استدلال استقرایی» و «استنتاجی بهترین تبیین» قضیه محصوره صادق و برای نسبت میان مفاهیم «تعریف مصداقی» و «تعریف لغوی» قضیه محصوره صادق می‌توان نوشت.

- (۱) ۴ - ۴ - ۲
- (۲) ۲ - ۲ - ۳
- (۳) ۲ - ۴ - ۴
- (۴) ۴ - ۲ - ۴

۹۳۷. نوع کدام قضیه به درستی تعیین نشده است؟

- (۱) دل عالمی سوزی چو عذار بر فروزی (شرطی)
- (۲) کسی در نیامدهست بدین خوبی از دری (سالبه کلی)
- (۳) نه هر که سر برآشد قلندری داند (موجبه کلی)
- (۴) سعدی از گرمی بخواهد سوختن (شخصیه)

۹۳۸. چند قضیه از میان قضایای زیر کلی بوده و چه تعداد محصوره نیستند؟

- (۱) ۱ - ۲
- (۲) ۲ - ۱
- (۳) ۱ - ۱
- (۴) ۲ - ۲

۹۳۹. کدام گزینه درباره قضیه محصوره نادرست است؟

- (۱) محمول در آن به افراد موضوع منسوب می‌شود.
- (۲) از نظر موضوع و نسبت قابل تقسیم است.
- (۳) لفظ «هر» یا «هیچ» نشانگر کلی بودن آن است.
- (۴) دامنه مصدق موضوع آن‌ها فقط با سور مشخص می‌شود.

۹۴۰. همه گزینه‌ها سور قضیه کلی هستند، به جز

- (۱) هرگز
- (۲) همیشه
- (۳) ابدأ
- (۴) اتفاقاً

۹۴۱. قضیه «همه آب‌ها پاکیزه نیستند» چند و چه نوع قضیه‌ای است؟

- (۱) یک کلی
- (۲) دو کلی
- (۳) دو جزئی
- (۴) یک جزئی

۹۴۲. اگر بین دو مفهوم نسبت برقرار باشد، از حمل آن دو به هم قضیه حاصل می‌شود.

- (۱) تساوی - دو - سالبه
- (۲) تباین - دو - موجبه
- (۳) عام و خاص مطلق - سه - کلی
- (۴) عام و خاص مطلق - سه - کلی

۹۸۶. دو قضیه‌ای که جمع آن دو غیرممکن باشد و دو قضیه‌ای که جمع و رفع آن دو غیرممکن باشد، به ترتیب نام دارند.
- (۱) متقابل - متناقض      (۲) متضاد - متقابل      (۳) متناقض - متضاد      (۴) متضاد - متناقض
۹۸۷. دو قضیه «محال در جمع دو نسبت و ممکن در رفع آن دو» و دو قضیه «محال در جمع دو نسبت و رفع آن دو» به ترتیب، موصوف به و می‌باشند.
- (۱) متناقض - متضاد      (۲) متضاد - متقابل      (۳) متناقض - متناقض      (۴) متناسب - متناقض
۹۸۸. دو قضیه «کلیه» که صادق بودن هر دو محال است، چه نامیده می‌شود؟
- (۱) متضاد      (۲) متناقض      (۳) داخل در تحت تضاد      (۴) متدخل
۹۸۹. دو قضیه «متضاد» ممکن است هر دو سالیه باشند.
- (۱) سالیه باشند.      (۲) جزئیه باشند.
۹۹۰. «متضاد» کدام قضیه کاذب نیست؟
- (۱) هر مثلثی قائم‌الزاویه است.      (۲) هیچ گناهکاری پیغمبر نیست.
۹۹۱. همه گزینه‌ها درست است به جز
- (۱) در دو قضیه متناقض حتماً یکی صادق است و دیگری کاذب.      (۲) اگر قضیه‌ای کلی کاذب باشد ارزش متضاد آن نامعلوم است.
۹۹۲. متضاد و متناقض قضیه «بعضی انسان‌ها مؤمن هستند» به ترتیب در کدام گزینه آمده است؟
- (۱) تضاد ندارد - هیچ انسانی مؤمن نیست.      (۲) هر انسانی مؤمن است - هیچ انسانی مؤمن نیست.
- (۳) هیچ انسانی مؤمن است - بعضی انسان‌ها مؤمن نیستند.
۹۹۳. اگر قضیه «هر گردی گردو است»، متضاد قضیه‌ای باشد در صورتی که اصل آن صادق باشد نقیض اصل آن چیست و به لحاظ صدق و کذب چگونه خواهد بود؟
- (۱) بعضی گردها گردو هستند - صادق      (۲) هیچ گردی گردو نیست - کاذب      (۳) بعضی گردها گردو هستند - کاذب
۹۹۴. اگر قضیه «هر الف ب است»، کاذب باشد، متضاد آن و این مسئله بستگی به قضیه دارد.
- (۱) ممکن است درست باشد - صورت      (۲) ممکن است نادرست باشد - محتوای      (۳) لزوماً نادرست است - صورت
۹۹۵. دو قضیه‌ای را که در نسبت متفاوت ولی در سور یکسان باشند می‌نمند و متناقض قضیه «بعضی الف ب نیست»، است.
- (۱) متضاد - هر الف ب است      (۲) متناقض - بعضی الف ب نیست      (۳) تداخل - بعضی الف ب نیست
۹۹۶. کدام عبارت درباره رابطه «تضاد» نادرست است؟
- (۱) رابطه تضاد میان قضایای موجبه کلی و سالیه کلی برقرار است.      (۲) با تغییر در کمیت قضیه کلی، رابطه «تضاد» به دست می‌آید.
۹۹۷. کدامیک از گزینه‌های زیر نادرست می‌باشد؟
- (۱) به قضایایی که موضوع و محمول آن‌ها یکسان است؛ اما در کمیت یا کیفیت یا هر دو متفاوت هستند، قضایای متناسب می‌گویند.      (۲) از آن جایی که مصادیق قضیه جزئی در ذیل مصادیق قضیه کلی قرار دارند، این رابطه را متدخل گویند.
- (۳) با تغییر کیفیت قضیه جزئی، به قضیه متضاد آن می‌رسیم.      (۴) در رابطه تناقض، صدق یک قضیه، کذب دیگری را در پی دارد.
۹۹۸. هرگاه قضیه اصلی «هر الف ب است» صادق باشد در کدامیک از اقسام تقابل، قضیه مقابل آن حتماً کاذب خواهد بود؟
- (۱) عکس      (۲) تضاد      (۳) تداخل تحت تضاد      (۴) تداخل
۹۹۹. دو قضیه متضاد، هر دو کلی‌اند.
۱۰۰۰. کدام رابطه فقط میان قضایای کلی برقرار است؟
- (۱) تضاد      (۲) تناقض
۱۰۰۱. قضیه‌ای که دارای تضاد است، محال است داشته باشد.
- (۱) عکس جزئی      (۲) متدخل کلی      (۳) متناقض موجبه      (۴) متضاد صادق
۱۰۰۲. اینکه گفته می‌شود اجتماع دو قضیه محال است کدام نتیجه را در پی دارد؟
- (۱) ارتفاعشان هم محال است.      (۲) متناقض با هم هستند.      (۳) یکی از آن‌ها حتماً کاذب است.
۱۰۰۳. در مورد احکام قضایای حملی نمی‌توان گفت محال است.
- (۱) جمع دو ضد      (۲) رفع دو نقیض

۱۰۰۴. اگر قضیه «بعضی الف ب نیست» صادق باشد کدام قضیه قطعاً کاذب است؟  
 ۱) بعضی الف ب است.  
 ۲) هر الف ب است.  
 ۳) هیچ الف ب نیست.  
 ۴) بعضی ب الف نیست.
۱۰۰۵. کدام گزینه در مورد قضیه «بعضی الف ب است» درست است؟  
 ۱) متناسب آن جزئی است.  
 ۲) متناسب ندارد.
۱۰۰۶. کدام گزینه در صورت کذب قضیه «هر الف ب است» قطعاً کاذب است؟  
 ۱) بعضی الف ب نیست.  
 ۲) بعضی الف ب است.  
 ۳) باشد مشخص نیست.
۱۰۰۷. ارزش قضیه‌ای که عکس مستوی - صادق باشد متنافق - کاذب است:  
 ۱) عکس مستوی - صادق  
 ۲) متنافق - کاذب
۱۰۰۸. در مورد قضیه «دانش‌آموزانی که پیش مطالعه نمی‌کنند، موفق تیستند» می‌توان گفت:  
 ۱) متناسب آن قضیه‌ای جزئی و سالم است.  
 ۲) عکس آن قضیه‌ای کلی و موجبه است.  
 ۳) متناسب آن قضیه‌ای جزئی و موجبه است.
۱۰۰۹. یک قضیه صادق را در نظر بگیرید؛ اگر با حفظ جایگاه موضوع و محمول قضیه کاذبی از آن بسازیم کدام گزینه در مورد این دو قضیه درست است؟  
 ۱) متناسب یا متنافق‌اند.  
 ۲) عکس مستوی هماند.  
 ۳) قطعاً متناسب‌اند.  
 ۴) قطعاً کاذب‌اند.
۱۰۱۰. اگر دو قضیه متناسب باشند، نمی‌توان گفت:  
 ۱) در کم متحددند.  
 ۲) در کیف مختلف‌اند.
۱۰۱۱. دو قضیه متنقابل صدق یکی مستلزم کذب دیگری است چه رابطه‌ای با هم دارند؟  
 ۱) تضاد  
 ۲) تناقض  
 ۳) تداخل
۱۰۱۲. متناسب یک قضیه کاذب همواره کاذب است.  
 ۱) همواره کاذب است.  
 ۲) هم صادق و هم کاذب است.
۱۰۱۳. یک قضیه با سور جزئی کدام یک از موارد زیر را به طور قطع ندارد؟  
 ۱) عکس  
 ۲) متناسب  
 ۳) تناقض  
 ۴) تداخل
۱۰۱۴. آن جا که دو قضیه در «موضوع و محمول»، یکی باشند و در «سور» متفاوت و در «نسبت» یکسان، کدام مورد ترسیم می‌شود؟  
 ۱) تضاد  
 ۲) تداخل  
 ۳) تناقض  
 ۴) تداخل تحت تضاد
۱۰۱۵. دو قضیه «متداخل»؛ مانند در سور و نسبت متفاوت‌اند - هر چوبی نارساناست؛ بعضی چوب‌ها نارسانا نیستند.  
 ۱) در سور متفاوت و در نسبت یکسان‌اند - هیچ فرشته‌ای مادی نیست؛ بعضی فرشته‌ها مادی نیستند.  
 ۲) در سور متفاوت و در نسبت یکسان‌اند - بعضی انسان‌ها امانتدار هستند؛ هیچ انسانی امانتدار نیست.  
 ۳) در سور و نسبت متفاوت‌اند - هر غیبیتی حرام است؛ هیچ غیبیتی حرام نیست.
۱۰۱۶. دو قضیه که بتوان از صدق یکی از آن‌ها کذب دیگری را نتیجه گرفت نه بالعکس، به ترتیب چه نسبتی با هم دارند؟  
 ۱) کلی، صدق جزئی را نتیجه گرفت نه بالعکس، به ترتیب چه نسبتی با هم دارند?  
 ۲) تضاد - تناقض - تداخل  
 ۳) تضاد - تناقض - تداخل تحت تضاد
۱۰۱۷. هرگاه قضیه «هر الف ب است» کاذب باشد، قضیه «بعضی الف ب است» و در تقابل تداخل، چنانچه قضیه جزئی غلط باشد. کلی آن قطعاً کاذب است - معلوم نیست درست است یا غلط.  
 ۱) معلوم نیست صادق است یا کاذب - حتماً غلط است.  
 ۲) معلوم نیست صادق است یا کاذب - معلوم نیست درست است یا غلط.  
 ۳) معلوم نیست صادق است یا کاذب - معلوم نیست درست است یا غلط.
۱۰۱۸. «متنافق»، «متداخل» و «متناسب» قضیه «موجبه کلیه» به ترتیب کدام است؟  
 ۱) سالبه کلیه - موجبه کلیه - سالبه جزئیه  
 ۲) سالبه جزئیه - موجبه کلیه - سالبه کلیه  
 ۳) سالبه جزئیه - موجبه کلیه - سالبه جزئیه
۱۰۱۹. دو قضیه‌ای را که در سور، متفاوت و در نسبت، یکسان باشند می‌نامند و هرگاه قضیه «بعضی الف ب است» صادق باشد، قضیه «هر الف ب است» متناسب - معلوم نیست صادق است یا کاذب.  
 ۱) متداخل - قطعاً کاذب است.  
 ۲) متداخل - معلوم نیست صادق است یا کاذب.  
 ۳) متداخل - معلوم نیست صادق است یا کاذب.
۱۰۲۰. علت نام‌گذاری رابطه تداخل آن است که و در آن از قضیه کلی دست می‌یابیم.  
 ۱) مصادیق قضیه جزئی در ذیل مصادیق قضیه کلی است - صدق - مصادیق قضیه جزئی در ذیل مصادیق قضیه کلی است - کذب - کذب  
 ۲) مصادیق قضیه جزئی در ذیل مصادیق قضیه کلی است - صدق - مصادیق قضیه جزئی در ذیل مصادیق قضیه کلی است - کذب - کذب  
 ۳) یافتن یک مثال نقض حکم کلی را باطل می‌کند - کذب - کذب  
 ۴) یافتن یک مثال نقض حکم کلی را باطل می‌کند - صدق - صدق
۱۰۲۱. با در نظر گرفتن قضیه کاذب «بعضی حیوانات دوزیست نیستند» کدام گزینه به صورت درست آورده شده است؟  
 ۱) تضاد: بعضی حیوان‌ها دوزیست نیستند - کاذب  
 ۲) تناقض: بعضی حیوان‌ها دوزیست هستند - کاذب  
 ۳) عکس مستوی: بعضی دوزیست‌ها حیوان هستند - صادق

۱۱۲۸. متناقض قضیه «هیچ انسانی نیست که تمیزد» کدام گزینه است؟

- (۲) بعضی انسان‌ها هستند که تمیزند.
- (۴) هیچ انسانی نیست که تمیزد.

- (۱) بعضی انسان‌ها هستند که می‌میرند.
- (۳) هر انسانی می‌میرد.

## برای انفجار...



۱۱۲۹. متناقض عکس مستوی لازمالصدق ندارد.

- (۱) هر الف ب است.
- (۲) هیچ الف ب نیست.

۱۱۳۰. اگر یک قضیه جزئی کاذب داشته باشیم

- (۱) متضاد آن بهطور قطع درست است.
- (۳) عکس آن نیز نادرست است.

۱۱۳۱. اگر در یک قضیه موضوع مفهومی جزئی باشد

- (۱) با تغییر نسبت قضیه، نقیض آن به دست می‌آید.
- (۳) نمی‌توان از آن قضیه متقابل ساخت.

۱۱۳۲. متناقض دو قضیه که تنها در سور متفاوت باشند

- (۱) باز هم در کم مختلفاند.
- (۲) هر دو کلی‌اند.

۱۱۳۳. کدام‌یک از گزینه‌های زیر ایجاب کلی را رفع نمی‌کند؟

- (۱) هر گردی گردو نیست.
- (۳) هر حقیقتی را گفتن نشاید.

۱۱۳۴. از کذب قضیه «بعضی الف ب نیست» صدق کدام مورد را نمی‌توان نتیجه گرفت؟

- (۱) هیچ الف ب نیست.
- (۲) هر الف ب است.

۱۱۳۵. نقیض متضاد «هر ب الف است» «بعضی ب الف نیست» می‌باشد.

- (۱) عکس
- (۲) متضاد

۱۱۳۶. درباره نقیض دو قضیه متضاد نمی‌توان گفت:

- (۱) هر دو کلی‌اند.
- (۲) در نسبت متفاوتند.

۱۱۳۷. متضاد قضیه «همه اساتید بی‌سود هستند»

- (۱) کاذب است.
- (۲) صادق است.

۱۱۳۸. دو قضیه داریم و می‌دانیم که حداقل یکی از آن‌ها جزئی است، رابطه این دو قضیه کدام‌یک از انواع تقابل نمی‌تواند باشد؟

- (۱) تداخل
- (۲) تضاد
- (۳) تناقض

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۱۳۹. عکس آن و متضاد آن هر دو صادق هستند.

- (۴) متضاد آن نامعلوم و متناقض آن کاذب است.

۱) نقیض آن کاذب و عکس مستوی ندارد.

۳) تضاد آن کاذب و نقیض آن صادق است.

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۱۴۰. متضاد متناقض قضیه صادق زیر کدام است و قضیه متناقض به لحاظ صدق و کذب چگونه است؟

(بعضی حیوانات، تخم‌گذارند).

- (۱) بعضی حیوانات، تخم‌گذار نیستند - کاذب

(۳) بعضی حیوانات، تخم‌گذار نیستند - صادق

۱۱۴۱. اگر بدایم «هیچ‌یک از یاس‌های درون جعبه سفید نیستند» آیا می‌توانیم حکم کنیم که «بعضی از یاس‌های درون جعبه سفید نیستند» و رابطه این دو قضیه چیست و چرا؟

- (۱) خیر نمی‌توان حکم کرد که بعضی از یاس‌هایی که درون جعبه هستند، سفید نیستند. - تناقض، چون موضوع آن‌ها یکی است.

- (۲) خیر نمی‌توان حکم کرد که بعضی از یاس‌هایی که درون جعبه هستند، سفید نیستند. - تداخل، چون محمول آن‌ها یکی است.

- (۳) بله می‌توان حکم کرد که بعضی از یاس‌هایی که درون جعبه هستند، سفید نیستند. - تضاد، چون کیفیت قضیه تغییر کرده است.

- (۴) بله می‌توان حکم کرد که بعضی از یاس‌های درون جعبه سفید نیستند. - تداخل چون کیفیت آن‌ها یکی است.

۱۱۴۲. اگر قضیه محصوره صادقی، متضاد و سپس متداخل شود، بین قضایای اول و سوم چه حالتی پیش می‌آید و حکم قضیه سوم چیست؟

- (۱) تناقض - صادق
- (۲) تضاد - صادق
- (۳) تناقض - نامعلوم
- (۴) تضاد - نامعلوم

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۱۴۳. از صدق کدام‌یک از گزینه‌های زیر، به صدق عبارت زیر نخواهیم رسید؟

(بعضی الف، ب است).

- (۱) هر ب الف است.
- (۲) بعضی ب الف است.
- (۴) بعضی الف ب نیست.

پایه  
نهم

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) از حیث صدق و کذب وضعیت مشخصی ندارد - موضوع جزئی دارد.  
۴) کاذب است - سالبه کلی نیست.

۱۱۴۵. برای قضیه «هیچ انسانی نامیرا نیست» رابطه از میان انواع روابط مربع تقابل قابل طرح است و به جز تناقض تنها رابطه‌ای است که میان دو گروه از قضایا برقرار است.

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۴) دو - تضاد  
۳) سه - تضاد  
۲) دو - تداخل  
۱) سه - تداخل

۱۱۴۶. در تقابل از صدق قضیه کلی و کذب قضیه جزئی به ترتیب چند قضیه کاذب و صادق به دست می‌آید؟  
۴) دو - دو  
۳) دو - یک  
۲) یک - دو  
۱) یک - یک

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) نسبت آن‌ها با هم فرق دارند.  
۴) سور آن‌ها هم مثل کیفیت یکسان است.

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۱۴۸. مداخل متناقض قضیه صادق زیر کدام است و قضیه متناقض آن به لحاظ صدق و کذب چگونه است?  
بعضی حیوانات، تخم‌گذارند.

- ۲) تمام حیوانات، تخم‌گذار هستند - صادق  
۴) هیچ حیوانی، تخم‌گذار نیست - کاذب

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) از صادق یا کاذب بودن کدام یک از قضایای زیر به نتیجه حتمی در مورد صادق و کاذب بودن قضیه دوم خواهیم رسید?  
۲) بعضی الف ب است. (کذب) ← هیچ الف ب نیست. (صدق)  
۴) هیچ الف ب نیست. (کذب) ← بعضی الف ب است. (صدق)

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) بعضی از فرانسوی‌ها آسیایی هستند.  
۲) هیچ فرانسوی آسیایی نیست.  
۴) بعضی از فرانسوی‌ها، اروپایی هستند.

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) با توجه به صدق و کذب گزاره اول گزینه‌های زیر، گزاره دوم کدام گزینه، حتماً صحیح خواهد بود?  
۲) هر دانایی دارای علم است. (صدق) ← هر دارای علمی دانا است. (صدق)  
۳) هر درخت پهن برگی میوه‌دار است. (کذب) ← هیچ درخت پهن برگی میوه‌دار نیست. (صدق)  
۴) بعضی از امریکایی‌ها پولدار نیستند. (صدق) ← بعضی از پولدارها آمریکایی هستند. (صدق)  
۴) هر بی‌مهره‌ای بی‌استخوان است. (صدق) ← بعضی بی‌مهره‌ها بی‌استخوان هستند. (صدق)

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) اگر بگوییم «هیچ الف ب نیست»، کاذب است. آن‌گاه کدام یک از گزینه‌های زیر را می‌توان نتیجه گرفت?  
۱) بعضی الف ب است. ← صادق ۲) هر الف ب است. ← صادق ۳) بعضی الف ب نیست. ← کاذب ۴) گزینه‌های ۱۱ و ۲۳

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) تنها رابطه تضاد است که فقط میان دو قضیه برقرار است.  
۴) تنها در تضاد از صدق یکی به کذب دیگری می‌رسیم.  
۴) تنها در یک صورت از کذب یک قضیه به کذب قضیه دیگری می‌رسیم.

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) برای قضیه «بعضی الف ب است»، شکل با نمودار ون قابل ترسیم است که در این میان مداخل آن تنها در تای آن‌ها صادق است.

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۴) سه - یک  
۳) دو - یک  
۲) چهار - دو  
۱) سه - دو

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) تضاد - تناقض - تداخل  
۴) تناقض - تضاد - تناقض  
۳) تضاد - تناقض - تناقض  
۲) تناقض - تضاد - تداخل

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) اختلاف در بین دو قضیه  
۴) کمیت - کلی - تضاد  
۳) کمیت - موجبه - تناقض  
۲) کمیت - موجبه - تداخل

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۴) جزئی - صادق  
۳) کلی - کاذب  
۲) کلی - صادق  
۱) جزئی - کاذب

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) در گیف مختلفاند.  
۴) هیچ کدام  
۳) هر دو سالبه‌اند.  
۲) در کم مختلفاند.

(سراسری ۹۷)

۱۱۵۹. هرگاه بدانیم که قضیه «هر الف غیر ب است» صادق است، در مورد صدق یا کذب قضایای «بعضی غیر ب الف است»، «هیچ غیر ب الف نیست» و «بعضی الف غیر ب است»، به ترتیب می‌توان گفت:

- ۲) صادق است - کاذب است - قابل تشخیص نیست.  
۴) صادق است - کاذب است - صادق است.

- ۱) قابل تشخیص نیست - قابل تشخیص نیست - صادق است.  
۳) قابل تشخیص نیست - کاذب است - قابل تشخیص نیست.

۱۱۶۰. اگر قضیه «هیچ الف ب نیست» تضاد قضیه‌ای باشد: متداخل متناقض عکس مستوی آن قضیه می‌شود و اگر قضیه به دست آمده کاذب باشد، متداخل آن
- بعضی ب الف است - نمی‌توان به قطعیت گفت کاذب است یا صادق.
  - بعضی ب الف نیست - نمی‌توان به قطعیت گفت کاذب است یا صادق.
  - بعضی ب الف ب نیست - لزوماً کاذب است.
۱۱۶۱. عکس متداخل متضاد قضیه صادق «هر الف ب است» و
- قضیه‌ای است که محمول آن الف نیست - مانند این است که موجبه کلی را به عنوان عکس موجبه کلی استفاده کنیم.
  - موجب خطای ذهنی است - هیچ‌گاه صادق نیست.
  - لزوماً کاذب نیست - ممکن است در تبلیغات مورد استفاده باشد.
  - سالبه جزئی است - استناد به آن صحیح است.
۱۱۶۲. اگر بدانیم «هیچ الف ب نیست» صادق است صدق کدام قضایا مستقیماً ثابت می‌شود؟ الف) هیچ ب الف نیست. ب) بعضی الف ب نیست. ج) هر الف ب است. د) بعضی ب الف نیست. ۱) الف - ب ۲) ب - ج ۳) ج - د ۴) الف - د
۱۱۶۳. متداخل قضیه موجبه کلی که ب موضوع آن و الف محمول آن باشد، چه تعداد از موارد زیر برای بر کردن جای خالی مناسب است؟
- الف) متداخل متضاد عکس
  - دو
  - یک
  - د) عکس نقیض
  - ج) متناقض عکس
  - سه
  - ۴) چهار
۱۱۶۴. نقیض عکس کدام قضیه‌ها با عکس نقیض خود یکسان است؟
- هر الف ب است - بعضی ب الف نیست.
  - بعضی الف ب است - هیچ ب الف نیست.
  - بعضی ب الف است - هر الف ب است.
۱۱۶۵. اگر دو قضیه نتوانند هم‌زمان صادق باشند و اگر نتوانند هم‌زمان کاذب باشند
- حداقل یکی از آن‌ها کلی است - در کیف مختلف‌اند.
  - رابطه میان آن‌ها قابل تعیین نیست - رابطه آن‌ها تداخل تحت تضاد است.
  - ممکن است در کیف یکسان باشند - عکس نیست که هر دو جزئی باشند.
  - هر دوی آن‌ها عکس مستوی لازم‌الصدق دارند - حداقل یکی از آن‌ها جزئی است.
۱۱۶۶. عکس مستوی قضیه «هر انسانی زیباست» از حیث کم با یکسان است و از نظر کیف با متفاوت است.
- نقیض متضاد آن - متضاد نقیض «بعضی فلاسفه مسلمان هستند».
  - متداخل تحت تضاد متداخل آن - متداخل متداخل تحت تضاد «بعضی از دانشمندان ایرانی نیستند».
  - عکس متداخل آن - متداخل عکس «هیچ پرنده‌ای بچه‌زا نیست».
  - متداخل متضاد آن - متضاد متداخل «بعضی از کتاب‌ها علمی نیستند».
۱۱۶۷. کدام گزینه در مورد قضیه «بعضی الف ب است» درست است؟
- اگر کاذب باشد وضعیت صدق و کذب متداخل عکس مستوی آن مشخص نیست.
  - نقیض عکس آن از حیث کم و کیف عین متضاد متداخل آن است.
  - اگر صادق باشد عکس متداخل آن کاذب است.
  - علاوه بر عکس مستوی، می‌تواند مشمول چهار نوع تقابل باشد
۱۱۶۸. عکس یک قضیه با عکس همان قضیه یکی است، متداخل آن نقیض متضاد آن می‌باشد.
- متداخل - موجبه کلی - هر الف ب است
  - نقیض - سالبه کلی - هیچ الف ب نیست
  - ۲) متداخل - موجبه جزئی - بعضی الف ب است
  - ۴) نقیض - سالبه جزئی - بعضی الف ب نیست
۱۱۶۹. اگر عکس مستوی قضیه‌ای «بعضی الف ب است» باشد درباره آن قضیه می‌توان گفت:
- می‌تواند «بعضی ب الف است» باشد و متناقض آن «هیچ ب الف نیست» است.
  - حتماً «هر ب الف است» بوده و تداخل آن «بعضی ب الف است» می‌باشد.
  - حتماً «بعضی ب الف است» می‌باشد و با «هر ب الف است» تداخل دارد.
  - می‌تواند «هر الف ب است» باشد و متضاد آن «هیچ الف ب نیست» می‌باشد.
۱۱۷۰. برای به دست آوردن عکس قضیه باید علاوه بر جایه‌جایی موضوع و محمول، کمیت را نیز تغییر دهیم.
- هر گلی خوشبو نیست.
  - بعضی مثلث‌ها قائم‌الزاویه هستند.
  - بعضی مثلث‌ها سه‌ضلعی است.
  - بعضی گل‌ها چهار فصل نیستند.
۱۱۷۱. کدام گزینه براساس احکام قضایای حملی درست است؟
- اگر قضیه هر الف ب است صادق باشد قضیه بعضی ب الف است صادق است.
  - صدق یک قضیه سالبه جزئی کذب موجبه جزئی با همان موضوع و محمول را نتیجه می‌دهد.
  - صدق عکس قضیه بعضی الف ب نیست با هر ماده‌ای مردود و منتفی است.
  - اگر هیچ الف ب نیست کاذب باشد بعضی الف ب نیست و بعضی الف ب است صادق هستند.

۱۱۷۲. به فرض صدق «هر غیر الف غیر ب است»، قطعاً صادق است.  
 ۱) بعضی غیر الف غیر ب نیست ۲) بعضی غیر ب غیر الف است  
 ۳) بعضی غیر ب غیر الف نیست ۴) هر غیر ب غیر الف است
۱۱۷۳. کدام گزینه قاد عکس لازم الصدق است؟  
 ۱) متداخل کل کاذب ۲) متضاد کلی کاذب  
 ۳) متناقض جزئی کاذب ۴) عکس کلی صادق
۱۱۷۴. متضاد یک قضیه موجبه کلی با عکس مستوی یک قضیه موجبه جزئی با موضوع و محمول یکسان چه نسبتی دارند؟  
 ۱) تضاد ۲) تناقض ۳) تداخل ۴) تداخل تحت تضاد
۱۱۷۵. اگر «بعضی ب الف است» صادق باشد، کذب کدام مورد را می‌توان نتیجه گرفت؟  
 ۱) هر الف ب است. ۲) بعضی الف ب است.  
 ۳) هیچ الف ب نیست. ۴) بعضی ب الف نیست.
۱۱۷۶. قضیه «بعضی کتاب‌ها بی‌ارزش هستند» عکس مستوی کدام است؟  
 ۱) بعضی بی‌ارزش‌ها کتاب هستند. ۲) بعضی بی‌ارزش‌ها کتاب نیستند.  
 ۳) هیچ بی‌ارزشی کتاب نیست. ۴) هر بی‌ارزشی کتاب است.
۱۱۷۷. عکس مستوی «سالبه جزئی» در حالت است.  
 ۱) ۲ - صادق ۲) ۲ - کاذب  
 ۳) ۳ - صادق ۴) ۳ - کاذب
۱۱۷۸. نقیض عکس سالبه کلی و تداخل موجبه کلی  
 ۱) فقط در سور مشترک هستند. ۲) موضوع واحد دارند.
۱۱۷۹. کدام یک از روابط میان قضایای حملی با استفاده از سه قضیه «هر غیر ب الف است»، «بعضی الف غیر ب است» و «هیچ الف غیر ب نیست» قابل ساختن است؟  
 ۱) تضاد - تداخل ۲) عکس مستوی - تناقض ۳) تضاد - تناقض ۴) عکس مستوی - تضاد
۱۱۸۰. a و b دو مفهوم کلی هستند و نسبتشان تساوی یا عموم و خصوص مطلق است. اگر این دو موضوع و محمول دو قضیه باشند که یکی عکس دیگری است  
 می‌توان گفت قضیه عکس شده است و در این حالت  
 ۱) متضاد ندارد - کیف ثابت است.  
 ۲) موجبه جزئی - کم تغییر نمی‌کند.  
 ۳) سالبه کلی - سور ثابت است.  
 ۴) موجبه کلی یا موجبه جزئی - جایگاه موضوع و محمول تغییر می‌کند.
۱۱۸۱. با توجه به اینکه قضیه «هیچ رانده‌ای خردسال نیست» صادق است؛ کدام گزینه کاذب است?  
 ۱) بعضی غیر خردسالان رانده هستند.  
 ۲) بعضی بزرگسالان رانده هستند.  
 ۳) بعضی غیر بزرگسالان رانده هستند.
۱۱۸۲. کدام گزینه با رعایت ترتیب جدول مقابله به درستی تکمیل می‌کند؟  
 ۱) موجبه کلی - سالبه جزئی  
 ۲) سالبه کلی - موجبه جزئی  
 ۳) موجبه کلی - موجبه جزئی
۱۱۸۳. محمول در قضایای کلی ممکن است از موضوع اعم باشد، بنابراین  
 ۱) قضیه اصل در احکام عکس حتماً باید صادق باشد.  
 ۲) عکس مستوی موجبه کلی، موجبه جزئی است.  
 ۳) نسبت در عکس مستوی ثابت است.
۱۱۸۴. عکس مستوی موجبه کلی به صورت  
 ۱) در صورت کذب اصل کاذب است.  
 ۲) موجبه کلی لزوماً صادق نیست.
۱۱۸۵. کدام گزینه برای تکمیل عبارت زیر مناسب نیست؟  
نقیض متضاد یک قضیه صادق  
 ۱) در سور با عکس سالبه کلی برابر است.  
 ۲) حتماً جزئی است.
۱۱۸۶. با توجه به صدق قضیه «هر پرتده‌ای تخم‌گذار است»، قضیه «هر غیر پرنده‌ای تخم‌گذار نیست»  
 بوده و نوع آن است.  
 ۱) صادق - سالبه کلی ۲) کاذب - سالبه کلی ۳) صادق - سالبه جزئی ۴) کاذب - سالبه جزئی
۱۱۸۷. قضیه‌ای که «هر عبادتگری غیر کافر است»، متضاد نقیض عکس آن باشد کدام است?  
 ۱) هر غیر کافری عبادتگر است. ۲) هر عبادتگری غیر کافر است. ۳) بعضی کافرها عبادتگرند.
۱۱۸۸. دو قضیه‌ای که یک قضیه موجبه جزئی ممکن است عکس شده آن‌ها باشد  
 ۱) در کیف متحددند. ۲) در کم متحددند.  
 ۳) نقیض یکدیگرند. ۴) متضاد یکدیگرند.
۱۱۸۹. کدام گزینه درباره عکس مستوی «نه هر که سر پتروش قلندری داند» صحیح است?  
 ۱) لازم الصدق نیست. ۲) سالبه کلیه و صادق است.  
 ۳) موجبه جزئیه و کاذب است. ۴) موجبه جزئیه و صادق است.
۱۱۹۰. کدام یک از گزینه‌های زیر در هیچ یک از احکام قضایا یافت نمی‌شود؟  
 ۱) هر الف ب است، هیچ غیر الف ب نیست، هر ب الف است.  
 ۲) بعضی الف ب نیست، بعضی غیر ب الف است، هر الف ب است.  
 ۳) بعضی الف ب است، بعضی غیر ب الف است، هر الف ب است.

**۹۶۴** ۱ خصوصیات دو قضیه متناقض: ۱) یکی صادق است و دیگری کاذب (محال است هر دو با هم صادق و یا هر دو با هم کاذب باشند). ۲) یکی کلیه است و دیگری جزئیه (اختلاف در کم) ۳) یکی موجبه است و دیگری سالبه (اختلاف در کیف)

**۹۶۵** ۱ اگر از دو قضیه متناقض یکی صادق باشد، دیگری بالضروره کاذب است.

**۹۶۶** ۲ هر کدام از قضایا را نقیض می‌کنیم:

۱) بعضی انسان‌ها سنگ هستند. ← کاذب

۲) بعضی چوبها نارسانا نیستند. ← کاذب

۳) هیچ شتری دوکوهانه نیست. ← کاذب

۴) بعضی موجودات مادی نیستند. ← صادق

راحل ساده‌تر: لازم نیست نقیض تک‌تک قضایا را به دست بیاوریم. یک قضیه کاذب پیدا می‌کنیم، نقیضش حتماً صادق درمی‌آید.

**۹۶۷** ۲ در تقابل تناقض، اجتماع و ارتفاع دو طرف، محال است؛ یعنی محال است که هر دو قضیه درست یا هر دو غلط باشند. دو قضیه متناقض دو قضیه‌ای است که هم در سور و هم در نسبت تفاوت دارند؛ مانند «بعضی انسان‌ها شاعرند؛ هیچ انسانی شاعر نیست».

**۹۶۸** ۳ در تناقض، اجتماع و ارتفاع دو طرف محال است؛ یعنی محال است هر دو قضیه درست یا هر دو غلط باشند. مثال آن: این دانش‌آموز منضبط نیست.

**نکته:** در قضایای شخصیه، تنها با تغییر کیف، قضیه متناقض می‌شود.

**۹۶۹** ۲ در رابطه تناقض، تغییر کمیت و کیفیت را داریم؛ مثل «بعضی حشرات بیماری‌زا هستند» ← «هیچ حشره‌ای بیماری‌زا نیست».

**۹۷۰** ۲ «هر الف ب است (کاذب) ← تناقض → بعضی الف ب نیست (صادق)»

**۹۷۱** ۲ موجبه کلی → تناقض ← سالبه جزئی

در مورد تناقض گفته‌اند: اجتماع و ارتفاع نقیضین محال است، یعنی هم درست بودن و هم غلط بودن هر دو قضیه محال است و حتماً یکی درست و یکی غلط است. این عبارت از بدیهیات (اولیات یا ضروریات) محسوب می‌شود.

**۹۷۲** ۲ همه دانش‌آموزان سر جلسه حاضرند با بعضی دانش‌آموزان سر جلسه حضور ندارند، تناقض دارند. پس اگر یکی صادق باشد دومی حتماً کاذب است.

**۹۷۳** ۲ برای تناقض باید هم سور و هم نسبت را تعویض کرد. (رد گزینه‌های ۱ و ۲)

تناقض یک قضیه کاذب، صادق خواهد بود. (رد گزینه‌های ۲ و ۳)

**۹۷۴** ۲ در تقابل، شرط اول این است که موضوع و محمول قضایا یکسان باشند و تفاوت یا در سور یا در نسبت و یا در هر دو باشد.

**۹۷۵** ۲ اجتماع یعنی صدق همزمان و ارتفاع یعنی کذب همزمان دو قضیه و غیرممکن بودن هر دوی این موارد تنها در حالت تناقض دیده می‌شود.

**۹۷۶** ۲ چنانچه دو قضیه دارای سور و نسبت متفاوت باشند، نسبت آن دو تناقض است. مانند حالتی که میان یک قضیه موجبه جزئی و دیگری سالبه کلی باشد.

**۹۷۷** ۲ سالبه جزئی؛ بعضی الف ب نیست.

بعضی الف ب نیست ← تناقض → هر الف ب است.

بنابراین نقیض آن یک قضیه موجبه کلی است، پس هم متنضاد دارد (رد گزینه ۱) و هم کاذب است (رد گزینه‌های ۲ و ۴) بنابراین عکس ندارد.

**۹۷۸** ۲ هنگامی که به صرف تغییر نسبت یک قضیه نقیض آن به دست می‌آید، آن قضیه شخصیه است؛ بنابراین از میان گزینه‌ها تنها گزینه ۴ می‌تواند برای جای خالی مناسب باشد.

**۹۷۹** ۲ با تغییر کم و کیف قضیه مورد سؤال به متناقض بودن آن دست می‌یابیم که از حيث صدق و کذب مخالف آن است.

هر الف ب است (کاذب) ← تناقض → بعضی الف ب نیست (صادق)

**۹۵۳** ۲ اگر موضوع قضیه جزئی باشد، پس قضیه شخصیه است، پس جزئیه یا کلیه نیست (رد گزینه ۴).

اگر خود قضیه جزئی باشد یعنی سور جزئی دارد، پس کلی یا شخصیه نیست (رد گزینه ۱ و ۳).

**۹۵۴** ۲ در نسبت عموم و خصوص منوجه ۴ قضیه جزئی حاصل می‌شود:

۱) بعضی الف ب است. ۲) بعضی الف ب نیست. ۳) بعضی ب الف است.

۴) بعضی ب الف نیست.

در نسبت تباين ۲ قضیه سالبه کلی حاصل می‌شود:

۱) هیچ الف ب نیست ← بعضی الف ب نیست

۲) هیچ ب الف نیست ← بعضی ب الف نیست

## درس هفتم: احکام قضایا

**۹۵۵** ۲ دو قضیه وقتی متقابل‌اند که موضوع و محمول آن‌ها یکی است ولی در سور یا نسبت و یا هر دو با هم تفاوت دارند. در این صورت، چهار حالت پیدا می‌شود:

۱) تناقض: تفاوت در سور و نسبت ۲) تضاد: هر دو کلی و تفاوت در نسبت

۳) تحت تضاد: هر دو جزئی و تفاوت در نسبت ۴) تداخل: تفاوت در سور در سه حالت (تناقض - تضاد - تحت تضاد) نسبت دو قضیه و در دو حالت (تناقض - تداخل) سور دو قضیه تفاوت دارد.

**۹۵۶** ۱ آموختن احکام قضایا این فایده را دارد که پس از اینکه ذهن به درستی یک قضیه پی برد، بدون مراجعه به هیچ منبع دیگر، می‌تواند قضایای درست دیگری را دریابد یا به غلط بودن برخی قضایا پی ببرد.

**۹۵۷** ۱ قضایای متقابل، قضایایی هستند که در موضوع و محمول یکسان هستند، اما در کمیت یا کیفیت یا هر دو تفاوت دارند. در رابطه تداخل اگر قضیه کلی صادق باشد، جزئی آن هم صادق خواهد بود.

**۹۵۸** ۳ اگر «بعضی الف ب است» صادق باشد رابطه الف و ب ممکن است تساوی، عموم و خصوص متعلق یا عموم و خصوص منوجه باشد، بنابراین «بعضی الف ب نیست» هم ممکن است صادق باشد و هم ممکن است کاذب باشد.

### بررسی سایر گزینه‌ها

**۹۵۹** ۱ عکس مستوی قضیه اصلی است و صادق می‌باشد.

**۹۶۰** ۲ نقیض آن است و ما همواره مستقیماً از صدق قضیه اصلی به کذب نقیض آن می‌رسیم.

**۹۶۱** ۲ این قضیه، متداخل عکس قضیه اصلی است، اما علی‌رغم صدق عکس قضیه اصلی در رابطه تداخل، صدق جزئی ما را به صدق یا کذب کلی نمی‌رساند.

**۹۶۲** ۲ احکام مرتع تقابل به قضایایی متعلق‌اند که موضوع و محمول آن‌ها یکی است؛ بنابراین در ساخت قضیه متقابل موضوع و محمول در جای خود حفظ می‌شوند.

**۹۶۳** ۲ برای اینکه دو قضیه با هم متناقض باشند، باید در کم (همه و بعضی) و در کیف (سلب و ایجاد) مختلف باشند.

**۹۶۴** ۲ برای نقیض کردن قضیه شخصیه تنها اختلاف در کیف (سلب و ایجاد) کافی است.

موجبه کلیه ← نقیض ← سالبه جزئیه

سالبه جزئیه ← نقیض ← موجبه کلی

**۹۶۵** ۲ برای به دست آوردن نقیض قضیه شخصیه، فقط تغییر نسبت (کیفیت) کافی است؛ مانند:

سعدی نویسنده گلستان است ← نقیض ← سعدی نویسنده گلستان نیست

سالبه جزئیه ← نقیض ← موجبه کلیه

**۹۶۶** ۲ در تناقض: سالبه کلیه ← موجبه جزئیه

**نتیجه:** بعضی اسم‌ها معرب هستند.

**نکته:** هرگاه دو قضیه حملی از نظر موضوع و محمول با هم مقایسه شوند، حالت‌های مختلفی می‌گیرند که موارد تضاد و تناقض در منطق کاربرد بیشتری دارند.

۹۹۳. ۱ «هر گردی گردو است.» **متضاد** «هیچ گردی گردو نیست.»  
 (کاذب) (کاذب)  
 «هیچ گردی گردو نیست.» **متناقض** «بعضی گردها گردو هستند.»  
 (کاذب) (صادق)

**نکته:** هرگاه یک قضیه کلی درست باشد، قطعاً قضیه متضاد آن غلط است.

۹۹۴. ۲ اگر قضیه‌ای کاذب باشد، متضاد آن «ممکن است درست یا نادرست باشد» و یقین درستی یا نادرستی آن به «محتوای» قضیه بستگی دارد.

۹۹۵. ۱ دو قضیه وقتی متضاد هستند که سور هر دو کلی ولی از نظر نسبت، یکی موجبه باشد و یکی سالبه.  
 بعضی الف ب نیست **متضاد** هر الف ب است.

۹۹۶. ۳ رابطه تضاد تنها میان قضیه‌های موجبه کلی و سالبه کلی برقرار است. بنابراین با تغییر کیفیت قضیه کلی، به قضیه متضاد آن می‌رسیم. در رابطه تضاد از صدق یک قضیه کلی به کذب قضیه دیگر به نحو قطعی دست می‌بابیم. اما اگر قضیه کلی کاذب باشد، به صورت قطعی نمی‌توانیم بگوییم که قضیه متضاد آن صدق است یا کاذب.

۹۹۷. ۳ رابطه تضاد، فقط در قضایای کلی وجود دارد و با تغییر کیفیت یک قضیه کلی به متضاد آن خواهیم رسید (نه جزئی).

۹۹۸. ۱ تضاد فقط در قضایای کلی (میان موجبه کلی و سالبه کلی) است. در نسبت تضاد هرگاه قضیه اصلی صدق باشد، تضاد آن حتماً کاذب خواهد بود، ولی اگر قضیه اصلی کاذب باشد، تضاد آن ممکن است کاذب یا صدق باشد.

۹۹۹. ۱ تضاد: دو قضیه‌ای که سور هر دو کلی است، ولی از نظر نسبت یکی موجبه است و یکی سالبه.

۱۰۰۰. ۱ تضاد فقط بین دو قضیه کلی برقرار است و در آن صرف‌سور عوض می‌شود.

۱۰۰۱. ۲ قضیه‌ای که متضاد دارد قطعاً کلی است.

#### بررسی گزینه‌ها

گزینه ۱ اگر موجبه کلی باشد عکس آن جزئی است.

گزینه ۲ چون کلی است متداخل آن حتماً جزئی است.

گزینه ۳ اگر سالبه باشد، حتماً متناقض آن موجبه خواهد بود.

گزینه ۴ اگر کاذب باشد، می‌تواند متضاد کاذب یا صدق داشته باشد.

#### بررسی گزینه‌ها

گزینه ۱ اجتماع و ارتفاع به هم ربطی ندارند لذا اگر اجتماع محل باشد، ارتفاع ممکن است محل یا مجاز باشد.

گزینه ۲ فقط در تناقض نیست که اجتماع محل است، در تضاد هم اجتماع محل است.

گزینه ۳ اگر اجتماع محل باشد یعنی ممکن نیست هر دو طرف صدق باشند، پس حتماً یکی از طرفین کاذب است.

گزینه ۴ جمع در کذب یعنی ارتفاع

۱۰۰۳. ۳ در تضاد، اجتماع محل و ارتفاع مجاز است. در تناقض هم اجتماع و هم ارتفاع محل است. بنابراین نمی‌توان گفت ارتفاع دو ضد محل است چون رفع دو ضد در واقع مجاز و ممکن است.

۱۰۰۴. ۱ صدق به کذب در تضاد و تناقض اتفاق می‌افتد.

قضیه اصلی چون جزئی است تضاد ندارد. بعضی الف ب نیست **متناقض** هر الف ب است.

۹۸۰. ۲ باید توجه داشت که در تناقض فقط و فقط سور و نسبت تغییر کرده و محمول بدون تغییر به جای خود باقی می‌مانند. بنابراین بهتر است جمله را بازنویسی کرده و اجزای آن را مشخص کنیم: هر دانش‌آموزی که همه درس‌ها را بخواند موفق می‌شود.

**سور** **موضع** **محمول** **نسبت**  
 به این ترتیب برای ساختن نقیض این قضیه تنها تغییر «هر» به «بعضی» و تغییر «می‌شود» به «نمی‌شود» مورد نیاز است.

۹۸۱. ۲ می‌توان با ساخت نقیض یک قضیه کاذب به قضیه‌ای صادق رسید و می‌دانیم که ساخت نقیض با تغییر کم و کیف (سور و نسبت) انجام می‌شود، پس باخ گزینه «۲» است.

۹۸۲. ۲ می‌دانیم که نقیض هر قضیه صادقی، کاذب است؛ بنابراین: هر الف ب است **نقیض** ← بعضی الف ب نیست.

#### بررسی گزینه‌ها

گزینه ۱ تداخل تحت تضاد

گزینه ۲ هیچ نسبتی

گزینه ۳ تضاد

گزینه ۴ هیچ نسبتی

در تضاد: موجبه کلیه ← سالبه کلیه

**نتیجه:** هیچ انسانی بالقوه عالم نیست.

**نکته:** در تضاد موضوع و محمول عیناً تکرار می‌شود.

۹۸۵. ۱ در دو قضیه «متضاد»، صدق هر دو محال ولی کذب هر دو جایز است.

۹۸۶. ۲ دو قضیه متضاد «هر مثلثی قائم‌الزاویه است.» و «هیچ مثلثی قائم‌الزاویه نیست» را در نظر بگیرید: جمع آن دو غیرممکن است ولی رفع آن دو

پایه محال نیست؛ یعنی امکان دارد که هیچ کدام از این دو قضیه را نپذیریم (چنان‌که درست هم همین است؛ چرا که هر دو کاذبند) و مثلاً بگوییم «بعضی مثلث‌ها در نظر بگیرید» حالاً دو قضیه متناقض «هر مثلثی قائم‌الزاویه است.» و «بعضی

مثلث‌ها قائم‌الزاویه نیستند». را در نظر بگیرید؛ هم جمع آن دو غیرممکن است هم رفع آن دو؛ یعنی نمی‌شود هر دو را با هم بپذیریم و نیز نمی‌شود هر دو را رد کنیم.

۹۸۷. ۲ دو قضیه‌ای که جمع (صدق) آن دو محال ولی رفع (کذب) آن دو ممکن باشد، متضاد نام دارند و دو قضیه‌ای که جمع و رفع (صدق و کذب) آن دو محال باشد، متناقض نام دارند.

۹۸۸. ۱ دو قضیه متضاد هر دو کلیه هستند و صدق هر دو محال است.

۹۸۹. ۲ دو قضیه متضاد، ممکن است هر دو کاذب باشند، اما صدق هر دو محال است.

۹۹۰. ۳ متضاد همه قضیه‌ها را می‌نویسیم:

گزینه ۱ هیچ مثلثی قائم‌الزاویه نیست. ← کاذب

گزینه ۲ هیچ حیوانی علفخوار نیست. ← کاذب

گزینه ۳ هر گناهکاری پیغمبر است. ← کاذب

گزینه ۴ هر فلزی هادی الکتروسیسته است. ← صادق

قضایای جزئی متضاد ندارند.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ تناقض + ↔ -

گزینه ۲ کلی + ← جزئی + ، کلی - → جزئی -

گزینه ۳ تضاد + ← ، - → ? -

۹۹۲. ۱ تضاد بین دو قضیه‌ای است که سور هر دو کلی است ولی از نظر نسبت یکی موجبه است و یکی سالبه؛ بنابراین موجبه جزئیه «تضاد ندارد».

تناقض بین دو قضیه‌ای است که هم در سور و هم در نسبت تفاوت دارند؛ بنابراین متناقض موجبه جزئیه، سالبه کلیه می‌شود؛ «بعضی انسان‌ها مؤمن هستند»، هیچ انسانی مؤمن نیست.

۱۰۱۳. ۲ تضاد مختص به قضایای کلی است؛ بنابراین یک قضیه جزئی متضاد ندارد.

۱۰۱۴. ۲ دو قضیه متداخل دو قضیه‌ای هستند که در «سور» متفاوت و در «نسبت» یکسان هستند؛ مانند «هر الف ب است؛ بعضی الفها ب است» و «هیچ الف ب نیست؛ بعضی الفها ب نیست».

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ در تضاد دو قضیه در سور یکسان و در نسبت متفاوت هستند.

گزینه ۲ در تناقض دو قضیه در سور و نسبت متفاوت هستند.

گزینه ۳ در تداخل تحت تضاد دو قضیه در سور یکسان و در نسبت متفاوت هستند.

۱۰۱۵. ۲ دو قضیه متداخل در سور، متفاوت و در نسبت یکسانند؛ مانند: «هر الف ب است؛ بعضی الفها ب هستند. (هر فرشته‌ای غیرمادی است؛ بعضی فرشته‌ها غیرمادی هستند.)

هیچ الف ب نیست؛ بعضی الفها ب نیستند. (هیچ فرشته‌ای مادی نیست؛ بعضی فرشته‌ها مادی نیستند.) (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

بعضی انسان‌ها امانت‌دار هستند  $\neg_{\text{تناقض}}$  هیچ انسانی امانت‌دار نیست. (رد گزینه ۳)

۱۰۱۶. ۱ هرگاه یک قضیه کلی درست باشد، قطعاً قضیه متضاد آن غلط است ولی هنگامی که قضیه‌ای غلط باشد، نمی‌توان در مورد قضیه متضاد آن به نتیجه‌ای قطعی رسید. اگر قضیه‌ای درست باشد، نقیض آن غلط است و بر عکس، در تداخل، هنگامی که قضیه کلی درست باشد، جزئی آن هم حتماً درست و اگر قضیه جزئی غلط باشد، کلی آن هم حتماً غلط است ولی در دیگر موارد نمی‌توان به نتیجه‌ای قطعی رسید.

۱۰۱۷. ۲ هرگاه قضیه کلی صادق باشد، قضیه متداخل آن نیز صادق است (ونه بر عکس)، یعنی اگر قضیه کلی کاذب باشد، قضیه جزئی آن ارزش نامعلوم دارد و هرگاه قضیه جزئی کاذب باشد، قضیه کلی نیز کاذب است.

۱۰۱۸. ۲ موجبه کلیه  $\neg_{\text{نفی}}$  سالبة جزئیه - موجبه کلیه  $\neg_{\text{تنادل}}$  موجبه جزئیه - موجبه کلیه  $\neg_{\text{سالبة کلیه}}$

۱۰۱۹. ۳ دو قضیه‌ای که در سور، متفاوت و در نسبت، یکسان باشند، متداخل نامیده می‌شوند و در تداخل هرگاه قضیه جزئی صادق باشد، معلوم نیست قضیه کلی صادق است یا کاذب.

۱۰۲۰. ۲ از آنجا که مصادیق قضیه جزئی در ذیل مصادیق قضیه کلی قرار دارند، این رابطه را متداخل نامیده‌اند. هرگاه قضیه جزئی کاذب باشد، قضیه کلی نیز کاذب است (ونه بر عکس).

۱۰۲۱. ۳ رابطه «تنادل» میان قضایای موجبه کلی و موجبه جزئی و میان سالبة کلی و سالبة جزئی برقرار است و با تغییر کمیت قضیه و ثابت نگه داشتن کیفیت آن می‌توان به متداخل آن دست یافت؛ مانند «بعضی حیوانات دوزیست نیستند» و «هیچ حیوانی دوزیست نیست». در تداخل، هرگاه قضیه جزئی باشد، قضیه جزئی کاذب باشد، قضیه کلی نیز کاذب است (ونه بر عکس).

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱  $\neg_{\text{تنادل}}$  ندارد. زیرا تضاد بین قضایای کلی برقرار است.

گزینه ۲  $\neg_{\text{تناقض}}$  هر حیوانی دوزیست است. صادق

گزینه ۳  $\neg_{\text{عكس مسئول}}$  سالبة جزئیه عکس لازم الصدق ندارد.

۱۰۰۵. ۲ تنها قضایایی متضاد دارند که کلی‌اند؛ بنابراین «بعضی الف ب است» که با توجه به سور «بعضی» جزئی است، متضاد ندارد.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ این دو قضیه رابطه تناقض دارند؛ بنابراین کذب یکی مستلزم صدق دیگری است.

گزینه ۲ این دو قضیه با هم رابطه تداخل دارند و در رابطه تداخل هرگاه قضیه جزئی کاذب باشد، قضیه کلیه نیز کاذب است (ونه بر عکس) پس از کذب «هر الف ب است» نمی‌توان به کذب «بعضی الف ب است» رسید.

گزینه ۳ در تضاد اگر قضیه کلی کاذب باشد، نمی‌توانیم به صورت قطعی بگوییم که قضیه متضاد آن صادق است یا کاذب.

۱۰۰۷. ۲ اگر یک قضیه کلی کاذب باشد، صدق یا کذب متضاد آن معلوم نیست.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ تنها در صورتی می‌توان از یک قضیه عکس گرفت که صادق باشد.

گزینه ۲ اگر صدق و کذب یک قضیه مشخص باشد، صدق و کذب نقیض آن مشخص است.

گزینه ۴ در تداخل تحت تضاد کذب یکی صدق دیگری را در بی دارد.

۱۰۰۸. ۳ برای فهم بهتر مسئله این جمله را بازنویسی می‌کنیم؛ باید به یاد داشته باشیم که در این مورد، با اهمال سور مواجهیم، پس باید سور مناسب را نیز به آن اضافه کنیم:

هیچ یک از دانش‌آموزانی که پیش‌مطالعه نمی‌کنند، موفق نیستند.

**محول**

**موضوع**

**سور (اک)**

به‌این ترتیب این قضیه از نوع سالبة کلی است.

عکس سالبة کلی همان سالبة کلی است. (رد گزینه‌های ۲ و ۴) در تضاد کمیت ثابت و کیفیت متغیر است؛ پس متضاد سالبة کلی، موجبه کلی است. به این ترتیب پاسخ گزینه ۳ است.

۱۰۰۹. ۱ می‌دانیم که در عکس مسئول تنها از صدق یک قضیه به صدق قضیه‌ای دیگر می‌رسیم. اما در تقابل این تغییر در دو حالت امکان‌پذیر است: در تضاد و تناقض صدق یکی کذب دیگری را نتیجه می‌دهد.

۱۰۱۰. ۲ اگر دو قضیه مانع‌الرفع باشند یعنی ارتفاع آن دو محال است، به عبارت دیگر نمی‌توانند همزمان کاذب باشند، حال آن که می‌دانیم دو قضیه متضاد ممکن است به صورت همزمان کاذب باشند. دو قضیه متضاد در کم متعدد، در کیف مختلف، مانع‌الجمع در صدق هستند.

۱۰۱۱. ۲ تضاد؛ صدق یکی مستلزم کذب دیگری است، نه بر عکس.

تناقض؛ صدق یکی مستلزم کذب دیگری و کذب یکی مستلزم صدق دیگری است.

تداخل؛ صدق کلی مستلزم صدق جزئی و کذب جزئی مستلزم کذب کلی است.

تناخل تحت تضاد؛ کذب یکی مستلزم صدق دیگری است، نه بر عکس.

بنابراین دو قضیه متقابل که صدق یکی مستلزم کذب دیگری است، ممکن است متضاد یا متناقض باشند.

۱۰۱۲. ۲ در تضاد چنانچه یکی کاذب باشد، صدق یا کذب دیگری نامعلوم خواهد بود.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ همان‌طور که گفته شد، صدق یا کذب آن مشخص نیست.

گزینه ۲ هیچ قضیه‌ای نمی‌تواند هم صادق و هم کاذب باشد.

گزینه ۳ برای مثال «هیچ الف ب نیست» را در نظر می‌گیریم؛ اگر این قضیه کاذب باشد یعنی رابطه الف و ب ممکن است هر چیزی جز تباین باشد و در مجموع چهار حالت قابل تصور است: تساوی، عموم و خصوص منوجه، عموم و خصوص مطلق (الف اعم باشد) و عموم و خصوص مطلق (ب اعم باشد). به این ترتیب متضاد قضیه مذکور که «هر الف ب است» می‌باشد درسه حالت از چهار حالت مذکور کاذب خواهد بود.

- ۱۰۲۹ از صدق قضیه جزئی نمی‌توان صدق قضیه‌ای کلی را نتیجه گرفت (رد گزینه‌های ۱ و ۴). گزینه ۳ عکس مستوی قضیه صورت سؤال است در حالی که قضیه سالبه جزئی عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد (رد گزینه ۳). بعضی الف غیر ب نیست ← بعضی الف ب است ← عکس مستوی ← بعضی ب الف است.
- ۱۰۳۰ ۱ گزینه‌های ۲ و ۴ عکس مستوی هم هستند پس هر دو صادق‌اند. گزینه ۲ عکس مستوی قضیه صورت سؤال است پس صادق است. هیچ الف ب نیست ← هر الف غیر ب است ← عکس مستوی ← هر غیر ب الف است.

**نکته:** دو قضیه «هیچ الف ب نیست» و «هر الف غیر ب است» قابل تبدیل‌اند.

- ۱۰۳۱ ۲ عکس مستوی عبارت است از این‌که جای موضوع و محمول قضیه را عوض کنیم به شرط این‌که «کیف» و «صدق» باقی بماند.
- ۱۰۳۲ ۲ چون این قضیه «سالبه کلیه» است، پس به «سالبه کلیه» معکوس می‌شود. (عکس مستوی)

- ۱۰۳۳ ۱ در عکس مستوی: ۱ عوض کردن جای موضوع و محمول  
۲ موجبه جزئیه ← موجبه جزئیه

**نتیجه:** بعضی از ریاضیدان‌ها از فلاسفه شیعه بوده‌اند.

- ۱۰۳۴ ۲ در عکس مستوی: ۱ عوض کردن جای موضوع و محمول  
۲ موجبه جزئیه ← موجبه جزئیه

**نتیجه:** بعضی شاعرها انسان هستند.

- ۱۰۳۵ ۲ در عکس مستوی: ۱ عوض کردن جای موضوع و محمول  
۲ سالبه کلیه ← سالبه کلیه

**نتیجه:** هیچ مشرکی انسان مسلمان نیست.

- ۱۰۳۶ ۳ در «عکس مستوی» جای موضوع و محمول را عوض می‌کنیم ولی کیف (سلب و ایجاب) و صدق را به حال خود می‌گذاریم. پس اگر قضیه‌ای موجبه باشد، عکس مستوی آن نیز باید موجبه باشد و اگر سالبه باشد، عکس مستوی اش نیز سالبه است و اگر اصل صادق باشد، عکس مستوی اش نیز باید صادق باشد. اما کمیت قضیه (همه و بعضی) لازم نیست یکی باشد.

۱۰۳۷ ۱ سالبه جزئیه عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.

- ۱۰۳۸ ۲ هر عالمی پرهیزگار است ← تناقض ← بعضی عالمی پرهیزگار نیستند. هر فلزی هادی الکتریسته است ← متفاد ← هیچ فلزی هادی الکتریسته نیست. بعضی ایرانیان مسلمانند عکس مستوی ← بعضی مسلمانان ایرانی‌اند.

- ۱۰۳۹ ۲ عکس مستوی قضیه «بعضی حیوانات سیاه نیستند» که سالبه جزئیه (بعضی سیاه‌ها حیوان نیستند) است، صادق است.

- ۱۰۴۰ ۱ هرایرانی‌آسیایی است عکس مستوی ← بعضی آسیایی‌های ایرانی هستند (موجبه جزئیه). هیچ مهره‌داری حشره نیست عکس مستوی ← هیچ حشره‌ای مهره‌دار نیست (سالبه کلیه).

۱۰۴۱ ۲ قضیه سالبه جزئیه عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.

۱۰۴۲ ۳ سالبه کلیه عکس مستوی ← سالبه کلیه

۱۰۴۳ ۴ موجبه کلیه عکس مستوی ← موجبه جزئیه

۱۰۴۴ ۱ موجبه کلیه عکس مستوی ← موجبه جزئیه

۱۰۴۵ ۲ موجبه جزئیه ← موجبه جزئیه

۱۰۴۶ ۳ سالبه کلیه ← سالبه کلیه

۱۰۴۷ ۴ سالبه جزئیه ← عکس مستوی ← موجبه جزئیه

۱۰۴۸ ۱ یکبار دیگر با هم فرمول‌های عکس مستوی را می‌نویسیم:

۱۰۴۹ ۱ موجبه کلیه ← موجبه جزئیه

۱۰۵۰ ۲ موجبه جزئیه ← موجبه جزئیه

۱۰۵۱ ۳ سالبه کلیه ← سالبه کلیه

۱۰۵۲ ۴ سالبه جزئیه ← عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.

فقط در موجبه جزئیه و سالبه کلیه است که قضیه عکس مستوی از لحاظ کم و

کیف تغییری نمی‌کند.



با توجه به مربع تقابل گزینه ۳ درست است؛ زیرا  
تضاد سالبه کلی ← موجبه کلی است.

تناقض سالبه کلی ← سالبه جزئی است.  
تناقض سالبه کلی ← موجبه جزئی است.

**بررسی سایر گزینه‌ها**  
تضاد ← موجبه کلی  
تضاد ← تضاد  
تناقض ← سالبه کلی

گزینه ۱ موجبه جزئی  
تضاد ← تضاد  
تناقض ← سالبه کلی

گزینه ۲ سالبه جزئی  
تضاد ← تضاد  
تناقض ← سالبه کلی

گزینه ۳ موجبه کلی  
تضاد ← موجبه جزئی  
تناقض ← سالبه جزئی

گزینه ۴ موجبه کلی  
تضاد ← سالبه کلی

۱۰۲۳ در رابطه «تناقض» صدق یک قضیه، کذب دیگری را در پی دارد و بر عکس یعنی محال است دو نسبت با هم صادق یا کاذب باشند و در رابطه «تناقض» هرگاه قضیه کلی صادق باشد، قضیه جزئی نیز صادق است و هرگاه قضیه جزئی کاذب باشد، قضیه کلی نیز کاذب است و در رابطه «تضاد» از صدق قضیه کلی به کذب قضیه کلی دیگر می‌رسیم اما اگر قضیه کلی کاذب باشد، نمی‌توانیم به صورت قطعی بگوییم که قضیه متضاد آن صادق است یا کاذب.

۱۰۲۴ متضاد قضیه «هر انسانی متفکر است» می‌شود: «هیچ انسانی متفکر نیست» و نقیض آن «برخی انسان‌ها متفکر هستند» می‌شود.

متناقض قضیه «هر انسانی متفکر است» نیز «برخی انسان‌ها متفکر نیستند» است که در صورت صادق بودن قضیه اصلی، نقیض آن کاذب است و متداخل قضیه نقیض می‌شود: «هیچ انسانی متفکر نیست» که «کاذب» است، زیرا در رابطه تداخل از کذب قضیه جزئی به کذب قضیه کلی می‌رسیم.

۱۰۲۵ ۱ «هیچ الف ب نیست» یک قضیه کلی است و اگر صادق باشد، طبق احکام تقابل و با توجه به رابطه میان آن‌ها که تداخل (کیف ثابت، کم متغیر) است، می‌توان از صدق کلی به صدق جزئی رسید.

**بررسی سایر گزینه‌ها**

گزینه ۱ اجتماع دو نقیض محال است.

گزینه ۲ تضاد مربوط به قضایای کلی است.

گزینه ۳ سالبه جزئی عکس لازم‌الصدق ندارد.

**بررسی گزینه‌ها**

گزینه ۱ متداخل تحت تضاد هستند. اجتماع جایز و ارتفاع محال است.

گزینه ۲ متناقض هستند که اجتماع و ارتفاع محال هستند.

گزینه ۳ متضاد هستند که اجتماع محال و ارتفاع مجاز است.

گزینه ۴ متناقض هستند که اجتماع و ارتفاع محال هستند.

۱۰۲۷ در تناقض و تداخل تحت تضاد کذب یک طرف نتیجه‌اش صدق طرف مقابل است (رد گزینه‌های ۱، ۲ و ۴).

۱۰۲۸ ۱ الف و ب: تداخل - الف و ج: تضاد - الف و د: تناقض ب و ج: تناقض - ب و د: تداخل تحت تضاد - ج و د: تداخل

۱۰۵۴ ابتدا اصل قضیه مذکور در صورت سؤال را پیدا می کنیم و بعد، از روی قضیه اصل، عکس مستوی و متناقض را می سازیم.

هیچ مرغی حلال گوشت نیست.  $\xrightarrow{\text{اصل}}$  هر مرغی حلال گوشت است.

(موجبه کلیه) ۱ عکس مستوی: موجبه جزئی ۲ متناقض: سالبة جزئیه

۱۰۵۵ منطق دانان با بررسی قضیه سالبة جزئی؛ مانند «بعضی حیوانات

گریه نیستند» نشان داده اند که قانونی کلی برای عکس مستوی این قضیه وجود ندارد. بدین جهت اصطلاحاً می گویند که سالبة جزئی عکس لازم الصدق ندارد.

#### بررسی سایر گزینه ها

گزینه ۱ سالبة کلیه  $\xrightarrow{\text{عکس مستوی}}$  سالبة کلیه

گزینه ۲ موجبه کلیه  $\leftarrow$  موجبه جزئیه

گزینه ۳ موجبه جزئیه  $\leftarrow$  موجبه جزئیه

۱۰۵۶ تداخل یعنی تغییر کمیت با ثابت نگه داشتن کیفیت و در عکس

جایه جایی موضوع و محمول را در قضیه حملی داریم، پس تداخل و عکس مستوی قضایای «بعضی ماشین ها گران قیمت هستند» و «هر هنرمندی صور تگر

است» به ترتیب به این صورت خواهد بود:

تداخل: هر ماشینی گران قیمت است، بعضی هنرمندان صور تگر هستند.

عکس مستوی: بعضی گران قیمت هاماشین هستند، بعضی صور تگران هنرمند هستند.

۱۰۵۷ در عکس قضایا، موضوع و محمول قضیه حملی را جایه جا می کنیم.

در قضایای محصوره عکس قضیه سالبة کلی  $\leftarrow$  سالبة کلی است.

۱۰۵۸ با توجه به قانون عکس مستوی، قضیه موجبه کلی، عکس

مستوی اش موجبه جزئی است و همین طور عکس مستوی موجبه جزئی، موجبه

جزئی می باشد، پس اگر عکس مستوی موجبه جزئی داشته باشیم، اصل قضیه

ممکن است به دو صورت «موجبه کلی با موجبه جزئی» باشد، مانند:

«هر کارمندی غایب است»  $\xrightarrow{\text{عکس مستوی}}$  بعضی غایب ها کارمند هستند.

«بعضی کارمندان غایب هستند»  $\xrightarrow{\text{عکس مستوی}}$  بعضی غایب ها کارمند هستند.

۱۰۵۹ در موجبه جزئی، در عکس مستوی، سور «تغییر نمی کند» و اگر

موجبه کلی را به موجبه کلی عکس کنیم و یا برای سالبة جزئی عکس لازم الصدق

در نظر بگیریم دچار «معاکله ایهام انعکاس» شده ایم صدق یکی از دو قضیه متضاد

منجر به «کذب قضیه کلی دیگر می شود» و در تقابل تناقض، دو قضیه متناقض

در «کمیت و کیفیت» با یکدیگر تفاوت دارند.

۱۰۶۰ منطق دانان با بررسی قضیه سالبة جزئی «بعضی الف ب نیست» نشان

داده اند که «قانون کلی برای عکس مستوی این قضیه وجود ندارد» و اصطلاحاً

عکس لازم الصدق ندارد، به این معنا که در برخی مثال ها عکس مستوی صادق

است، اما در برخی مثال های دیگر عکس مستوی کاذب می باشد.

۱۰۶۱ با جایه جایی موضوع و محمول قضیه حملی، عکس آن را می باییم

و در صورت صادق بودن اصل قضیه اگر عکس آن نیز صادق باشد آن را عکس

لازم الصدق می گویند و اگر عکس آن صادق نباشد، می گوییم عکس لازم الصدق

ندارد؛ پنا بر نظر منطق دانان قانون کلی عکس به این ترتیب است:

موجبه کلی  $\leftarrow$  موجبه جزئی      موجبه جزئی  $\leftarrow$  موجبه جزئی

سالبة کلی  $\leftarrow$  سالبة کلی      سالبة جزئی  $\leftarrow$  عکس لازم الصدق ندارد.

#### بررسی سایر گزینه ها

گزینه ۱ عکس لازم الصدق ندارد.

گزینه ۲ عکس  $\leftarrow$  بعضی شکست خوردگان کاهل هستند.

گزینه ۳ عکس  $\leftarrow$  هیچ سیاسی حریزی نیست.

۱۰۶۲ رابطه میان دو قضیه «هیچ نادانی قابل احترام نیست و هر نادانی

قابل احترام است»، «تضاد» و رابطه میان دو قضیه «بعضی ایرانیان مسیحی هستند

و بعضی مسیحیان ایرانی اند»، «عکس مستوی» است.

۱۰۴۴ چون قضیه، سالبة جزئیه است، عکس لازم الصدق ندارد.

۱۰۴۵ در عکس مستوی، «کیف» و «صدق» هیچ وقت تغییر نمی کند.

«موضوع و محمول» هم همیشه تغییر نمی کند؛ چون جایشان عوض می شود، اما

کم در عکس مستوی کردن قضیه «موجبه کلیه» تغییر نمی کند؛ چون به «موجبه

جزئیه» منعکس می شود و در بقیه موارد ثابت است.

۱۰۴۶ در عکس مستوی:

۱ عوض کردن جای موضوع و محمول

۲ موجبه جزئیه  $\leftarrow$  موجبه جزئیه

**نتیجه:** بعضی شناگرها فوتیالیست هستند.

در تناقض، موجبه جزئیه  $\leftarrow$  سالبة کلیه

**نتیجه:** هیچ فوتالیستی شناگر نیست.

۱۰۴۷ قضیه ای که متضاد نداشته باشد باید جزئیه باشد (گزینه های ۲ و ۳).

و قضیه ای که عکس مستوی ندارد، سالبة جزئیه است (گزینه ۳).

۱۰۴۸ دو قضیه ای که سور هر دو کلی است، ولی از نظر نسبت یکی موجبه

است و یکی سالبه، رابطه تضاد دارند.

اگر در یک قضیه جای موضوع و محمول را عوض کنیم، اما کیف قضیه را ثابت نگه

داریم و در موجبه کلی کمیت را تغییر دهیم، به قضیه دومی می رسیم که عکس

مستوی نامیده می شود.

۱۰۴۹ دقت کنید که وقتی از عبارت عکس به تنها بی استفاده می شود

منظور عکس مستوی است.

متناقض عکس (مستوی) موجبه کلی = متناقض موجبه جزئی = سالبة جزئی

۱۰۵۰ استدلال در همه گزینه ها عکس مستوی است و در عکس مستوی

سالبه جزئی عکس لازم الصدق ندارد.

۱۰۵۱ قضیه «بعضی الف ب است» نقیض قضیه «هیچ الف ب نیست»

می باشد که عکس مستوی این قضیه «هیچ ب الف نیست» خواهد بود.

**نکته:** هر گاه دو قضیه حملی از نظر موضوع و محمول با هم مقایسه شوند، حالت های مختلفی می گیرند که موارد تضاد و تناقض در منطق کاربرد بیشتری دارند.

#### بررسی سایر گزینه ها

گزینه ۱ هیچ الف ب نیست» نقیض «بعضی الف ب است» می باشد

گزینه ۲ «بعضی ب الف است» عکس مستوی «بعضی الف ب است» می باشد

گزینه ۳ تنها سالبه جزئیه عکس مستوی لازم الصدق ندارد.

۱۰۵۲ در مبحث عکس، «رابطه یک قضیه با عکس خودش» بررسی

می شود. اگر جای «موضوع و محمول» یک قضیه با هم عوض شود، قضیه جدیدی

ساخته می شود که عکس نامیده می شود.

**نکته:** در رابطه عکس، قضیه اول، قضیه اصل نامیده می شود.

#### بررسی سایر گزینه ها

گزینه های ۱ و ۲ در بحث تضاد و تناقض همواره دو قضیه با هم مقایسه می شوند.

۱۰۵۳ در قضایای حملی، قضیه ای که در سور «کلی» باشد تضاد دارد؛

بنابراین قضیه «سالبه جزئیه» تضاد ندارد و همچنین «سالبه جزئی»، عکس

مستوی لازم الصدق نیز ندارد، اما نقیض دارد.

**نکته:** در عکس مستوی، جای موضوع و محمول عوض می شود؛ اما کیف

و صدق قضیه تغییر نمی کند. اگر قضیه صادق باشد، عکس مستوی آن هم صدق

است. متناقض، «اجتماع و ارتفاع نقیضین محال است»؛ یعنی محال است که هر

دو قضیه درست و یا هر دو غلط باشند.

**۱۰۷۶** ۱ اگر عکس قضیه‌ای کلی باشد آن قضیه حتماً سالبه کلی است؛ زیرا تنها عکس سالبه کلی، کلی است. حال که دانستیم متناقض قضیه مورد نظر سالبه کلی است، معلوم می‌شود که خود آن موجبه جزئی است و می‌دانیم که قضایای جزئی متضاد ندارند.

**۱۰۷۷** ۲ عکس موجبه کلی، موجبه جزئی و سالبه کلی به ترتیب موجبه جزئی، موجبه جزئی و سالبه کلی بوده و سالبه جزئی عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.

**۱۰۷۸** ۳ در احکام تداخل می‌خوانیم که چنانچه قضیه کلی صحیح باشد، جزئی آن هم درست است. گزینه ۴، نیز بیانگر همین مطلب است.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ در عکس صدق ثابت است.

گزینه ۲ نقیض هر قضیه سالبه یک قضیه موجبه است و کلی و جزئی بودن آن به کمیت ارتباط دارد.

گزینه ۳ در عکس مستوی صدق ثابت است.

**۱۰۷۹** ۱ سالبه جزئی که عکس لازم‌الصدق ندارد، بنابراین قضیه‌ای که عکس مستوی لازم ندارد هم جزئی است (رد گزینه ۲) و هم سالبه (رد گزینه ۴). همچنین قضایای جزئی همگی متداخل تحت تضاد دارند (رد گزینه ۳). اما تضاد مختص قضایای کلی است و چنین قضیه‌ای نمی‌تواند متضاد داشته باشد.

گزینه ۴ موجبه کلی: هر الف ب است.

هر الف ب است  $\neg_{\text{عکس}} \rightarrow$  بعضی ب الف است  $\neg_{\text{نقیض}} \rightarrow$  هیچ ب الف نیست. بنابراین تنها گزینه ۴ به نقیض عکس موجبه کلی اشاره دارد.

گزینه ۵ موجبه جزئی: بعضی الف ب است.

بعضی الف ب است  $\neg_{\text{متناقض}} \rightarrow$  هیچ الف ب نیست.

هیچ الف ب نیست  $\neg_{\text{متضاد}} \rightarrow$  هر الف ب است.

هر الف ب است  $\neg_{\text{عکس}} \rightarrow$  بعضی ب الف است. گزینه ۶ موجبه جزئی.

بعضی الف ب نیست  $\neg_{\text{متناقض}} \rightarrow$  هر الف ب است.

بعضی الف ب نیست  $\neg_{\text{متضاد}} \rightarrow$  هر الف ب است.

موجبه کلی صادق سالبه جزئی کلی است.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ از قضایای کاذب عکس مستوی ساخته نمی‌شود.

گزینه ۲ قضایای جزئی متضاد ندارند.

گزینه ۳ متضاد یک قضیه موجبه کلی، سالبه کلی است که عکس موجبه کلی نیست.

**۱۰۸۳** ۲ در تضاد هر دو قضیه کلی‌اند، پس کمیت ثابت است. در تداخل دو

قضیه، از حیث نسبت با یکدیگر هماهنگ‌اند، پس کیفیت ثابت است و در عکس

نیز تنها نسبت یا همان کیفیت است که در همه موارد ثابت است.

**۱۰۸۴** ۳ دو قضیه که در کیف متفاوت‌اند ممکن است متضاد باشند، اما نباید

فراموش کرد که دو قضیه متناصل تحت تضاد هم همین وضع را دارند و به این

ترتیب گزینه ۲ نادرست است.

گزینه ۴ موجبه جزئی: بعضی الف ب است.

بعضی الف ب است  $\neg_{\text{متداخل}} \rightarrow$  هر الف ب است  $\neg_{\text{عکس}} \rightarrow$  بعضی ب الف است

نقیض  $\neg_{\text{هیچ ب الف نیست}} \rightarrow$

هیچ ب الف نیست  $\neg_{\text{متضاد}} \rightarrow$  هر ب الف است  $\neg_{\text{عکس}} \rightarrow$  بعضی ب الف است.

بنابراین قضیه مورد نظر موجبه جزئی است.

گزینه ۵ موجبه کلی: هر الف ب است.

سالبه کلی: هیچ الف ب نیست.

هر الف ب است  $\neg_{\text{عکس}} \rightarrow$  بعضی ب الف است.

هیچ الف ب نیست  $\neg_{\text{عکس}} \rightarrow$  هیچ ب الف نیست.

دو قضیه هم در کم و هم در کیف متفاوت‌اند، پس رابطه‌شان تناقض است.

**۱۰۶۳** ۳ قضیه سالبه جزئی، عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.

**۱۰۶۴** ۱ عبارت «بعضی ب الف است» عکس مستوی دو قضیه «هر الف ب است» و «بعضی الف ب است» می‌باشد و «هیچ الف ب نیست» عکس مستوی «هیچ ب الف نیست» می‌باشد.

**۱۰۶۵** ۴ عکس مستوی موجبه کلی، موجبه جزئی است. هر الف ب است  $\neg_{\text{عکس مستوی}} \rightarrow$  بعضی ب الف است.

**۱۰۶۶** ۳ موجبه کلی: هر الف ب است. هر الف ب است  $\neg_{\text{تداخل}} \rightarrow$  بعضی الف ب است.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ عکس سالبه کلیه همان سالبه کلیه است.

گزینه ۲ عکس موجبه جزئی همان موجبه جزئی است.

گزینه ۳ در تداخل تحت تضاد هر دو جمله جزئی هستند.

**۱۰۶۷** ۱ هر شاعری خوش‌قريحه است (صادق)  $\neg_{\text{تناقض}} \rightarrow$  بعضی شاعرها خوش‌قريحه هستند (صادق)  $\neg_{\text{هیچ شاعری خوش‌قريحه نیست}} \rightarrow$  هیچ شاعری خوش‌قريحه نیست (کاذب) در تداخل صدق کلی، صدق جزئی را به همراه دارد و در تناقض صدق اولی موجب کذب دومی است.

**۱۰۶۸** ۴ تناقض موجبه جزئی = سالبه کلی (رد گزینه ۳)

تداخل موجبه جزئی = موجبه کلی (رد گزینه ۲)

عکس مستوی موجبه جزئی = موجبه جزئی (رد گزینه ۱)

**۱۰۶۹** ۲ صدق به صدق در عکس و تداخل از کلی به جزئی اتفاق می‌افتد. تداخل را کنار می‌گذاریم چون قضیه اصل جزئی است.

عکس بعضی پرندگان تخم‌گذار هستند = بعضی تخم‌گذاران پرندۀ هستند.

**۱۰۷۰** ۳ رابطه دو طرفه صدق و کذب فقط در تناقض است.

در عکس فقط کمیت موجبه کلی تغییر می‌کند و بقیه عکس‌ها کمیت تغییر نمی‌کند. سالبه جزئی عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد. آیا این نباید لحاظ شود؟!

#### بررسی گزینه‌ها

گزینه ۱ عکس هر قضیه صادق لزوماً صادق نیست چون ممکن است قضیه سالبه جزئی باشد که عکس لازم‌الصدق ندارد.

گزینه ۲ متضاد قضیه‌ای کلی کاذب نامشخص است و می‌تواند صادق یا کاذب باشد.

گزینه ۳ متداخل قضیه جزئی صادق یک قضیه کلی است که می‌تواند صادق یا کاذب باشد.

گزینه ۴ متناقض هر قضیه کاذب قطعاً صادق است.

**۱۰۷۲** ۱ بعضی الف ب است صادق با:

هر الف ب است تداخل دارد و در تداخل از صدق جزئی نتیجه‌ای گرفته نمی‌شود. (رد گزینه‌های ۱ و ۴)

هیچ الف ب نیست تناقض دارد و در تناقض صدق، کذب نتیجه می‌دهد. (رد گزینه ۴)

بعضی ب الف است. عکس مستوی است و در عکس به شرط صدق اصل، عکس هم باید صادق باشد. (رد گزینه ۲)

#### بررسی گزینه‌ها

گزینه ۱ عکس است که از اقسام تقابل نیست.

گزینه ۲ تناقض

گزینه ۳ تداخل تحت تضاد

گزینه ۴ تضاد

**۱۰۷۴** ۱ در عکس جای موضوع و محمول عوض می‌شود و نسبت تغییر نمی‌کند. در تداخل تفاوت بین دو قضیه فقط در سور است.

**۱۰۷۵** ۱ عکس همه محصورات یا موجبه جزئی است یا سالبه کلی، پس موجبه کلی و سالبه جزئی عکس هیچ‌یک از محصورات نیستند.

۳۷۳۱. در کدام گزینه هر دو نوع قضیه وجود ندارد؟

- (۱) گر به تغمیزی با تو مرا خصمی نیست
- (۲) افتادگی آموز اگر طالب فیضی
- (۳) اگر از آدمیم رنجه نگردد خوب است
- (۴) خواهی که در آیی تو، بگذار عراقی را

۳۷۳۲. سور در قضایای حملی مشخص گشته نیست.

- (۱) دائمه افراد موضوع
- (۲) شخصیه یا محصوره بودن

۳۷۳۳. در کدام گزینه قضیه کلی آمده است؟

- (۱) هر کتابی آموزنده نیست.
- (۲) حتی یک کتاب هم مفید نیست.
- (۳) چند اتومبیل در تعمیرگاه است.
- (۴) هر که چهره برافروخت دلبری دارد.

۳۷۳۴. موضوع و محمول در عبارات زیر به ترتیب در کدام گزینه به درستی مشخص شده است؟

- (الف) بزرگترین قاضی خداوند متعال است.
- (ب) هوای تهران بارانی خواهد شد.

ج) استدلال تمثیلی می‌تواند موجب ایجاد و مغالطه شود.

- (۱) موضوع، محمول - قضیه نیست.
- (۲) موضوع، محمول

۳۷۳۵. اگر عبارتی بود قطعاً نیست.

- (۱) کاذب - قضیه
- (۲) انشایی - قابل انطباق با واقع

۳۷۳۶. تبدیل کدام یک از قضایای زیر به درستی صورت نگرفته است؟

- (۱) سیل غمت خانه دل را ببرد ← سیل غمت برخندۀ خانه بود.

۳۷۳۷. مبرهن است کزان طعنه بر دلش چه رسید ← اینکه چه بر دلش رسید، مبرهن است.

۳۷۳۸. خورشید از پس کوهها طلوع کرد ← خورشید پشت کوهها طالع گشت.

۳۷۳۹. این نه آب است کاش را کند خاموش ← این، آن آبی که آتشی را خاموش کند نیست.

## منطق دهم درس هفتم

۷

۵ زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

آزمونها

۳۷۳۷. در صورت صدق «بعضی الف غیر ب است.» کدام گزینه صادر است؟

- (۱) بعضی غیر ب الف است.
- (۲) بعضی الف غیر ب است.
- (۳) بعضی ب غیر الف است.
- (۴) بعضی غیر الف ب است.

۳۷۳۸. یادگیری قواعد تداخل در تشخیص مغالطه به کمک انسان می‌آید.

- (۱) ایهام انعکاس
- (۲) تمثیل ناروا
- (۳) تعمیمی شتابزده
- (۴) استثنای قابل چشمپوشی

۳۷۳۹. اگر قضیه زیر صادر باشد، تعیین کنید کدام گزینه در مورد آن صحیح است؟

«هیچ درختی دارای خزان نیست.»

- (۱) بعضی درختها دارای خزان نیستند: کاذب

۳۷۴۰. بعضی درختها دارای خزان هستند: صادر

۳۷۴۱. تناقض و عکس مستوی لازم‌الصدق قضیه «هیچ نادانی قابل احترام نیست.» به ترتیب کدام است؟

- (۱) هر نادانی قابل احترام است. - هیچ قابل احترامی نادان نیست.

۳۷۴۲. بعضی نادانها قابل احترام هستند. - هیچ قابل احترامی نادان نیست.

- (۲) بعضی نادانها قابل احترام هستند. - بعضی قابل احترامها نادان نیستند.

۳۷۴۳. در ساخت با توجه به احکام قضایا تغییر نمی‌کند و در این احکام منابع و مواد دیگر در تعیین ارزش قضایای حاصله

- (کانون فرهنگی آموزش)
- (۱) عکس مستوی - سور - نقش ندارد.
  - (۲) عکس مستوی - نسبت - نقش دارد.
  - (۳) تضاد - کمیت - نقش ندارد.

۳۷۴۴. با توجه به موارد زیر کدام گزینه درست است؟

الف) خانم حسینی در کلاس درس معارف به دانش آموزانش می‌گوید: هر اهل سنتی پیامبر اسلام را قبول دارد: بجهه‌های عزیز هر کس که پیامبر را قبول داشته باشد سنی است.

ب) مادری به کودک دو ساله‌اش که نفع کرده است ماست نمی‌دهد: زیرا عقیده دارد ماست از شیر است و شیر برای نفع مضر است.

- (۱) هر دو مورد «الف» و «ب» دارای مغالطه است؛ در مورد «ب» مادر با وجود پیدا شدن استثنایی در یک حکم کلی همچنان بر کلی بودن حکم خود اصرار می‌کند.

۳۷۴۵. فقط مورد «الف» دارای مغالطه است؛ در مورد «الف» از مغالطه‌ای استفاده شده است که از آن در تبلیغات استفاده زیادی می‌شود.

- (۲) هر دو مورد «الف» و «ب» دارای مغالطه است؛ در مورد «ب» در مغالطه‌ای استفاده شده است که در آن حد وسط در هر دو قضیه، عیناً تکرار نشده و موجب

عدم ارتباط دو قضیه با هم شده است.

- (۳) فقط مورد «ب» دارای مغالطه است؛ از مورد «ب» محمول قضیه اول و موضوع قضیه دوم عیناً تکرار نشده است.

(سراسری ۹۳)

۳۷۴۳. هرگاه در یکی از محصورات، عکس مستوی گاهی درست باشد و گاهی نادرست  
 ۱) باید از موارد نادرست آن صرف نظر کرد.  
 ۲) به این معنی است که آن محصوره عکس لازم‌الصدق ندارد.  
 ۳) عکس نقیض آن هم همین طور خواهد بود.  
 ۴) درستی عکس بر اساس محتوا در نظر گرفته می‌شود.

۳۷۴۴. اگر قضیه «هر آسیایی مسلمان است» نادرست باشد، متداول آن دارای چه ارزشی است؟ و نقیض قضیه (بعضی انسان‌های نامهربان نیستند) به ترتیب کدام است؟  
 ۱) درست است. - بعضی انسان‌های نامهربان هستند.  
 ۲) نادرست است. - هر انسانی نامهربان است.  
 ۳) درست است. - هر انسانی نامهربان هستند.  
 ۴) ارزش آن نامعلوم است. - بعضی انسان‌های نامهربان هستند.

۳۷۴۵. دو قضیه «همه دانشجویان اهل سفرند» و «هیچ دانشجویی اهل سفر نیست» در متفاوت‌اند.  
 ۱) سور مشابه و در نسبت ۲) نسبت و کمیت  
 ۳) موضوع مشابه و در محمول ۴) محمول مشابه و در کیفیت

۳۷۴۶. قضیه «هیچ مایعی آشامیدنی نیست» تضاد کدام‌یک از قضایای زیر است؟  
 ۱) هر مایعی آشامیدنی است. ۲) هر آشامیدنی مایع است.  
 ۳) بعضی مایعات آشامیدنی هستند. ۴) بعضی مایعات آشامیدنی نیستند.

۳۷۴۷. کدام قضیه از قضیه «هر  $x \in y$  است» نتیجه گرفته شده است؟  
 ۱) بعضی  $y \in x$  نیست. ۲) بعضی  $x \in y$  است.  
 ۳) هیچ  $x \in y$  نیست. ۴) بعضی  $x \in y$  است.

۳۷۴۸. کدام‌یک از روابط منطقی زیر میان قضایای «موجبه کلی و سالبۀ جزئی» و «سالبۀ کلی و موجبه جزئی» برقرار است؟  
 ۱) تضاد ۲) عکس مستوی ۳) تناقض ۴) تداخل

۳۷۴۹. با در نظر گرفتن قضیه «برخی پرندگان گوشتخوار نیستند» کدام قضیه درست است؟  
 ۱) همه پرندگان گوشتخوار هستند.  
 ۲) برخی غیرگوشتخوارها پرندۀ هستند.  
 ۳) هیچ گوشتخواری پرندۀ نیست.

۳۷۵۰. اگر برای به‌دست آوردن عکس یک قضیه جای موضوع و محمول را عوض کنیم اما کیف را ثابت نگه داریم آن قضیه  
 ۱) ممکن نیست جزئی باشد. ۲) قطعاً موجبه جزئی است.  
 ۳) ممکن است سالبۀ باشد. ۴) قطعاً موجبه کلی است.

۳۷۵۱. نسبت میان دو قضیه «هر الف ب است و هیچ الف ب نیست»  
 ۱) تناقض - تداخل ۲) تناقض - تداخل تحت تضاد ۳) تناقض - تداخل تحت تضاد

۳۷۵۲. از میان احکام مربوط به قضایای حملی کدام‌یک بیشتر از دیگران مورد استفاده قرار می‌گیرد؟  
 ۱) تناقض ۲) عکس ۳) تقابل ۴) تضاد

۳۷۵۳. نقیض قضیه «حافظ شاعر بزرگ اهل شیراز است»، چگونه و با چه شیوه‌ای ساخته می‌شود؟  
 ۱) درست مثل شیوه ساختن نقیض قضیه محصوره  
 ۲) مانند به‌دست آوردن متضاد یک قضیه  
 ۳) مانند ساختن عکس یک قضیه

۳۷۵۴. اگر یک قضیه کلی نادرست باشد، قضیه «متضاد» و «متداخل» آن از نظر صدق و کذب به ترتیب چگونه است؟  
 ۱) ارزش آن نامعلوم است. - ارزش آن نامعلوم است.  
 ۲) درست - ارزش آن نامعلوم است.  
 ۳) ارزش آن نامعلوم است. - درست

۳۷۵۵. اگر + علامت صدق، - علامت کذب و ? علامت ارزشی نامعلوم باشد، کدام گزینه جدول زیر را به‌درستی برمی‌کند؟  
 ۱) الف) - ب) - ج) +  
 ۲) الف) - ب) + ج) ?  
 ۳) الف) - ب) ? ج) +  
 ۴) الف) + ب) - ج) -

- | الف | الف | بعضی ب الف است. | + | هر الف ب است. |
|-----|-----|-----------------|---|---------------|
| -   | -   | بعضی ج د است.   | ب | هر ج د است.   |
| +   | +   | هر ه ز است.     | ج | هیچ ز ه نیست. |

۳۷۵۶. کدام گزینه به ترتیب مغالطة ایهام انعکاس و تناقض قضیه «بعضی جانوران مهربه‌دار نیستند» می‌باشد؟  
 ۱) بعضی جانوران مهربه‌دار هستند. - هر جانوری مهربه‌دار است.  
 ۲) هیچ جانوری مهربه‌دار نیست. - بعضی جانوران مهربه‌دار هستند.  
 ۳) بعضی مهربه‌داران جانور نیستند. - هیچ جانوری مهربه‌دار نیست.

⑤ زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

## منطق دهم درس هشتم

پایه  
دهم

۳۷۵۷. استدلال «جیوه فلز است. هیچ فلزی مایع نیست.» یک مغالطة است: زیرا  
 ۱) صورت و مادة درستی ندارد. ۲) صورت آن معتبر نیست. ۳) مادة آن نادرست است.  
 ۴) نتیجه آن نادرست است.

۳۷۵۸. متداخل تحت تضاد نتیجه قیاس با نقیض عکس صغیری قیاس معتبر  
 ۱) هر الف ب است، برخی الف ج است. - هر الف ج است، برخی الف ب است. - تداخل  
 ۲) برخی د الف است، هیچ ج د نیست. - هیچ ج الف نیست، هر د الف است. - تداخل تحت تضاد  
 ۳) هیچ ب د نیست، هر الف د است. - برخی الف ب است، برخی ب ج است. - تداخل تحت تضاد  
 ۴) برخی د ب است، هیچ ب الف نیست. - برخی الف د است، هیچ الف ب نیست. - تداخل

**نکته:** عبارت «ب» هم دارای معنی است، هم خبری است و هم قابلیت صدق یا کذب دارد؛ بنابراین قضیه است. بعلاوه همان طور که پیداست فعل ربطی دارد و در قالب کلی «الف ب است»، آمده است. همچنین باید توجه داشت اینکه زمان فعل آن مستقبل است در قضیه بودن یا نبودن جمله تأثیری ندارد.

۳۷۲۵. **۲** عبارات انشایی قطعاً خبری نیستند، پس قطعاً قابل انطباق با واقع نیستند.

**نکته:** قضایای حملی را می‌توان به صورت شرطی بیان کرد و برعکس، مطابقت با واقع یعنی صدق و عدم مطابقت با واقع یعنی کذب ← فقط جملات خبری قابل صدق و کذب‌اند، پس فقط برای جملات خبری می‌توان گفت مطابق یا غیرمطابق با خارج و جملات انشایی کلاً غیرقابل انطباق با واقع یا خارج‌اند.

۳۷۲۶. **۳** در این گزینه (از آن طعنه) از محمول حذف شده است؛ بنابراین اگرچه ساختار کلی «الف ب است» رعایت شده است، اما به خاطر این نکته تبدیل قضیه به درستی صورت نگرفته است. در گزینه‌های دیگر علاوه بر رعایت قالب کلی «الف ب است»، از فعل ربطی درست استفاده شده است و همچنین اجزای جمله بدون نقص تکرار شده‌اند.

## آزمون هفتم

۳۷۲۷. **۱** بعضی الف غیر ب است ← عکس ← بعضی غیر ب الف است. عکس موجبه جزئیه، موجبة کلیه است.

۳۷۲۸. **۳** اگر با وجود پیدا شدن یک استثنای در یک حکم کلی، باز هم بر کلی بودن حکم خود اصرار داشته باشیم، دچار مغالطة استثنای قابل چشم‌بوشی شده‌ایم که مربوط به قوانین صدق و کذب تداخل است.

۳۷۲۹. **۲** قضیه مورد نظر سالبه کلیه است که در مربع تقابل، متقابل آن بعضی درخت‌ها دارای خزان هستند؛ می‌باشد که متناقض نامیده می‌شود و در رابطه تناقض، صدق یک قضیه، کذب دیگری را در پی دارد.

۳۷۳۰. **۳** قضیه اصل ← سالبه کلیه؛ هیچ نادانی قابل احترام نیست. تناقض ← موجبه جزئی؛ بعضی نادان‌ها قابل احترام هستند.

عکس مستوی ← سالبه کلی با عوض کردن جای موضوع و محمول؛ هیچ قابل احترامی نادان نیست.

تناقض؛ سالبه جزئی ← موجبه کلیه ← سالبه کلیه ← موجبه جزئیه عکس مستوی؛ موجبه کلیه ← موجبه جزئیه ← سالبه جزئیه عکس مستوی لازم‌الصدق ندارد.

۳۷۴۱. **۳** در تضاد هر دو قضیه کلی‌اند، بنابراین می‌توان گفت که تغییر نمی‌کند. در تعیین صدق یا کذب قضایای به دست آمده از طریق این احکام نیازی به منابع دیگر نیست، زیرا این احکام قطعی و در هر شرایط صادق هستند.

۳۷۴۲. **۳** هر دو موارد الف و ب دارای مغالطه است. در مورد الف خاتم حسینی دچار مغالطة ایهام انعکاس شده است و از قضیه موجبه کلیه عکس مستوی موجبه کلیه گرفته است.

در مورد «ب» مادر دچار مغالطه عدم تکرار حد وسط شده است؛ زیرا در این مورد محمول قضیه اول و موضوع قضیه دوم عیناً تکرار نشده است و بدین جهت در اینجا حد وسط به صورت یکسان تکرار نشده است.

۳۷۴۳. **۳** در آنجا که گاهی عکس مستوی درست و گاهی غلط است، باید بگوییم که عکس (لازم‌الصدق) نیست.

۳۷۲۶. **۴** این جمله را می‌توان به این صورت بازنویسی کرد: آینه ضمیر من، نشان‌دهنده جز تو نیست.

### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ پرسشی ← انشایی

گزینه ۲ بی‌معنا بودن ← قضیه نیست

گزینه ۳ ساختار نهی ← انشایی

۳۷۲۷. **۳** جمله «ب»، یک جمله شرطی است؛ چراکه در آن به اتصال یا انصال میان دو نسبت حکم می‌شود.

### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ قضایای شخصیه سورپذیر نیستند.

گزینه ۲ علت نام‌گذاری قضایای حملی، موضوع قضیه نیست.

گزینه ۴ موجبه کلی همان است، سور آن کلی و نسبت آن موجبه است.

### بررسی گزینه‌ها

گزینه ۱ سورپذیر است، پس محصوره است.

گزینه ۲ محمول بر افراد موضوع حمل شده، پس محصوره است.

گزینه ۳ سورپذیر است، پس محصوره است.

گزینه ۴ موضوع جزئی است، پس شخصیه است.

۳۷۳۰. **۳** «سفراط در دادگاه هلیاست محاکمه شد» یک قضیه شخصیه است؛ زیرا موضوع آن (سفراط) یک مفهوم جزئی است.

### گزینه ۱ موجبه کلیه

### گزینه ۲ سالبه کلیه

### گزینه ۴ موجبه کلیه

۳۷۳۱. **۳** سراسر بیت یک قضیه شرطی است.

### بررسی سایر گزینه‌ها

شرطی؛ مصراع اول ← اگر مرا باتبع بزنی، آنگاه با تو دشمنی نخواهم داشت. گزینه ۱ حملی؛ مصراع دوم ← من دشمن کسی که بین من و تبع تو سپر باشد، هستم.

شرطی؛ مصراع اول ← اگر طالب فیضی، آنگاه افتادگی بیاموز.

گزینه ۲ حملی؛ مصراع دوم ← زمین بلند، هیچ‌گاه خوانده آب نخواهد بود.

شرطی؛ مصراع اول ← اگر می‌خواهی در آیی، آنگاه عراقی را بگذر.

گزینه ۴ حملی؛ مصراع دوم ← تنها یار گنجنده در حرم جانان است.

۳۷۳۲. **۲** توجه به این نکته لازم است که هر چند برای فهم شخصیه یا محصوره بودن از ملاک سورپذیری استفاده می‌کنیم؛ اما سور و کارکرد اصلی آن مشخص کردن کمیت یا دامنه یا گستره مصادیق و افراد موضوع است.

### بررسی گزینه‌ها

گزینه ۱ هر کتابی آموزنده نیست = بعضی کتاب‌ها آموزنده نیستند = سالبه جزئی

گزینه ۲ حتی یک کتاب هم مفید نیست = هیچ کتابی مفید نیست = سالبه کلی

گزینه ۳ چند اتومبیل در پارکینگ است = بعضی اتومبیل‌ها در پارکینگ هستند = موجبه جزئی

گزینه ۴ نه هر که چهره بر افروخت دلبری داند = هر که چهره بر افروخت دلبری نمی‌داند = بعضی کسانی که چهره بر می‌افروزند دلبری نمی‌دانند = سالبه جزئی

### بررسی عبارت‌ها

عبارت **الف** موضوع ← خداوند متعادل محمول (وصف موضوع) ← بزرگ‌ترین قاضی ← ابتداء محمول، سپس موضوع آمده است.

عبارت **ب** موضوع ← هوای تهران محمول ← بارانی ← ابتداء موضوع و سپس محمول آمده است.

عبارت **ج** موضوع ← استدلال تمثیلی محمول ← دارای پتانسیل ایجاد مغالطه ← ابتداء موضوع و سپس محمول و نسبت با هم آمده‌اند به این ترتیب، گزینه ۲ درست است.

۳۷۵۵. **۳۷۵۵.** ردیف اول: جمله دوم عکس مستوی قضیه اول بوده و قضیه اول صادق  $\leftarrow$  + الف) +

ردیف دوم: جمله اول متداخل جمله دوم است و در تداخل کذب جزئی کذب کلی را نتیجه می‌دهد.  $\leftarrow$  - ب) -

ردیف سوم: جمله اول متضاد عکس جمله دوم است؛ عکس جمله دوم صادق و متضاد آن کاذب است.  $\leftarrow$  - ج) -

۳۷۵۶. **۳۷۵۶.** اگر موجبه کلی را به موجبه کلی عکس کنیم و یا برای سالبه جزئی عکس لازمالصدق در نظر بگیریم، دچار «مغالطة ایهام انعکاس» می‌شویم، در قضیه «بعضی جانوران مهره‌دار نیستند»، برای سالبه جزئی، عکس لازمالصدق را در نظر گرفته‌ایم، پس دچار مغالطة ایهام انعکاس شده‌ایم. تناقض قضیه «بعضی جانوران مهره‌دار نیستند»، (سالبه جزئی) می‌شود «هر جانوری مهره‌دار است» (موجبه کلی).

## آزمون هشتم

۳۷۵۷. **۳۷۵۷.** این استدلال از حیث صورت مشکلی ندارد و می‌توان از آن نتیجه‌ای گرفت که در آن هر سه شرط معتبر بودن قیاس را داشته باشد، اما می‌دانیم که مقدمه دوم غلط است، زیرا می‌دانیم که جیوه فلز و مایع است، بنابراین این استنتاج دارای ماده نادرست است.

صورت: عدم رعایت شروط اعتبار قیاس  
مغالطة در قیاس ماده: استفاده از مقدمه اشتباه

۳۷۵۸. **۳۷۵۸.**

هر الف + ب - است.

برخی الف - ج - است.

$\therefore$  هر ب + ج - است.  $\leftarrow$  عدم رعایت شرط سوم

$\therefore$  برخی ب - ج - است. (معتبر)  $\xrightarrow{\text{متداخل تحت تضاد}}$  برخی ب ج نیست.

هر الف + ج - است.

برخی الف - ب - است.

هر ج + ب - است.  $\leftarrow$  عدم رعایت شرط سوم

بعضی ج - ب - است.  $\leftarrow$  معتبر

بعضی ج ب است.  $\xleftarrow{\text{عکس}}$  بعضی ب ج است.  $\xleftarrow{\text{نقیض}}$  هیچ ب ج نیست.

رابطه «هیچ ب ج نیست»، با «بعضی ب ج نیست» تداخل است.

۳۷۵۹. **۳۷۵۹.** با توجه به نتیجه قیاس یعنی «هیچ کارگری دانشجو نیست»، می‌فهمیم که کارگر که موضوع نتیجه است باید در مقدمه اول باشد. (رد گزینه‌های ۲ و ۳) و با توجه به کلی بودن نتیجه، مقدمه اول حتماً باید کلی باشد. (رد گزینه ۴)

هیچ کارگری دیپلم نیست.

همه دانشجویان دیپلم هستند.

$\therefore$  هیچ کارگری دانشجو نیست.

۳۷۶۰. **۳۷۶۰.** بعضی انسان‌ها - نویسنده - هستند، بعضی نویسنده‌ها - نقاش +

نویستند؛ پس بعضی انسان‌ها - نقاش + نویسنده.

شرط اول: ✓ شرط دوم: ✗ شرط سوم: ✓

**نکته:** جزئی نبودن دو مقدمه از شرایط اعتبار قیاس نیست.

۳۷۶۱. **۳۷۶۱.** در شکل اول حد وسط محمول مقدمه اول و موضوع مقدمه دوم است؛ بنابراین اگر مقدمه اول موجبه باشد، علامت حد وسط در آن منفی است. اگر مقدمه دوم جزئی باشد، علامت حد وسط در آن هم منفی است؛ پس چنین شرایطی در قیاس شکل اول باعث عدم رعایت شرط دوم و در نتیجه عدم اعتبار قیاسی می‌شود.

۳۷۴۴. **۳۷۴۴.** در تداخل، چنان‌چه قضیه کلی نادرست باشد، قضیه جزئی آن معلوم نیست  $\leftarrow$  اما گفتیم چنانچه محتوای قضیه از نظر صدق و کذب برای ما معلوم باشد درباره قضایای بالارزش نامعلوم نیز می‌توانیم نظر دهیم و متداخل این قضیه یعنی: «بعضی آسیایی‌ها مسلمان هستند». صادق است.

درست باشد یا غلط و چنانچه قضیه جزئی نادرست باشد، قضیه کلی آن نیز غلط است. بعضی انسان‌ها نامهربان نیستند  $\xrightarrow{\text{تناقض}}$  هر انسانی نامهربان است.

۳۷۴۵. **۳۷۴۵.** این دو قضیه محمول و موضوع یکسان دارند، موضوع هر دو (دانشجویان) و محمول هر دو «اهل سفر» است. همچنین سور هر دو کلی است و بنابراین تنها در نسبت (کیفیت) متفاوت‌اند.

۳۷۴۶. **۳۷۴۶.** تنها با تغییر کیفیت قضیه کلی به تضاد آن می‌رسیم؛ پس تضاد قضیه «هیچ مایعی آشامیدنی نیست» می‌شود «هر مایعی آشامیدنی است».

۳۷۴۷. **۳۷۴۷.** از یک قضیه تنها در یک صورت قضیه دیگری نتیجه گرفته می‌شود و آن در حالت تداخل است که صدق کلی صدق جزئی را به همراه دارد.

**نکته:** باید توجه داشت که وقتی گفته می‌شود یک قضیه از قضیه‌ای دیگر نتیجه گرفته شده است، یعنی با فرض صدق قضیه اول، قضیه صادق دیگری از آن بهدست آمده است.

۳۷۴۸. **۳۷۴۸.** رابطه «تناقض» میان قضیه‌های «موجبه کلی و سالبه جزئی» و میان «سالبه کلی و موجبه جزئی» برقرار است.

### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ سالبه کلی  $\leftrightarrow$  موجبه کلی

گزینه ۲ سالبه کلی  $\leftarrow$  سالبه کلی

موجبه جزئی  $\leftarrow$  موجبه جزئی

موجبه کلی  $\leftarrow$  موجبه جزئی

گزینه ۴ موجبه کلی  $\leftrightarrow$  موجبه جزئی

سالبه کلی  $\leftrightarrow$  سالبه جزئی

۳۷۴۹. **۳۷۴۹.** اگرچه نمی‌توان از طریق احکام قضایا به جواب رسید، اما محتوای گزینه‌ها معلوم است و می‌توان صدق یا کذب آن‌ها را از همین طریق تعیین کرد. به این ترتیب تنها گزینه صادق پاسخ موردنظر ماست.

۳۷۵۰. **۳۷۵۰.** عکس مستوی موجبه جزئی و سالبه کلی خودشان هستند، بنابراین کیف در این دو تغییر نمی‌کند؛ بنابراین قضیه مورد سؤال ممکن است هر یک از این دو باشد (رد گزینه ۲) و پاسخ گزینه ۳ است.

۳۷۵۱. **۳۷۵۱.** موجبه کلی  $\rightarrow$  سالبه کلی  $\rightarrow$  تضاد  $\rightarrow$  موجبه کلی

موجبه کلی  $\rightarrow$  تضاد  $\rightarrow$  موجبه جزئی

۳۷۵۲. **۳۷۵۲.** بین احکام قضایای حملی این تقابل است که نسبت به دیگران کاربرد بیشتری دارد.

۳۷۵۲. **۳۷۵۲.** قضیه مورد سؤال یک قضیه شخصی است، زیرا موضوع آن یک مفهوم جزئی است؛ برای ساخت نقیض قضایای شخصی کافی است تنها نسبت آن‌ها را تغییر دهیم و این درست مانند شیوه‌ای است که برای ساختن متضاد یک قضیه استفاده می‌شود.

۳۷۵۴. **۳۷۵۴.** در تقابل تضاد هنگامی که یک قضیه درست باشد، دیگری حتماً غلط است ولی اگر یکی غلط باشد، معلوم نیست که دیگری لزوماً درست است یا غلط. در تداخل هنگامی که قضیه کلی درست باشد، جزئی آن هم حتماً درست است، اما اگر کلی غلط باشد، در مورد جزئی آن نمی‌توان به نتیجه قطعی رسید (از این آن نامعلوم است)؛ اما اگر قضیه جزئی نادرست باشد، متداخل آن حتماً نادرست است و اگر قضیه جزئی درست باشد، متداخل آن ارزش نامعلوم دارد.



# نگاهی به تاریخچه معرفت

## برای شروع...

(کانون فرهنگی آموزش)

۲۲۶۱. کدام گزینه در مورد یونان باستان نادرست است؟

۱) مسئله شناخت مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود.

۲) سوفسطائیان اصل امکان شناخت را زیر سؤال می‌بردند.

۳) افلاطون با تدوین منطق گام بزرگی در مقابل با سوفیست‌ها برداشت.

۴) هراکلیتوس معتقد بود که ما وجود حرکت در این جهان را از طریق حس درمی‌یابیم.

۲۲۶۲. نظرات اکثریت فلاسفه پیش از سقراط بر اعتبار بود و معرفت‌شناسی به عنوان شاخه‌ای از معرفت استقلال بود.

۱) عقل - فاقد ۲) حس - فاقد

۲۲۶۳. چرا هراکلیتوس وجود حرکت در عالم را قبول داشت؟

۱) زیرا از طریق شناخت عقلی به آن رسیده بود.

۲) زیرا او تنها برای شناخت حسی ارزش قائل بود.

۲۲۶۴. چرا پارمنیدس باور داشت که حرکت وجود ندارد؟

۱) زیرا او تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود.

۲) زیرا عقل او حرکت را نمی‌پذیرفت.

۲۲۶۵. کدام گزینه درباره پارمنیدس نادرست است؟

۱) شناخت حسی را به دلیل خطاهای آن معتبر نمی‌دانست.

۲) وی نظریات فلسفی خود را در قالب شعر می‌سرود.

۲۲۶۶. مفهوم کدام گزینه صحیح است؟

۱) سوفسطائیان معتقد بودند که حواس هر کس از یک واقعیت بیرونی خبر می‌دهد، خواه یکسان گزارش دهد یا متفاوت.

۲) افلاطون شناخت حسی را برتر از شناخت عقلی می‌دانست.

۳) ارسطو قائل به اعتبار شناخت حسی بود و توانایی عقل را در کشف و اثبات امور ماورای حس باور داشت.

۴) در دوره پیش از سقراط معرفت‌شناسی شاخه‌ای مستقل بوده و مسئله مهم آن میزان انطباق شناخت با واقعیت بود.

۲۲۶۷. در مناقشه عقل و حس، مسئله مورد اختلاف هراکلیتوس و پارمنیدس چیست و هر کدام درباره آن، چه موضعی دارند؟

۱) وجود - هراکلیتوس آن را محدود و پارمنیدس آن را بدون هیچ محدودیتی می‌داند.

۲) شهود - هراکلیتوس آن را قبول نداشت و پارمنیدس آن را پذیرفته بود.

۳) خدا - هراکلیتوس آن را به نوع متفاوتی از پارمنیدس قبول نداشت.

۴) حرکت - هراکلیتوس اعتقاد داشت حرکت وجود دارد و پارمنیدس وجود آن را قبول نداشت.

۲۲۶۸. پارمنیدس به کدام دلیل منکر وجود حرکت بود؟

۱) وجود از حقیقتی ثابت برخوردار است.

۲) پدیده‌ها در لحظه‌ای که تجربه می‌شوند، ثابت‌اند نه متغیر.

۲۲۶۹. کدام گزینه درست است؟

۱) حکمایی همچون افلاطون و ارسطو با انکار قدرت شناخت حسی، عقل را تنها راه شناخت دانستند.

۲) ارسطو با تدوین منطق راهی را نشان داد که با آن هرگز خطأ نکنیم.

۳) منطق به دلیل دچار نکردن مردم به گمراهی، سخنی از مغالطه‌ها به میان نمی‌آورد.

۴) کسانی مانند سقراط سعی می‌کردند تا عقل را در برابر حس گرایی سوفسطائیان علم کنند.

۲۲۷۰. موارد زیر از اموری هستند که توسط سوفسطائیان انکار شدند، به جز

۱) امکان شناخت ۲) واقعیت مستقل از ذهن ۳) نسبیت در حقیقت ۴) حافظه و یادآوری

(کانون فرهنگی آموزش)

۲۲۷۱. کدام گزاره پیرامون سوفسطائیان نادرست است؟

- (۱) حکیمانی مثل سقراط و افلاطون با تبیین راههای معتبر شناخت به مبارزه با سوفسطائیان پرداختند.
- (۲) سوفسطائیان معتقد بودند که احساس یک چیز هرگز به معنای وجود واقعیتی بیرونی نخواهد بود.
- (۳) سوفیستها می‌پنداشتند که ما جز احساس چیزی در اختیار نداریم.
- (۴) سوفسطائیان با وجود انکار اصل امکان شناخت، مدعی بودند که تنها از راه حس می‌توان به واقعیت‌های انتزاعی رسید.

(کانون فرهنگی آموزش)

۲۲۷۲. کدام گزینه از تبعات نظرات سوفسطائیان نیست؟

- (۲) نادرستی نظرات فیلسوفان پیش از آن‌ها
- (۴) بیهوده بودن تعلیم و تربیت

۲۲۷۳. کدام گزینه مربوط به نظریات سوفسطائیان نیست؟

- (۱) امکان شناخت امری کاذب است و نه از راه حس و نه عقل حاصل نمی‌شود.
- (۲) حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد.
- (۳) ما فقط از واقعیاتی آگاه می‌شویم که آن‌ها را درک می‌کنیم.
- (۴) اشیا هر طور که به نظر بیایند، فقط در همان وهله صدق می‌کنند.

۲۲۷۴. کدام عبارت درباره نظر افلاطون نسبت به ابزارهای معرفت نادرست است؟

- (۲) حس از دست‌یابی به هر مرتبه‌ای از شناخت، ناتوان است.
- (۴) انسان با راه‌یابی به جهان مُثُل از طریق عقل، می‌تواند حقایق آن را نظاره کند.

۲۲۷۵. کدام عبارت به ترتیب نمایانگر نظرات هرآکلیتوس و افلاطون است؟

- (۱) شناخت حسی ما را به اصل حقیقت نمی‌رساند. - عالم ما سایه حقیقت است نه خود آن.
- (۲) شناخت حسی اعتبار خاص خود را دارد. - عالم ما سایه حقیقت است نه خود آن.
- (۳) شناخت حسی به دلیل خطایزیری فاقد اعتبار است. - شناخت حسی ما را به اصل حقیقت نمی‌رساند.
- (۴) حرکت زاده توهم انسان است. - گواهی حواس ملاک حق و باطل است.

۲۲۷۶. کدام گزینه در رابطه با نظر افلاطون درباره معرفت و شناخت نادرست است؟

- (۱) روش درک جهان برتر منحصر به شیوه عقلی نیست.
- (۲) او شناخت حسی را به علت خطایزیر بودن بی‌اعتبار می‌داند.
- (۳) اگر انسان به جهان برتر راه یابد، می‌تواند حقایق آن را نظاره کند.
- (۴) افلاطون در رساله‌های متون، جمهور و تئوتوس بیشتر به معرفت‌شناسی پرداخته است.

۲۲۷۷. نظر افلاطون درباره اعتبار شناخت حسی با نظر پارمنیوس بیشتر به معرفت‌شناسی پرداخته است.

- (۱) متفاوت - حس
- (۲) همانند - شهود
- (۳) متفاوت - شهود
- (۴) همانند - عقل

۲۲۷۸. نسبت دادن کدام عبارت به آرای افلاطون درباره شناخت نادرست است؟

- (۱) عقل می‌تواند جهانی برتر از جهان طبیعت را بشناسد.
- (۲) عالم طبیعت در مقابل عالم مثل همچون سایه است.
- (۳) شناخت عقلی و شهودی برخلاف شناخت حسی معتبر هستند.
- (۴) سقراط عالم برتر مثل را مشاهده کرده است.

۲۲۷۹. کدام گزینه درباره نظر ابن‌سینا درباره شهود و وحی به ترتیب درست است؟

- (۱) این راه اختصاص به پیامبران دارد. - منبع معتبر شناخت است.
- (۲) این راه را به دقت توضیح داده است. - اعتبار خاصی دارد.
- (۳) آن را وارد فلسفه خویش می‌کند. - مختص گروه خاصی نیست.
- (۴) درباره آن با زبان فلسفه سخن می‌گوید. - آن را می‌بذری‌فتند، ولی نه به عنوان وسیله شناخت.

۲۲۸۰. ابن‌سینا در کتاب به شرح دقیق معرفت شهودی پرداخته و درباره ارتباط با استدلال فلسفی

- (۱) الاشارات و التنبیهات - توضیح داده است.
- (۲) شفا - توضیح داده است.
- (۳) شفا - سخنی نگفته است.

۲۲۸۱. فارابی را به چه دلیل معلم ثانی نامیده‌اند و معلم اول چه کسی است؟

- (۱) دومین کسی بود که علوم را طبقه‌بندی کرد. - افلاطون
- (۲) جایگاه ممتازی که در حکمت و فلسفه داشت. - افلاطون

۲۲۸۲. کدام گزینه درباره ارتباط ابن‌سینا با شناخت شهودی درست است؟

- (۱) آن را در روش خود کاملاً مورد توجه قرار داده است.
- (۲) در کتب خود به طور دقیق آن را توضیح داده است.
- (۳) صرفاً به بیان رابطه آن با استدلال‌های فلسفی بسته کرده است.

۲۲۸۳. ابن‌سینا مانند حس و عقل را معتبر می‌دانست و برای شناخت را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کرد.

- (۱) سهپوردی، پارمنیوس و هرآکلیتوس - وحیانی - شهودی
- (۲) فارابی، ارسطو و افلاطون - تجربی - وحیانی
- (۳) سهپوردی، پارمنیوس و هرآکلیتوس - تجربی - شهودی

۲۲۸۴. نظام فلسفی سهپوردی چگونه بوجود آمد و در اصل بر پایه کدامیک از ابزارهای شناخت است؟  
 ۱) رسیدن به امور قلبی و غیبی از طریق استدلال - عقل  
 ۲) تبیین استدلالی الهامات شهودی - شهود  
 ۳) احسان واقعیات معنوی عالم و بیان آنها - حس  
 ۴) اعتماد به الهامات الہی بر جان پیامبر اکرم(ص) - وحی
- (کانون فرهنگی آموزش)
۲۲۸۵. شیخ اشراق لقب است که شخصیتی مهم در فلسفه و بنا نهاد.  
 ۱) سهپوردی - عرفان - شهود ۲) ملاصدرا - مذهب - وحیانی ۳) سهپوردی - دین - وحیانی ۴) ملاصدرا - سیاست - شهودی
- (کانون فرهنگی آموزش)
۲۲۸۶. کدام دیدگاه درباره عموم فیلسوفان مسلمان نادرست است؟  
 ۱) می‌توان با تکیه بر حس، شهود و وحی به معرفت فلسفی رسید.  
 ۲) هر یک از ابزارهای عقل، حس، شهود و وحی در جایگاه خود اعتبار دارند.  
 ۳) معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن، فلسفه وجود ندارد.
- (کانون فرهنگی آموزش)
۲۲۸۷. کدام گزینه مطابق با نظر عموم فلاسفه مسلمان در رابطه با معرفت می‌باشد؟  
 ۱) معرفت شهودی و وحیانی در همه موضع فلسفی قابلیت طرح دارند.  
 ۲) عقل و حس و شهود و وحی فی نفسه خود دارای اعتبار نیستند.  
 ۳) همه این ابزارهای معرفت در جایگاه خود ما را مستقلابه معرفت ناگایی می‌کنند.  
 ۴) شهود قلبی و وحی بدون یاری استدلال عقلی به هیچ نوع معرفت فلسفی ختم نمی‌شوند.
- (کانون فرهنگی آموزش)
۲۲۸۸. کدام گزینه درباره معرفت شهودی نادرست است؟  
 ۱) نوعی معرفت بی‌واسطه است.  
 ۲) از راه قلب و عقل به دست می‌آید.  
 ۳) به تدریج و گامبه گام حاصل می‌شود.  
 ۴) برای دریافت آن سیروسلوک لازم است.
۲۲۸۹. جناب ملاصدرا در کدام شهر تحصیل خود را آغاز کرد، در کدام شهر ادامه تحصیل داد و کدامیک از استادان او در آن شهر بودند؟  
 ۱) شیراز - اصفهان - میرداماد  
 ۲) اصفهان - شیراز - استادی نداشت و به تنها بیان به مطالعه پرداخت.  
 ۳) اصفهان - تبعیدگاه خویش در کهک - شیخ بهایی  
 ۴) شیراز - تبعیدگاه خویش در کهک - شیخ بهایی
۲۲۹۰. پایه‌های بحث‌های «ملاصدرا» از منظور «علامه طباطبائی» کدام مورد بوده است؟  
 ۱) ادامه راه شیخ اشراق  
 ۲) پیوند میان عقل و شهود و شرع  
 ۳) معرفت وحیانی  
 ۴) استدلال بر مبنای شرع
۲۲۹۱. درباره آرای فیلسوفان مسلمان در عصر حاضر کدام گزینه درست است؟  
 ۱) عقل و حس را معتبر می‌دانند و درباره شهود اختلاف دارند.  
 ۲) وحی را مختص به پیامبران دانسته و همگی معتقدند عقل از حس معتبرتر است.  
 ۳) عموماً برای این باورند که عقل، حس، شهود و وحی هر یک به جای خود معتبرند.
۲۲۹۲. ملاصدرا ای شیرازی، فیلسوف بزرگ قرن هجری، نزد حکیمانی چون به تحصیل حکمت پرداخت.  
 ۱) دهم - شیخ بهایی و میرداماد  
 ۲) یازدهم - شیخ بهایی و میرداماد  
 ۳) دهم - آیت‌الله نایینی و خواجه نصیرالدین طوسی
- (کانون فرهنگی آموزش)
۲۲۹۳. دستگاه فلسفی ملاصدرا بر معرفت در کنار معرفت استوار بوده و عقل و را یکدیگر می‌داند.  
 ۱) عقلی - شهودی - وحی - تأیید‌کننده  
 ۲) وحیانی - عقلی - شهود - منطبق بر  
 ۳) شهودی - عقلی - دین - نقض‌کننده
۲۲۹۴. دوره جدید فلسفه در اروپا با پیشگامی آغاز شد و «ارغون جدید» از آثار است.  
 ۱) دکارت - بیکن - دومی  
 ۲) کانت - دکارت - دومی  
 ۳) دکارت - بیکن - اولی  
 ۴) کانت - دکارت - اولی
۲۲۹۵. بیکن بر این باور بود که فیلسوفان گذشته به پیروی از ارسطو بیشتر به عقل تکیه داشتند. او نتیجه این مسئله را چگونه ارزیابی می‌کرد؟  
 ۱) معتقد بود که فلسفه در مسیر درستی حرکت نکرده است.  
 ۲) بر این باور بود که علوم تجربی از پیشرفت بازمانده بود.  
 ۳) فلسفه را نیازمند نگرشی نوین می‌دانست.
- (کانون فرهنگی آموزش)
۲۲۹۶. کدام گزینه در مورد اتفاقات قرن شانزدهم نادرست است؟  
 ۱) دوره جدید فلسفه در اروپا از این قرن آغاز شد.  
 ۲) از این قرن به بعد مسئله معرفت‌شناسی در کانون مباحث فلسفی قرار گرفت.  
 ۳) در این برده از زمان گروهی برای تجربه و گروهی برای عقل اهمیت بیشتری قائل بودند.  
 ۴) در این قرن نزاع بر سر این بود که تلفیق عقل و حس ما را به حقایق می‌رساند یا فقط استدلال عقلی.
۲۲۹۷. کدام گزینه از آثار «فرانسیس بیکن» نیست?  
 ۱) اصول فلسفه  
 ۲) پیشرفت دانش  
 ۳) جنگل جنگل‌ها  
 ۴) ارغون جدید
۲۲۹۸. کدام گزینه از آثار «رنه دکارت» نیست?  
 ۱) رسالت گفتار در روش  
 ۲) تأملاتی در فلسفه اولی  
 ۳) نقد عقل محض  
 ۴) رسالته عالم
۲۲۹۹. معرفت‌شناسی از قرون در کانون مباحث فلسفی قرار گرفت که از پیشگامان آن به شمار می‌رود.  
 ۱) شانزده - بیکن  
 ۲) هفده - کانت  
 ۳) شانزده - کانت  
 ۴) هفده - بیکن

۲۳۰۰. کدام گزینه درباره دوره جدید فلسفه اروپا درست نیست؟  
 ۱) این دوره از قرن شانزدهم با پیشگامی دو تن از فلاسفه آغاز می‌شود.  
 ۲) در این دوره مرکزیت و اصل بحث‌های فلسفی در حوزه معرفت‌شناسی بود.  
 ۳) جریان‌های اصلی فلسفی در این دوره تنها دو جریان بودند.  
 ۴) نزاع اصلی در این دوره بر سر دوگانه وحی یا علم بشری بود.

۲۳۰۱. کدام گزینه درباره «کانت» درست است؟

- ۱) او عقیده داشت که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان را نزد خود دارد.  
 ۲) او عقیده داشت ذهن انسان بدون استفاده از حس و تجربه مفهوم زمان را درک نمی‌کند.  
 ۳) او در قرن هفدهم میلادی کوشید میان دو دیدگاه موجود، آشتی و نزدیکی برقرار کند.  
 ۴) طبق عقیده او مفاهیمی مانند علیت را می‌توان از طریق تجربه شناخت.

۲۳۰۲. تلاش برای پیوند تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی توسط صورت گرفت که امروزه غلبه بیشتر با است.  
 ۱) دکارت - دومی  
 ۲) دکارت - اولی  
 ۳) کانت - دومی  
 ۴) کانت - اولی

۲۳۰۳. کدام گزینه در مورد پوزیتیویست‌ها درست است؟  
 ۱) یکی از راه‌های رسیدن به شناخت و معرفت را شناخت و تجربه می‌دانستند.  
 ۲) مفاهیم و گزاره‌هایی که تجربه‌پذیر نیستند را بی معنا می‌دانستند.  
 ۳) مفاهیمی مانند خدا، اختیار، نفس و روح را قابل بررسی علمی می‌دانستند.  
 ۴) اگوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم میلادی، یکی از آنان است.

۲۳۰۴. کدام یک از کتاب‌های زیر از جمله آثار اگوست کنت نیست؟

- ۱) پوزیتیویستی منطقی  
 ۲) نظام سیاست پوزیتیویستی  
 ۳) فلسفه پوزیتیویسم  
 ۴) شرعیات پوزیتیویسم

۲۳۰۵. منابع شناخت معتبر از نظر اگوست کنت کدام‌اند؟  
 ۱) حس - تجربه  
 ۲) تفکر عقلانی - شهود  
 ۳) حس - شهود  
 ۴) حس - نفکر عقلانی مغض

۲۳۰۶. کدام گزینه در مورد تفکر پرآگماتیسمی درست است؟  
 ۱) این جریان فلسفی مانند دیگر جریان‌های فلسفی در دوره جدید اروپا مبتنی بر تجربه‌گرایی است.  
 ۲) تفکر پرآگماتیسمی با انکار حس و تجربه برای شناخت واقعیت، عملًا مبتنی بر عقل‌گرایی است.  
 ۳) این جریان فکری نه مبتنی بر تجربه است و نه مبتنی بر عقل‌گرایی و صرفاً عمل‌گر است.  
 ۴) این جریان فلسفی با رویکرد مصلحت عملی هر دو جریان تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی را در خود جمع کرده است.

۲۳۰۷. به ترتیب کدام عبارت درباره عقاید پرآگماتیسمی صحیح است و رابطه تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی در اروپا و آمریکای امروز چگونه است؟

- (کانون فرهنگی آموزش)  
 ۱) کشف واقعیت هدف اصلی است، اما تجربه نمی‌تواند واقعیت اشیا را بشناسد. - عقل‌گرایی بر تجربه‌گرایی غلبه ندارد.  
 ۲) فایده و سودمندی به معنای درست بودن است و ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار مابایند. - تجربه‌گرایی بر عقل‌گرایی غلبه دارد.  
 ۳) فایده و سودمندی به معنای درست بودن است و ما نیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار مابایند. - عقل‌گرایی بر تجربه‌گرایی غلبه دارد.  
 ۴) کشف واقعیت هدف اصلی است، اما تجربه نمی‌تواند واقعیت اشیا را بشناسد. - تجربه‌گرایی بر عقل‌گرایی غلبه ندارد.

۲۳۰۸. نخستین اندیشمندی که اصطلاح پوزیتیویسم را به کار برد و بنیان‌گذار مکتب فلسفی پرآگماتیسم به ترتیب چه کسانی هستند؟

- ۱) اگوست کنت - ویلیام جیمز  
 ۲) ایمانوئل کانت - ویلیام جیمز  
 ۳) اگوست کنت - جان دیوی  
 ۴) ایمانوئل کانت - جان دیوی

- (کانون فرهنگی آموزش)  
 ۱) من در این وضعیت فکر می‌کنم آب بر اثر حرارت به جوش می‌آید.  
 ۲) من باور دارم که می‌توانم از به جوش آمدن آب بر اثر حرارت در صنعت استفاده کنم.  
 ۳) این یک قانون است که آب بر اثر حرارت به جوش می‌آید.  
 ۴) من با تجربه فهمیدم همه آب‌های آزمایش شده بر اثر حرارت به جوش می‌آید.

۲۳۱۰. هر یک از موارد زیر به دیدگاه کدام‌یک از فیلسوفان دوره جدید اروپا درباره معرفت‌شناسی اشاره دارد؟

- انسان آنچه را که از طریق حس به او برسد، در قالب مفاهیم قرار می‌دهد.  
 - اموری که از طریق تجربه قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اموری بی معنا هستند.  
 - فیلسوفان با دنباله‌روی از ارسطو و تکیه بر استدلال عقلی موجب محصور شدن علوم تجربی در خرافات شدند.  
 - انسان به طور ذاتی معرفت‌هایی دارد که با عقل درک می‌کند و در این امور به حس و تجربه نیاز ندارد.  
 ۱) کانت - کنت - بیکن - برگسون  
 ۲) دکارت - بیکن - کنت - ویلیام جیمز  
 ۳) کانت - کنت - بیکن - دکارت  
 ۴) دکارت - بیکن - کنت - کانت

(کانون فرهنگی آموزش)  
 ۱) عبارات زیر به ترتیب بیانگر عقیده کدام فیلسوف اروپایی است؟

- «بی معنا بودن گزاره‌های تجربه‌پذیر - تأکید بر معرفت‌های ذاتی انسان - توجه به بعد معنوی در کنار تجربه‌گرایی - معرفت حاصل از همکاری عقل و حس»  
 ۱) کنت - دکارت - برگسون - کانت  
 ۲) کانت - کنت - بیکن - دکارت - برگسون - کانت - کنت  
 ۳) دکارت - بیکن - دکارت - کانت - کنت

۲۳۱۲. اگر بگوییم که در جهان حقیقت مستقل وجود ندارد، بلکه صرفاً با تفاسیر گوناگون سر و کار داریم، راه را برای کدام جریان هموار کرده‌ایم؟

- ۱) پوزیتیویسم  
 ۲) سوഫستایی گری  
 ۳) نسبی گرایی  
 ۴) تجربه‌گرایی

۲۳۱۳. کدام عبارت درباره معرفت‌شناسی و مباحثت آن درست است؟

(۱) ارزش شناخت و مطابقت آن با واقعیت مورد قبول سوکسپطایان است.

(۲) سقراط، افلاطون و ارسطو راه‌های معتبر شناخت و روش رسیدن به آن را تبیین کردند.

(۳) بمنظر فلسفه پیش از سقراط، حقیقت امری یکسان نبوده و به نسبت هر کسی می‌تواند متفاوت باشد.

(۴) مباحثت معرفت‌شناسی به صورت مستقل در یونان باستان مطرح شد.

۲۳۱۴. کدام دسته، انسان را دارای بُعد معنوی دانسته و به آن اهمیت می‌دهند؟

(۱) اگوست نخست - ویلیام جیمز - برگسون

(۲) سهپوردی - برگسون - افلاطون

(۳) افلاطون - اگوست نخست - سهپوردی

(کانون فرهنگی آموزش) ۲۳۱۵. کدام فیلسوف مسلمان به صورت دقیقی معرفت شهودی را توضیح داده است، اما از ارتباط آن با فلسفه سخن نمی‌گوید؟

(۱) ارسطو (۲) ابن سینا

(۳) سهپوردی

(۴) ملاصدرا

۲۳۱۶. هر یک از جمله‌های زیر بیانگر عقاید کدام فیلسوف است؟

«اهمیت دادن به تجربه - استقلال مفاهیم عقلی و ذاتی بشر از حس - معرفت حاصل از همکاری حس و عقل است.»

(۱) بیکن - دکارت - دکارت (۲) کانت - دکارت - کانت

(۳) دکارت - بیکن - کانت

(۴) کانت - دکارت

## برای انفجار...

۲۳۱۷. کدام گزینه درباره معرفت‌شناسی در یونان باستان درست است؟

(۱) این دانش در آن زمان برای نخستین بار به صورت مستقل پدید آمد و توسط فیلسوفان یونانی مورد بحث قرار گرفت.

(۲) این دوره، اولین دوره مباحثت معرفت‌شناسی در تاریخ است.

(۳) این دوره زمینه‌ساز بحث‌های «ارزش شناخت و میزان انتطبق آن با واقعیت» برای نخستین بار در دوره‌های قبل شد.

(۴) مغالطه‌های سوکسپطایان در نتیجه انکار امکان شناخت و اعلام ناتوانی در رسیدن به حقیقت به وجود آمد.

۲۳۱۸. سقراط در جوانی را ملاقات کرد. این اندیشمند نظرات فلسفی خود را در قالب می‌نوشت.

(۱) هرآکلیتوس - رساله (۲) پارمنیدس - شعر (۳) پارمنیدس - رساله (۴) هرآکلیتوس - شعر

۲۳۱۹. کدام یک موضوعی بود که متفکرین پیش‌سقراطی را به خود مشغول ساخته بود؟

(۱) معیار دقیق برای صدق و کذب شناخت انسان

(۲) استقلال و گستره شمول معرفت‌شناسی

۲۳۲۰. کدام گزینه از اختلاف‌نظرهای پارمنیدس و هرآکلیتوس نیست؟

(۱) اعتبار شناخت حسی

(۲) منحصر بودن شناخت به شناخت عقلی

۲۳۲۱. اصلی‌ترین بحث درباره راه‌های شناخت بین فلسفه بر سر چه چیزی بوده است و اصلی‌ترین گروه‌های فکری در این گزینه که تا امروز هم ادامه یافته‌اند، کدام است؟

(۱) حوزه عملکرد هر یک از این راه‌ها - طرفداران شناخت عقلی و طرفداران شناخت شهودی

(۲) ارزش و توانایی این راه‌ها - طرفداران شناخت عقلی و طرفداران شناخت حسی

(۳) حوزه عملکرد هر یک از این راه‌ها - طرفداران شناخت عقلی و طرفداران شناخت حسی

(۴) ارزش و توانایی این راه‌ها - طرفداران شناخت عقلی و طرفداران شناخت شهودی

۲۳۲۲. کدام گزینه در رابطه با آغاز دانش معرفت‌شناسی نادرست است؟

(۱) فیلسوفان پیش‌سقراطی در این زمینه نظریاتی داشتند.

(۲) معرفت‌شناسی به طور مستقل با تمدن یونان آغاز شده است.

(۳) میزان انتطبق شناخت با واقعیت از مسائلی بود که ذهن فلسفه را مشغول کرده بود.

(۴) فلسفه آغازین در زمینه اعتبار شناخت حسی اختلاف‌نظرهایی داشته‌اند.

۲۳۲۳. کدام گزینه از مسائلی که توجه نخستین اندیشمندان معرفت‌شناسی را به خود جلب کرده بود، نیست؟

(۱) اعتبار شناخت حسی

(۲) حضوری یا حصولی بودن شناخت

(۳) ارزش شناخت

(۴) میزان انتطبق شناخت با واقعیت

۲۳۲۴. گرگیاس پروتاگوراس شناخت را دست‌نیافتنی می‌داند. انکار شناخت توسط گرگیاس نظر پروتاگوراس بود.

(۱) همانند - نقیض (۲) همانند - نتیجه

(۳) برخلاف - نقیض

(۴) برخلاف - نتیجه

۲۳۲۵. کدام جمله بیانگر نظر سوکسپطایان درباره شناخت نیست؟

(۱) ما فقط از واقعیاتی آگاه می‌شویم که آن‌ها را در کمی کنیم.

(۲) انسان قادر به تشخیص درستی یا نادرستی ادراکش نیست.

(کانون فرهنگی آموزش)

(۱) انسان قادر به برقراری تمايز بین تصورات و خیالات و واقعیت برونی نیست.

(۲) آنچه برای فردی حقیقت قلمداد می‌شود، می‌تواند برای فردی دیگر ضد آن باشد.

۲۳۲۶. با قبول کدام علت به نسبی بودن شناخت حقیقت نائل می‌شویم؟
- وجود اختلافنظر میان افراد گوناگون
  - خطاهایی که گاه در حواس انسان رخ می‌دهد.
  - اعتقاد به اینکه نه از راه حس و نه از راه عقل نمی‌توان به حقیقت رسید.
  - اعتبار شناخت‌هایی که با حواس هر کس صورت می‌گیرد.
۲۳۲۷. کدام گزینه از نتایج نظریه پروتاگوراس درباره معرفت و شناخت به شمار نمی‌رود؟
- علیم و آموزش امری بیهوده است.
  - دست کم به تعداد انسان‌ها، حقیقت وجود دارد.
  - میان آدمیان اصلی مشترک وجود ندارد.
  - بحث بی فایده است، چون ادراک متضاد حقایق وجود ندارد.
۲۳۲۸. این عبارت که «انسان مقیاس همه چیزهای است، مقیاس بودن چیزهایی که هستند و مقیاس نبودن چیزهایی که نیستند» از پروتاگوراس - تثات آمده است.
- پروتاگوراس - تثات
  - گرگیاس - درباره طبیعت
  - گرگیاس - درباره سوfigt;طایان
  - پروتاگوراس - درباره معتقد بود حقیقت و سوfigt;طایان
۲۳۲۹. پروتاگوراس معتقد بود حقیقت واقعیت را زیر سوال برده بودند.
- واحد نیست - اصل امکان شناخت
  - وجود ندارد - اصل امکان شناخت
  - واحد نیست - اصل وجود
  - وجود ندارد - اصل وجود
۲۳۳۰. کدام گزینه از جمله آموزه‌ها و عقاید سوfigt;طایان نیست؟
- میان آدمیان، اصلی مشترک به نام حقیقت وجود ندارد.
  - ادراک حسی، انسان‌ها را به امر ثابتی نمی‌رساند.
  - هرچه ادراک کنیم فقط در همان زمان حقیقت دارد.
  - ممکن است که حقیقتی نقیض حقیقت دیگر باشد.
۲۳۳۱. کدام گزینه در رابطه با نظریات گرگیاس و پروتاگوراس پیرامون شناخت و معرفت نادرست است؟
- نظریات این دو متفسر فاقد اشتراک است.
  - نتیجه نظر پروتاگوراس توسط گرگیاس تأیید شد.
  - پروتاگوراس برخلاف گرگیاس منکر واقعیت نبود.
  - گرگیاس برخلاف پروتاگوراس شناخت واقعیت را غیرممکن می‌دانست.
۲۳۳۲. کدام گزینه درباره عقاید پروتاگوراس درست نیست؟
- او حس را به عنوان یک ابزار شناخت معتبر می‌دانست.
  - او اعتقاد داشت حقیقتی وجود ندارد و تنها حواس افراد وجود دارد.
  - شناخت‌های افراد، همه با هم متفاوت‌اند و شناخت افراد تعیین‌کننده چگونگی اشیاست.
  - اگر هم حقیقتی هست، نسبی است.
۲۳۳۳. کدام گزینه درباره سوfigt;طایان نادرست است؟
- از نظر آن‌ها حکماء پیشین در شناخت حقیقت دچار خطا شده‌اند.
  - نظریات بیان شده از سوی آنان منتج از مغالطات بود.
  - مدعی شدند که نه از راه حس و نه از راه عقل نمی‌توان به حقیقت رسید.
  - بر این عقیده بودند که حقیقت امری یکسان نیست و نسبی است.
۲۳۳۴. کدام گزینه را نمی‌توان مربوط به نظریات سوfigt;طایان دانست؟
- حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کس می‌تواند متفاوت باشد.
  - حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد.
  - از آنجا که حقیقت امری نسبی است، پس تعلیم و آموزش بیهوده است.
  - انسان قادر به تشخیص درستی یا نادرستی ادراکش نیست.
۲۳۳۵. کدام گزینه در مقایسه نظرات پروتاگوراس و گرگیاس درباره شناخت نادرست است؟
- گرگیاس همانند پروتاگوراس شناخت حقیقی را انکار کرد.
  - گرگیاس آموزش و تربیت را نفی می‌کرد.
  - به نظر پروتاگوراس حقیقت یکسان نیست و برای هر کسی متفاوت است.
  - گرگیاس وجود واقعیت را انکار می‌کرد، اما پروتاگوراس این گونه نبود.
۲۳۳۶. کدام یک از رساله‌های زیر بیانگر معرفت‌شناسی افلاطون نیست؟
- منون
  - تثات
  - جمهور
  - تئتوس
۲۳۳۷. کدام گزینه درباره عالم مُثُل درست است؟
- از نظر افلاطون انسان از این جهان می‌تواند حقایق جهان برتر را نظاره کند.
  - از نظر افلاطون بهدلیل آنکه این عالم سایه حقیقت است، قابل شناخت نیست.
  - افلاطون بهطور کلی حس را از درجه اعتبار ساقط می‌کند.
  - افلاطون عقل را تنها وسیله شناخت حقایق برتر نمی‌داند.
۲۳۳۸. به چه علت از نظر افلاطون حس از درجه اهمیت کمتری برخوردار است؟
- خطاپذیر بودن ادراک حسی
  - ناپایداری موضوع شناخت حسی
  - محبود بودن این شناخت به جهان سایه‌ها
  - همه موارد زیر از جمله رساله‌هایی هستند که عمدۀ نظرات معرفت‌شناسی افلاطون را دربر می‌گیرند، به جز
- منون
  - ضیافت
  - جمهور
  - تئتوس
۲۳۳۹. با توجه به تعریف حقیقت پاسخ احتمالی افلاطون به پرسش «آیا می‌توان از طریق ابزار حسی به حقیقت رسید؟» در کدام گزینه آمده است؟
- می‌توان از طریق ابزار حسی به باورهایی حقیقی در مورد این جهان رسید.
  - حقایق مربوط به عالم مُثُل‌اند و درک این عالم تنها با عقل و شهود امکان‌پذیر است.
  - ابزار حسی در درک حقایق جهان برتر کاربرد دارند، اما نسبت به عقل و شهود از اهمیت کمتری برخوردار است.
  - هیچ کدام

۲۳۴۱. کدام گزینه از آرای افلاطون درباره شناخت نیست؟

- (۲) جهان عقلانی برتر همان عالم مُثُل است.
- (۴) تمامی متعلقات شناخت عقلی و رای عالم طبیعت هستند.

(کانون فرهنگی آموزش)

(۱) شناخت عقلی بسیار مطمئن‌تر از شناخت حسی است.

(۳) شهود قلبی یکی از راههای معتبر در کسب شناخت است.

۲۳۴۲. در کدام گزینه گزاره نادرست مطرح شده است؟

- (۱) متفکرین پیش از سقراط از تختین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و اعتبار آن نظر داده‌اند.
- (۲) پارمنیدس شناخت حسی را بهدلیل خطاهایی که در حواس رخ می‌دهد، معتبر نمی‌دانست.
- (۳) هراکلیتوس معتقد بود که حرکت وجود ندارد و همه اشیا در ثبات و پایداری هستند.
- (۴) میزان انطباق شناخت با واقعیت پیش از سقراط هم مورد توجه داشتمدان بوده است.

۲۳۴۳. آموزش شیوه‌های دوری از مغالطه به کدام متفکر مربوط می‌شود؟

(۴) پروتاگوراس

(۳) ارسطو

(۲) افلاطون

(۱) سقراط

۲۳۴۴. چند مورد از موارد زیر درباره نوع نگاه فارابی و شیخ‌الرئیس به شناخت شهودی درست است؟

الف) ابن‌سینا در آثار خود به شهود اشاره کرده، اما بهطور واضح به آن نپرداخته است.

ب) این دو شناخت شهودی را مختص به پیامبران می‌دانستند.

ج) معلم ثانی به هیچ وجه شناخت شهودی را داخل تبیین فلسفی خود نکرد.

(۴) سه

(۳) دو

(۲) یک

(۱) صفر

۲۳۴۵. کدام گزینه درباره نظرات معرفت‌شناسی ابن‌سینا نادرست است؟

(۱) وی موفق به ارتباط دادن شناخت شهودی به فلسفه نشد.

(۳) او در آثارش بهطور مختصر شناخت شهودی را توضیح داده است.

۲۳۴۶. کدام گزینه درباره نظام معرفت‌شناسی سهروردی نادرست است؟

(۱) غلبه با شهود و الهامات قلبی است.

(۳) مکتب او در نهایت یک فلسفه است و بر استدلال استوار است.

۲۳۴۷. کدام گزینه درباره سهروردی و نظریه شناخت او نادرست است؟

(۱) او هم در فلسفه و هم در عرفان شخصیتی مهم بهشمار می‌رود.

(۳) او کوشید آنچه را از طریق استدلال به دست آورده بود، با شهود پستجد.

۲۳۴۸. کدام عبارت بیانگر تفاوت میان ابن‌سینا و شیخ اشراق است؟

(۱) تبیین دقیق معرفت شهودی

(۳) تبیین بی‌اعتباری شناخت حسی

۲۳۴۹. چه تعداد از عبارت‌های زیر درباره شیخ اشراق و اندیشه‌های او درست است؟

الف) فلسفه بدون معرفت شهودی به جایگاهی ناقص می‌رسد.

ب) شیخ می‌کوشید فلسفه خود را بر شهود استوار کند نه بر عکس.

ج) عارف فاقد نیروی فکر، از فیلسوف فاقد معرفت شهودی برتر است.

(۴) سه

(۳) دو

(۲) یک

(۱) صفر

۲۳۵۰. کدام گزینه درباره ملاصدرا نادرست است؟

(۱) او راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و به نحو مطلوبی از معرفت شهودی بهره برد.

(۲) او تضاد و تناقض میان داده‌های مستدل و یقینی عقل و معارف و حیانی را نشان داد.

(۳) او پایه بحث‌های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف و شرع گذاشت.

(۴) ریشه برخی نظرات او در کلمات معلم ثانی، ابن‌سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیرالدین به چشم می‌خورد.

۲۳۵۱. کدام گزینه با توجه به نظرات معرفت‌شناسی ملاصدرا و علامه طباطبائی و پیروان آن‌ها نادرست است؟

(۱) نمی‌توان گفت عقل در هر شرایطی خلاف دین نمی‌فهمد.

(۲) پایه بحث‌های علمی ملاصدرا بر پیوند عقل، شرع و کشف استوار است.

(۳) هیچ فلسفه‌ای بدون برهان و استدلال عقلی وجود ندارد.

(۴) هر کدام از روش‌های عقل، حس، شهود و وحی راههایی مطمئن برای رسیدن به حقیقت هستند.

۲۳۵۲. کدام عبارت پیرامون مقایسه نظر ابن‌سینا و ملاصدرا درباره ابزارهای معرفت، درست است؟

(۱) ابن‌سینا نظام فلسفی خود را بر پایه عقل و ملاصدرا بر پایه شهود بنا نهاد.

(۲) ابن‌سینا برخلاف ملاصدرا هیچ توجیهی به معرفت شهودی نداشت.

(۳) ابن‌سینا در تبیین فلسفه خود معرفت شهودی را وارد کرد، ولی ملاصدرا در آن از معرفت وحیانی نیز بهره گرفت.

(۴) ملاصدرا در کنار معرفت عقلی به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در نظام فلسفی خود استفاده کرد.

۲۲۵۳. «اصول فلسفه» و «مبداً و معاد» به ترتیب آثار چه کسانی هستند؟
- (۱) علامه طباطبایی - معلم ثانی      (۲) رنه دکارت - معلم ثانی
۲۲۵۴. گدام گزینه در تبیین اندیشه‌های صدرالمتألهین درست نیست؟
- (۱) فلسفه‌ای که قوانین غیر از قوانین کتاب و سنت داشته باشد، وجود ندارد.  
 (۲) پایه بحث‌های علمی ملاصدرا روی پیوند میان عقل، شرع و کشف گذاشته شده بود.  
 (۳) با وجود بهره‌مندی از همه ابزارهای معرفت، نظام منسجمی ارائه کرد.  
 (۴) عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند.
۲۲۵۵. جمله زیر برگفته از گفته‌های کدام فیلسوف است و این گفتار در کدام کتاب وی آمده است؟  
 «اگر به نظر من بخشی از قرآن یا احادیث معتبر از نظر عقلی صحیح نباشد یا مبانی عقلی من با آن هادر تعارض باشد. اشکال از طرز تفکر و اشتباه عقل من است.»
- (۱) سهروردی - حکمت‌الاشراق      (۲) ملاصدرا - مبدأ و معاد      (۳) ابن‌سینا - مقامات‌العارفین      (۴) علامه طباطبایی - مبدأ و معاد
۲۲۵۶. طبق نظر علامه طباطبایی، پایه بحث‌های صدرالمتألهین چه چیزی است و این پایه در بحث‌های کدام فیلسوف قبل‌به چشم نخورده است؟
- (۱) بحث‌های عقلی و استدلالی - خواجه نصیر طوسی  
 (۲) جداسازی شناخت با ابزارهای عقل، حس و وحی در جای خود - افلاطون  
 (۳) پیوند میان عقل، کشف و شرع - معلم اول  
 (۴) تکیه صدرصد و بدون رقیب بر وحی الهی - علامه ثانی
۲۲۵۷. از نظر ملاصدرا کدام گزینه در خصوص فرض زیر درست است؟  
 «روایتی از پیامبر اسلام (ص) به دست ما رسیده است که خلاف صریح عقل است و حکمی در این روایت بر مسلمین واجب شده است که مخالف احکام عقلی است.»
- (۱) چون روایت از رسول خداست و وحی است، درجه آن از عقل بالاتر است و باید پذیرفت.  
 (۲) عقل، در برخی مسائل اشتباه می‌کند و این موضوع می‌تواند یکی از مصادیق آن باشد.  
 (۳) قطعاً این روایت از رسول خدا (ص) نیست و یقیناً آن را جعل کرده‌اند و باید به آن عمل کرد.  
 (۴) از آنجایی که فلسفه ملاصدرا متنکی بر عقل استدلالی است، این روایت رسول (ص) را اگر اثبات شود از رسول خدا (ص) است، نفی می‌کند.
۲۲۵۸. کدامیک از شناختها و معرفت‌های زیر وجه‌تمایز فلسفه شیخ اشراق و فلسفه ملاصدراست؟
- (۱) عقلانی      (۲) وحیانی      (۳) حسی      (۴) شهودی
۲۲۵۹. چند عبارت درباره شیخ اشراق و اندیشه‌های او درست نیست؟
- الف) آنچه پایه‌های نظام فلسفی او را تشکیل می‌داد، از تبیین استدلالی برخوردار نیست.  
 ب) اگر جست‌وجوگر حقیقت، اسرار الهی را بی‌واسطه تجربه نکند، فیلسوف نیست.  
 ج) او در قرن ششم قمری می‌زیسته است.  
 (۱) صفر      (۲) یک      (۳) دو      (۴) سه
۲۲۶۰. کدام گزینه درباره ملاصدرا و نظرات وی در معرفت‌شناسی نادرست است؟
- (۱) او روش‌های مختلف شناخت و فکر را در هم آمیخت.  
 (۲) اثبات کرد که بین عقل و دین تضاد وجود ندارد.  
 (۳) او توانست بر اساس دستاوردهای سهروردی، دستگاهی منسجم بنا کند. (۴) پیوند میان عقل، کشف و شرع از میانی بحث‌های فلسفی اوست.
۲۲۶۱. عبارت‌های زیر به ترتیب مربوط به کدام جریان فکری هستند؟
- مقدم دانستن شهود قلبی بر برهان عقلی  
 - بدکارگیری هر دو روش شهود قلبی و برهان عقلی با یکدیگر  
 (۱) عرفان - حکمت اشراق      (۲) عرفان - حکمت صدرایی      (۳) تأثیرگذار بر مکمل
۲۲۶۲. از نظر ملاصدرا عقل و وحی یکدیگرند.
- (۱) مکمل      (۲) تأثیرگذار بر مکمل      (۳) تأییدکننده      (۴) بسطدهنده
۲۲۶۳. به ترتیب از نظر عموم فیلسوفان مسلمان معاصر، دنباله‌روی از هر یک از موارد زیر دارای چه وصفی هستند؟
- فلسفه صرفاً متنکی بر استدلال عقلی  
 - فلسفه بدون استدلال عقلی  
 (۱) گمراه‌کننده - غیرممکن      (۲) ناقص - گمراه‌کننده      (۳) ناقص - غیرممکن      (۴) گمراه‌کننده - ناقص
۲۲۶۴. به ترتیب هر یک از موارد زیر به کدامیک از اشخاص بر جسته تاریخ فلسفه اشاره دارد؟
- اوی شاگرد افلاطون بود و در علوم طبیعی هم کتاب نوشته است.  
 - کتاب‌های متعددی هم در فلسفه و هم در علوم طبیعی دارد که همواره مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بوده است.  
 - معتقد است اشیا هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند، در آن نوبت همان‌طور هستند.  
 - یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کرد.  
 - راه شیخ اشراق را تکمیل کرد.
- (۱) سقراط - ابن‌سینا - پروتاگوراس - ملاصدرا - ملاصدرا  
 (۲) ارسسطو - ارسسطو - پارمنیدس - سهروردی - ملاصدرا  
 (۳) سقراط - ارسسطو - ابن‌سینا - پروتاگوراس - ملاصدرا - ملاصدرا

## (کانون فرهنگی آموزش)

۲۳۶۵. کدام دیدگاه درباره عموم فیلسوفان مسلمان نادرست است؟

- ۱) می‌توان با تکیه بر حس، شهود و وحی به معرفت فلسفی رسید.  
 ۲) معرفت حسی و عقلی معتبر و معرفت شهودی و وحیانی قابل قبول هستند.  
 ۳) هریک از ابزارهای عقل، حس، شهود و وحی در جایگاه خود اعتبار دارند.  
 ۴) معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن، فلسفه وجود ندارد.

۲۳۶۶. کدام گزینه درباره مکتب اشراق درست نیست؟

- ۱) این مکتب نشان‌دهنده چگونگی جمع بین ابزارهای شناخت شهود و عقل است.  
 ۲) از نظر این مکتب، فیلسوف واقعی باید اسرار الهی را با واسطه وحی الهی درک کند.  
 ۳) عارفی را که نتواند از ابزار عقل استفاده کند، ناقص می‌داند.  
 ۴) او اعتقاد به استفاده از هر دو ابزار عقل و شهود برای فلاسفه و عرفان دارد.

۲۳۶۷. کدام گزینه درباره نظرات معرفت‌شناسی فارابی نادرست است؟

- ۱) او برای شناخت وحیانی نیز اعتبار خاصی قائل بوده است.  
 ۲) شناخت شهودی را به فلسفه‌اش وارد کرده و به آن نگاهی داشته است.  
 ۳) همانند ارسطو هم حس و هم عقل را برای شناخت معتبر می‌داند.  
 ۴) شناخت وحیانی تنها توسط پیامبران حاصل می‌شود و نوع دیگری ندارد.

## (کانون فرهنگی آموزش)

۲۳۶۸. عبارت کدام گزینه در رابطه با حس و عقل نادرست است؟

- ۱) از نظر افلاطون می‌توان با ابزار حس، این جهان و با ابزار عقل، جهان برتر را درک کرد.  
 ۲) فارابی و ابن سينا از فیلسوفان بزرگ مسلمان، به اعتبار حس و عقل اعتقاد داشتند.  
 ۳) کانت فیلسوف قرن هجدهم میلادی، معرفت را حاصل همکاری حس و عقل می‌دانست.  
 ۴) سهروردی بر معرفت شهودی تأکید بسیار کرد و کوشید آنچه از طریق اشراق به دست آمده را تبیین استدلالی کند.

۲۳۶۹. کدام گزینه در رابطه با نظرات صدرالمتألهین درباره شناخت نادرست است؟

- ۱) عقل نباید به موازین خلاف دین برسد.  
 ۲) عقل و وحی داده‌های یکسانی را مطرح می‌کنند.  
 ۳) نمی‌توان او را آغازگر توجه به وحدت عقل و وحی دانست.  
 ۴) میان گزاره‌های عقلی و معارف وحیانی تنافضی وجود ندارد.

۲۳۷۰. کدام گزینه با توجه به نظرات فلاسفه مسلمان درباره شناخت نادرست است؟

- ۱) عقل و دین وحدتی حقیقی دارند.  
 ۲) عقل، وحی و شهود با هم می‌توانند ما را به معرفت یقینی برسانند.  
 ۳) وحی در جای خود اعتبار کامل دارد و می‌تواند ما را به معرفت فلسفی برساند.  
 ۴) این طور نیست که عقل حتی با وجود ارتکاب مغالطه به داده‌ای خلاف وحی نرسد.

۲۳۷۱. کدام گزینه نظر فلاسفه اسلامی را درباره روش‌های شناخت به درستی بیان می‌کند؟

- ۱) عقل مبنای اصلی همه شناخت‌هایی است که توسط انسان کسب می‌شوند.  
 ۲) عقل، وحی و شهود هر کدام در جای خود مفید هستند.  
 ۳) داده‌های یقینی وحی باید سنگ بنا و آغاز‌کننده معارف باشند.  
 ۴) معارف شهودی جز از طریق استدلال‌های عقلی نمی‌توانند انتقال یابند.

## (کانون فرهنگی آموزش)

۲۳۷۲. در کدام گزینه، گزاره نادرستی بیان شده است؟

- ۱) پارمنیدس معتقد بود که شناخت حسی اعتبار ندارد و به همین جهت حرکت وجود ندارد.  
 ۲) پروتاگوراس اعتقاد داشت که اشیاه‌ر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند، در آن نوبت همان طور هستند، برای تو نیز همان طور هستند.  
 ۳) افلاطون معتقد بود که شناخت عقلی بسیار مطمئن‌تر از شناخت حسی است و اموری که به وسیله عقل ادراک می‌شوند، ارزش برتری دارند.  
 ۴) فیلسوفان مسلمان معتقدند که عقل، حس، شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند؛ با این وجود صرفاً می‌توان با انکا بر تجزیه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

۲۳۷۳. چند مورد از کتاب‌های زیر از آثار رنه دکارت نیست؟

«اصول فلسفه - ارغونون جدید - رساله گفتار در روش - تمهیدات - رساله علم - پدیدارشناسی ذهن»

- ۱) یک  
 ۲) دو  
 ۳) سه  
 ۴) چهار

۲۳۷۴. کدام گزینه درباره صاحب اثر «پیشرفت دانش» نادرست است؟

- ۱) از نخستین فیلسوفان تجربه‌گرا بود.  
 ۲) به امور غیردانشگاهی اشتغال نداشت.  
 ۳) کوششی برای آشتنی دادن دو گرایش موجود نکرد.

## (کانون فرهنگی آموزش)

۲۳۷۵. فرانسیس بیکن

- ۱) بر اصلت تجربه تأکید داشت و از ارسطو دنباله‌روی می‌کرد.  
 ۲) فیلسوفی عقل‌گرا و از پیشگامان دوره جدید در اروپا بود.  
 ۳) دنباله‌روی از ارسطو را سبب عقب‌ماندگی علوم تجربی در قرون وسطی می‌دانست.  
 ۴) معتقد به اعتبار حس و تجربه بود و استدلال عقلی را عامل پیشرفت علوم تجربی می‌دانست.

(کانون فرهنگی آموزش)

۲۳۷۶. کدام گزینه درباره دیدگاه معرفت‌شناسی کانت نادرست است؟

- ۱) قوه ادراکی انسان مفاهیم زمان و مکان را نزد خود دارد و آن‌ها را از حس و تجربه به دست نمی‌آورد.
- ۲) انسان آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد، در قالب مفاهیم ذهنی قرار می‌دهد و درک می‌کند.
- ۳) معرفت ناشی از همکاری دستگاه ادراکی با حس است که تصویرها را از خارج به دستگاه ادراکی می‌رساند.
- ۴) مفاهیمی مثل زمان و مکان مانند اعتقاد به نفس مجرد و وجود خدا، به‌طور ذاتی با عقل درک می‌شوند.

۲۳۷۷. کدام گزینه درباره فرانسیس بیکن و نظریات او نادرست است؟

- ۱) از پیشگامان دوره جدید فلسفه اروپا در قرن شانزدهم بود.
- ۲) معرفت‌شناسی در کانون مباحث او قرار داشت و به اصالت تجربه معتقد بود.
- ۳) معتقد بود عقل گرایان با پرداختن به منطق اسطو از واقعیت دور شده‌اند.
- ۴) از نظر او همه معارف به‌جز علوم تجربی در خرافات و تعصباتی بی‌جا محصور شده‌اند.

۲۳۷۸. کدام گزینه از آثار فرانسیس بیکن، از نخستین فیلسوفان تجربه‌گرا، نیست؟

- ۱) جنگل‌ها
- ۲) گفتارهایی درباره علوم نوین
- ۳) ارغون‌جنید
- ۴) پیشرفت دانش

(کانون فرهنگی آموزش)

۲۳۷۹. درباره دیدگاه کانت کدام عبارت درست است؟

- ۱) مفهوم زمان و مکان، داده‌های عقلی هستند که از تجربه حاصل شدند.
- ۲) مواد خام تجربی به قالب مفاهیم مقدم بر تجربه زمانی و مکانی درمی‌آیند.
- ۳) زمان و مکان مفاهیمی هستند که از خارج از ذهن انسان به دست می‌آیند.
- ۴) مفهوم زمان و مکان، ذهنی و مؤخر از تجربه، سبب درک ما از امور می‌شود.

۲۳۸۰. کدام مورد درباره تفسیر جمله زیر، از نظر طرز تفکر کانت درباره همکاری حس و عقل درست نیست؟

- ۱) مفاهیمی چون برگ و درخت را با حواس خود می‌شناسیم.
- ۲) پاییز را می‌توانیم با حواس خود احساس کنیم.
- ۳) نتیجه‌گیری از زرد شدن برگ‌ها یک فرایند عقلی است.
- ۴) دیدن برگ‌های زرد باید برای فهمیده شدن، در قالب خاصی ریخته شوند.

۲۳۸۱. کدام گزینه درباره نظر کانت پیرامون معرفت‌شناسی نادرست است؟

- ۱) دریافت‌های حسی با قرارگرفتن در قالب مفاهیم عقلی درک می‌شوند.
- ۲) ادراک انسان مفهوم زمان را با حس و تجربه از تعاقب حوادث به دست می‌آورد.
- ۳) او توانایی عقل‌آدمی در تبلیغ به معرفت را بررسی می‌کرد.
- ۴) وی کوشید بین تجربه‌گرایی و عقل‌گرایی پیوتد برقرار کند و نشان دهد معرفت، حاصل عقل و تجربه است.

۲۳۸۲. دیدگاه غالب فلاسفه اروپا در حال حاضر به اندیشه کدام یک از اندیشمندان زیر نزدیک‌تر است؟

- ۱) بیکن
- ۲) دکارت
- ۳) کانت
- ۴) چیمز

۲۳۸۳. کدام عبارت درباره جریان پوزیتیویسم نادرست است؟

- ۱) از دسته جریان‌های تجربه‌گرایی به‌شمار می‌رود.
- ۲) معتقد بودند مفاهیمی که از طریق تجربه نمی‌توانند بررسی شوند، بی‌معنا هستند.
- ۳) مفاهیمی مانند خدا، اختیار و ... که قابل بررسی تجربی نبودند را انکار می‌کردند.
- ۴) این اصطلاح را نخستین بار کنت به‌کار برد.

۲۳۸۴. کدام گزینه بر پیرامون مسئله نسبی‌گرایی درست نیست؟

- ۱) نسبی‌گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت افراد دیگر متفاوت است.
- ۲) نسبی‌گرایی در علوم تجربی به تدریج به حوزه‌هایی مانند انسان‌شناسی و اخلاق راه یافت و به نسبی‌گرایی در هویت انسان انجامید.
- ۳) یکی از مشکلات توجه مخصوص به مسئله تجربه این بود که تجربه نمی‌توانست درباره نیاز جهان به مبدأ و خدا و این قبیل مسائل اظهار نظر کند.
- ۴) بی‌مهری به تفکر عقلی باعث شد تا مسائلی مانند خطای تجربه، قطعیت احکام تجربی را از بین ببرد.

۲۳۸۵. کدام گزینه در مورد نسبی‌گرایی نادرست است؟

- ۱) در این دیدگاه شناخت و معرفت اشخاص هیچ‌گونه اعتباری ندارد.
- ۲) به مشکل خوردن واقع‌نمایی دانش تجربی، باعث ظهور این جریان شد.
- ۳) بی‌مهری به تفکر عقلی، یکی از ریشه‌های ظهور این جریان به‌شمار می‌آید.
- ۴) نسبی‌گرایی در معرفت‌شناسی، به نسبی‌گرایی در دین، اخلاق و حقوق انجامید.

۲۳۸۶. کدام گزینه بیانگر دیدگاه نسبی‌گرایی در معرفت است؟

- ۱) شناخت اندیمان از بسیاری از امور نسبی است.
- ۲) شناخت حسی به‌طور نسبی معتبر است.
- ۳) رسیدن به شناخت یکسان از امور، غیرممکن است.
- ۴) درباره یک موضوع خاص، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد.

۲۳۸۷. چه چیزی موجب رشد علوم تجربی از قبیل فیزیک، شیمی و پزشکی در غرب شد؟

  - (۱) کارآمدی بیشتر و بهتر این علوم نسبت به گذشته
  - (۲) عدم توجه به آموزه‌های مسیحیت و کلیسا
  - (۳) توجه به مبانی فلسفی و منطقی این علوم

۲۳۸۸. به اعتقاد پژوهیست‌ها و کانت بر آن است که

  - (۱) انسان به طور ذاتی معرفت‌هایی دارد که آن‌ها را با عقل درک می‌کند - علوم تجربی در خرافات و تعصبات بی‌جا محصور شده و پیشرفت نکرده است.
  - (۲) انسان در فهم امور خود نیازی به حس و تجربه ندارد - انسان به طور ذاتی معرفت‌هایی دارد که آن‌ها را با عقل درک می‌کند.
  - (۳) تنها اموری ارزش تحقیق و پژوهش دارند که قابل ارزیابی حسی و تجربی باشند - قوّه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علت را نزد خود دارد و از راه حس و تجربه آن را به دست آورده است.
  - (۴) امور اگر از طریق تجربه اثبات شوند، معرفت به حساب می‌آیند - قوّه ادراکی انسان مفاهیمی مثل زمان، مکان و علت را نزد خود دارد و از راه حس و تجربه به دست نمی‌آورد.

۲۳۸۹. کدام عبارت را نمی‌توان از دلایل رشد اندیشه نسبی گرایی دانست؟

  - (۱) عدم توانایی تجربه در تبیین مسائل فراتجربی
  - (۲) عدم قطعیت احکام تجربی به واسطه خطاها تجربی
  - (۳) اعتبار داشتن شناخت هر کس نسبت به خودش

۲۳۹۰. کدام گزینه درباره دیدگاه‌های جدید غربی درست نیست؟

  - (۱) اکثر این دیدگاه‌ها عقل را در شناخت، ناتوان می‌دانند و تنها حس را قبول دارند.
  - (۲) با این دیدگاه‌ها علوم تجربی برخلاف سایر علوم سرعت رشد بالایی داشتند.
  - (۳) انتقادات واردہ به رویکرد صرفاً تجربی، در نتیجه تفاوت‌های فردی به وجود می‌آمد.
  - (۴) در این دیدگاه‌ها با وجود عدم استفاده از استدلال عقلی، وجود خدا با استفاده از استدلال‌های برآمده از طبیعت قابل اثبات است.

۲۳۹۱. اگر بخواهیم تفکر یکی از اشخاص زیر را شبیه به جریان نسبی گرایی بدانیم، کدام گزینه درست است؟

  - (۱) هرآکلیتوس
  - (۲) پارمنیدس
  - (۳) پروتاگوراس
  - (۴) افلاطون

۲۳۹۲. واقع‌نمایی دانش تجربی به علت شک در دوام — ، زیر سؤال رفت.

  - (۱) شمول و صحت
  - (۲) شمول و یقین
  - (۳) کلیت و صدق
  - (۴) کلیت و یقین

۲۳۹۳. کدام گزینه از نظر رویکرد پراغماتیسم در خصوص جمله زیر درست است؟

«آبی را می‌بینیم که در دمای بسیار بالا به جوش آمده و این را درک می‌کنیم که نباید به آن دست بزنیم.»

  - (۱) این مشاهده ما حاکی از یک امر واقعی در عالم است.
  - (۲) این دیدن حسی ما و درک ما حتماً درست است.
  - (۳) ممکن است ما نسبت به امور حسی دچار اشتباہ شویم.

۲۳۹۴. کدام گزینه درباره پراغماتیسم درست است؟

  - (۱) پراغماتیست‌ها از بین واقعیت‌ها، تنها گروه خاصی از آن‌ها را شایسته کشف کردن می‌دانند.
  - (۲) طرفداران این نظریه با در نظر گرفتن ملاک‌های عقلی، درست را از نادرست تشخیص می‌دهند.
  - (۳) ویلیام جیمز را می‌توان هم از مدافعان اصلی و هم از هم بنیان‌گذاران این مکتب دانست.
  - (۴) پراغماتیسم به دلیل اقبال اندک، توانست اثری در حوزه‌های مختلف زندگی بگذارد.

۲۳۹۵. اشتراک نظر پراغماتیست‌ها و نسبی گرایان در چیست؟

  - (۱) احکام تجربی از قطعیت برخوردار نیستند.
  - (۲) واقعیت به عنوان مقصدی یکه و غایی مطرح نیست.
  - (۳) اهمیت دادن به شهود عرفانی و تجارت دینی
  - (۴) فردی بودن شناخت و کثرت گرایی

۲۳۹۶. این گفته که «هرچه بیشتر با چیزی تعامل و کنش داشته باشیم، آن را بیهتر و بیشتر می‌شناسیم.» مطابق با کدام جریان فکری است؟

  - (۱) نسبی گرایی
  - (۲) امپریسم
  - (۳) راسیونالیسم
  - (۴) پراغماتیسم

۲۳۹۷. کدام گزینه به اندیشه‌های پراغماتیستی نزدیک‌تر است؟

  - (۱) ما معیاری برای تفکیک باورهای درست از باورهای نادرست نداریم.
  - (۲) امکان شناخت واقعیت از طریق تجربه منتفی است.
  - (۳) نمی‌توان به طور مطلق گفت آب در صد درجه می‌جوشد.

۲۳۹۸. کدام یک از مکاتب زیر کمتر از دیگر مکاتب، رنگ فلسفی دارد؟

  - (۱) فلسفه مشاء
  - (۲) فلسفه اشراق
  - (۳) فلسفه متعالیه
  - (۴) فلسفه افلاطونی

۲۳۹۹. در کدام گزینه هر دو گزاره کاملاً درست هستند؟

  - (۱) افلاطون ابزار حسی را به این دلیل که قادر به درک جهان برتر نیست، نامعتبر می‌داند. - افلاطون معتقد است ابزار حسی صرفاً جهان سایه‌ها را نشان می‌دهد.
  - (۲) ابوعلی سینا و فارابی مانند افلاطون و ارسسطو فقط عقل را معتبر می‌دانستند. - این سینا در کتاب الاشارات و التنبیهات خود از ارتباط معرفت شهودی با فلسفه سخن می‌گوید.
  - (۳) ابوعلی سینا در کتاب الاشارات و التنبیهات خود به تبیین عرفان می‌پردازد. - فارابی برای شناخت وحیانی نیز اعتبار قائل بود.
  - (۴) افلاطون ابزار حسی را به این دلیل که قادر به درک جهان برتر نیست، نامعتبر می‌داند. - افلاطون و این سینا شناخت شهودی را در تبیین‌های فلسفی خود وارد نکرند.

(کانون فرهنگی آموزش)

۲۴۰۰. چند مورد از عبارت‌های زیر نادرست است؟

- الف) از دوره جدید اروپا به بعد، مسئله معرفت‌شناسی در کانون مباحث فلسفی اروپا قرار گرفت. این دوره از قرن شانزدهم آغاز شد.
- ب) تجربه‌گرایان تنها برای تجربه اهمیت قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند.
- ج) تأکید بر تجربه‌گرایی یکی از عوامل توجه دانشجویان به علوم تجربی شد و زمینه‌ساز پیشرفت‌های علمی گردید.
- د) دکارت از اولین فیلسوفانی بود که به اهمیت حس و تجربه اصرار می‌ورزید و به اصالت تجربه معتقد بود.

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۲۴۰۱. به ترتیب هریک از آثار «رساله منون، وحی یا شعور مرموز، الهیات شفا، طبیعتیات و رساله تئات» متعلق به کدام یک از دانشمندان است؟ (کانون فرهنگی آموزش)

- (۱) افلاطون - علامه طباطبایی - ابن‌سینا - ارسسطو - افلاطون
- (۲) علامه طباطبایی - علامه طباطبایی - ابن‌سینا - ارسسطو - ارسسطو
- (۳) افلاطون - ابن‌سینا - علامه طباطبایی - افلاطون - ارسسطو
- (۴) افلاطون - علامه طباطبایی - علامه طباطبایی - ارسسطو - افلاطون

۲۴۰۲. در کدام گزینه هر دو گزاره نادرست است؟ (کانون فرهنگی آموزش)

- (۱) فارابی وحی را مختص پیامبران می‌دانست و آن را به عنوان ابزار شناخت معتبر نمی‌شمرد. - ملاصدرا شیرازی راه شیخ اشراق را تکمیل کرد.
- (۲) سهروردی از فیلسوفان بزرگ قرن هفتم، نظام فلسفی خود را بر پایه الهامات شهودی بنا کرد. - عموم فیلسوفان مسلمان، عقل، حس، شهود و وحی را در جایگاه خود معتبر می‌دانستند.
- (۳) کانت بر آن است که نشان دهد معرفت چیزی جز حاصل همکاری عقل و حس نیست. - او گوست کنت اولین نفری بود که از اصطلاح پوزیتیویسم استفاده کرد.
- (۴) دوره جدید فلسفه در اروپا از قرن هفدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می‌شود. - کانت از نخستین فیلسوفانی بود که بر اهمیت حس و تجربه اصرار می‌ورزید.

۲۴۰۳. درست یا غلط بودن عبارات زیر در کدام گزینه به درستی مشخص شده است؟ (کانون فرهنگی آموزش)

- الف) به حاشیه رفتن استدلال عقلی به نسبی گرایی در حوزه‌هایی مانند هویت انسان، اخلاق، حقوق و دین انجامید.
- ب) سهروردی پایه بحث‌های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف و شرع گذاشت.
- ج) پراغماتیست‌ها معتقدند جریان مصلحت عملی امکان ورود به سایر علوم را دارد.
- د) پوزیتیویست‌ها معتقدند بودند اموری که از طریق تجربه قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولاً بی معناند.

(۱) ص - غ - ص - غ (۲) ص - غ - غ - ص (۳) غ - ص - ص - ص (۴) غ - ص - ص - ص

۲۴۰۴. درست یا غلط بودن گزاره‌های زیر در کدام گزینه به درستی مشخص شده است؟ (کانون فرهنگی آموزش)

- الف) ملاصدرا شیرازی فیلسوف بزرگ قرن دهم هجری راه شیخ اشراق را تکمیل کرد.
- ب) پراغماتیست‌ها معتقدند که از طریق تجربه نمی‌توان واقعیت را شناخت.
- ج) نسبی گرایان بر این باورند که شناخت در افراد مختلف، متفاوت است.
- د) نسبی گرایی در معرفت‌شناسی به تدریج باعث نسبی گرایی در دانش‌هایی از قبیل فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و پزشکی گشت.

(۱) ص - غ - ص - غ (۲) غ - ص - غ - غ (۳) ص - ص - غ - غ (۴) غ - غ - ص

۲۴۰۵. هر یک از فلاسفه زیر به ترتیب کدام شناخت را قبول دارند؟

- برگسون - اگوست کنت - کانت - ویلیام جیمز
- (۱) عقل - شهود - حس - حس
  - (۲) شهود - حس - عقل - حس
  - (۳) شهود - حس - شهود - حس

۲۴۰۶. هر یک از جملات زیر به ترتیب درباره کدام فیلسوف درست است؟

«پیشگام دوره جدید فلسفه اروپا - منصب قضایی در حد دیوان عالی - ارزیابی توانایی عقل بشر در دستیابی به معرفت - اعتقاد به گرفتاری علوم تجربی در خرافات‌های بیجا با پیروی از ارسسطو»

- (۱) بیکن - دکارت - کانت - بیکن
- (۲) دکارت - بیکن - کانت - بیکن
- (۳) کانت - دکارت - دکارت - کانت

۲۴۰۷. هر جمله بیان‌گر عقاید کدام گروه از فلاسفه است؟

«فرشتگان را به دلیل آنکه قابل دیدن نیستند، نمی‌توان پذیرفت. - شناخت طبیعت به ما کمک می‌کند تا خود را حفظ کنیم و ارزش شناختی ندارد. - کسی حق ندارد شناخت‌هایش را به صورت یقینی بیان کند، بلکه باید بگوید من این طور فکر می‌کنم. - عدم نیاز به تجربه در درک مفاهیم ذاتی.»

- (۱) پوزیتیویسم - پراغماتیسم - نسبیت‌گرایی - عقل‌گرایی
- (۲) پراغماتیسم - عقل‌گرایی - پوزیتیویسم - نسبیت‌گرایی
- (۳) نسبیت‌گرایی - پوزیتیویسم - پراغماتیسم - عقل‌گرایی

۲۴۰۸. کدام یک از رویکردها یا اشخاص زیر به واقعیت در عالم خارج اعتقاد ندارند؟

- (۱) پراغماتیسم
- (۲) پارمنیدس
- (۳) یوزیتیویسم
- (۴) پروتاگوراس

۲۴۰۹. کدام گزینه از اختلاف نظرهای رنه دکارت و فرانسیس بیکن نیست؟

- (۱) انسان به طور ذاتی معرفت‌هایی را با عقل در ک می‌کند  
 (۲) انسان در فهم نفس مجرد نیازی به حس و تجربه ندارد.  
 (۳) شناخت ما از جهان پیرامون با عقل به دست می‌آید.  
 (۴) انسان در شناخت از واقعیت‌های مسلم شروع می‌کند.

۲۴۱۰. عبارت زیر بیانگر نظریه معرفت‌شناسی کدام متفکر غرب است؟

«متفکران عقل گرا مانند عنکبوت‌هایی بودند که تارها یشان را از ماده‌ای نهفته در درون بدنشان می‌تنند. سازه‌های آنان جالب است، اما همه‌اش از درون سرچشمه می‌گیرد و ارتباط کافی با واقعیت بیرونی ندارد.»

- (۱) اگوست کنت  
 (۲) ویلیام جیمز  
 (۳) فرانسیس بیکن  
 (۴) ایمانوئل کانت

۲۴۱۱. کدام گزینه درباره جریان‌های فکری در دوره جدید اروپا نادرست است؟

- (۱) دکارت اعتقاد به وجود خدا را شناختی ذاتی و غیرتجربی می‌دانست.  
 (۲) از نظر بیکن فیلسوفان گذشته با پیروی از ارسطو، بیشتر بر استدلال عقلی تکیه کرده بودند.  
 (۳) با وجود قائل بودن دکارت به استدلال‌های عقلی محض، شناخت تجربی مورد انکار او قرار نمی‌گرفت.  
 (۴) کانت معتقد است که مفاهیمی مانند زمان و مکان حاصل همکاری عقل و حس هستند.

۲۴۱۲. صحیح یا غلط بودن عبارات زیر در کدام گزینه به درستی مشخص شده است؟

- الف) به حاشیه رفتن استدلال عقلی به نسبی گرایی در حوزه‌های مانند هویت انسان، اخلاق، حقوق و دین انجامید.  
 ب) نسبی گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود به شناختی می‌رسد؛ پس شناخت افراد عموماً تفاوتی با هم ندارد.  
 ج) پراغماتیست‌ها معتقد‌اند که جریان مصلحت عملی امکان ورود به سایر علوم را دارد.  
 د) پوزیتیویست‌ها معتقد‌بودند که اموری که از طریق تجربه قابل بررسی و ارزیابی نیستند، اصولاً بی معنا هستند.

- (۱) ص - غ - ص - غ      (۲) ص - ص - غ - غ      (۳) غ - غ - ص - ص      (۴) غ - ص - ص - ص

۲۴۱۳. کدام یک از جریان‌ها یا اشخاص زیر به اعتباری بودن اموری که در خارج مصدق ندارد، معتقد‌اند؟

- (۱) پروتاگوراس      (۲) نسبی گرایی      (۳) سوഫیطانیان      (۴) علامه طباطبائی

۲۴۱۴. کدام گزاره مبنای این نتیجه قرار می‌گیرد که حقیقت امری نسبی است؟

- (۱) جهان همواره در حال تغییر و تحول است.  
 (۲) حقیقت به معنای دانش ثابت هرگز به دست نمی‌آید.  
 (۳) حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد.  
 (۴) حقیقت به فرض به دست آمدن، قابلیت آموزش و انتقال به دیگری را ندارد.

یادداشت

پایه  
یازدهم

## ۲۲۴۹. ۳ برسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ دانشمند در هنگام بررسی داده‌های حسی این قاعده‌ها را در نظر دارد و از آن‌ها بهره می‌برد؛ نه اینکه در پی اثبات آن‌ها باشد.

گزینه ۲ این سینا توضیح داد که قانون علیت از تجربه به دست نمی‌آید؛ بلکه بر عکس، خودش پایه و اساس هر تجربه‌ای است.

گزینه ۳ درون‌نگری و شناخت درباره روح و روان که از طریق آن به دست می‌آید، حاصل تأمل نیروی عقل در یافته‌های درونی بوده و به علوم تجربی مربوط نیست.

## ۲۲۵۰. ۳ برسی عبارت‌های نادرست

قلب می‌تواند بی‌واسطه به حقایقی برسد و معرفت کسب کند. برای دریافت معرفت شهودی سیروسلوک و تهدیب نفس ضروری است.

عارف و سالک الی الله ممکن است بتواند در همین دنیا، آخرت و قسمت‌های مختلف آن از قبیل بهشت و جهنم را مشاهده کند، این قبیل مشاهدات از نوع شهود قلبی است و از طریق چشم صورت نمی‌گیرد.

## ۲۲۵۱. ۲ برسی عبارت‌های نادرست

عبارت ب عقل قادر است بدون استفاده از یافته‌های تجربی و صرفاً با تفکر و چینش استدلال، به حقایقی برسد و دانش‌هایی را پایه‌گذاری کند.

۲۲۵۲. ۳ شناخت‌های حسی متفاوت از اشیا این امکان را به انسان می‌دهد که به کمک عقل خود از اشیای متفاوت، استفاده‌های مختلف کند. این عمل به ما می‌فهماند که ما در تشخیص لیوان آب و ظرف غذا اشتباه نکرده‌ایم.

۲۲۵۳. ۳ در این گزینه یک شناخت تجربی آمده است که برای به دست آوردن از ابزار حس و عقل استفاده شده است. شناخت «مطالعه» و «موقفيت در آزمون» با ابزار حس فهم می‌شود و رابطه این دو با هم، با ابزار عقل و اصل علیت کشف می‌گردد.

**نکته:** شناخت تجربی ترکیبی از شناخت حسی و عقلی است.

## بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ در این گزینه فقط از ابزار حس (بینایی) استفاده شده است.

گزینه ۲ این شناخت، شناختی بی‌واسطه و بدون استفاده از ابزارهای شناخت است.

گزینه ۳ در این گزینه فقط از ابزار حس (بینایی) استفاده شده است.

۲۲۵۴. ۳ صرفنظر از اینکه با این گزاره‌ها موافق هستید یا مخالف، فکر می‌کنید گویندگان این جمله‌ها با چه ابزاری و از چه طریقی به آن‌ها پی بردند... طبق این جمله مهم نیست که گزاره را بپذیریم یا نه و تنها کافی است درباره ابزار رسیدن به آن بیندیشیم، چه با آن مخالف باشیم و چه موافق.

۲۲۵۵. ۳ حس؛ بر پایه آن زندگی می‌کنیم. عقل؛ یافته‌های آن اساس دانش‌های انسان است. قلب؛ به دور از استدلال عقلی حاصل می‌شود. وحی؛ دریافت انسان‌ها از یافته‌های آن متفاوت است.

۲۲۵۶. ۳ انسان دارای قوهای است که با آن تفکر و تعقل می‌کند. او با کمک این نیرو می‌تواند حقایقی را درک کند که توانایی آن از راه احساس ممکن نیست. همچنین شناخت حسی داده‌های حسی را در اختیار ما قرار می‌دهد که کسب آن از طریق عقل ناممکن است؛ بنابراین حاصل معرفت عقلانی و معرفت حسی نمی‌تواند یکی باشد. اما در گزینه‌های دیگر ابزارهای مختلف شناخت ممکن است معرفت یکسان در پی داشته باشند؛ مثلاً ممکن است عقل ضرورت معاد را ثابت کند و وحی نیز از برپایی قیامت خبر دهد (گزینه ۱)، یا ممکن است وحی و شهود هر دو به وجود خدا گواهی دهند (گزینه ۲)، و یا امکان دارد در کنار اثبات عقلانی خدا از راه شهود نیز به وجود او پی بریم (گزینه ۳).

۲۲۵۷. ۳ شناخت شهودی شناختی است که گام به گام شکل می‌گیرد. عقل انسان می‌تواند بدون استفاده از تجربه و آزمایش به حقایقی برسد. وحی به واسطه پیامبران به مردم می‌رسد. شناخت عقلانی هم شامل امور محسوس و هم غیرمحسوس می‌شود.

## ۲۲۵۸. ۳ برسی عبارت‌های نادرست

عبارت a عقل نمی‌تواند تمامی حقایق را از طریق تأمل در کتب الهی کشف کند. عبارت b شهود عارفانه توسط خود عارف انجام می‌شود، نه اینکه از سوی خداوند حقایق نازل شود.

۲۲۵۹. ۳ شناختی که از طریق تقویت ایمان ایجاد می‌شود، شناخت شهودی نام دارد. معرفت شهودی بدون هیچ گونه تجربه شکل می‌گیرد.

۲۲۶۰. ۱ عقل در عین حال که یکی از ابزارهای شناخت است، خودش مستقلًا متبوع شناخت و معرفت نیز می‌باشد.

## درس هشتم: نکاهی به تاریخچه معرفت

۲۲۶۱. ۳ ارسطو با تدوین منطق گام بزرگی در مقابله با سوفیست‌ها برداشت.

۲۲۶۲. ۲ در این دوره معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود. بیشتر این داشمندان به شناخت حسی اهمیت می‌دادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند.

۲۲۶۳. ۲ گروهی دیگر همچون هراکلیتوس چنین فکر می‌کردند که شناخت حسی معتبر است و به همین دلیل وجود حرکت را در عالم قبول داشتند. چون حرکت کردن قابل مشاهده حسی است. پس علت درست باور هراکلیتوس به معتبر بودن شناخت حسی است.

۲۲۶۴. ۱ پارمنیدس معتقد بود حرکت وجود ندارد؛ زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد.

۲۲۶۵. ۲ پارمنیدس از فیلسوفان پیش از سقراط در یونان باستان، از کانی بود که شناخت حسی را به دلیل خطاهایی که گاه در حواس رخ می‌دهد، معتبر نمی‌دانست و تنها برای شناخت عقلی ارزش قائل بود. به همین دلیل پارمنیدس معتقد بود که حرکت وجود ندارد؛ زیرا حرکت از طریق حواس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد.

۲۲۶۶. ۳ ارسطو علاوه بر معتبر شمردن ادراک حسی، استدلال کردن را یک کار معتبر عقلی می‌دانست که می‌توان از طریق آن امور ماورای حس را کشف و اثبات کرد.

## بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ سوفسطانیان می‌گفتند که اگر چیزی را حس می‌کنیم، به آن معنایست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر دهد.

گزینه ۲ افلاطون شناخت عقلی را برتر از شناخت حسی می‌دانست.

گزینه ۳ در دوران قبل از سقراط معرفت‌شناسی شاخه‌ای از فلسفه بود، نه بخشی مستقل.

۲۲۶۷. ۲ پارمنیدس معتقد بود که حرکت وجود ندارد؛ زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد. گروهی دیگر همچون هراکلیتوس چنین فکر می‌کردند که شناخت حسی معتبر است و به همین دلیل وجود حرکت را در عالم قبول داشتند، چون حرکت قابل مشاهده حسی است.

۲۲۶۸. ۳ پارمنیدس معتقد بود حرکت وجود ندارد؛ زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم شده و احتمال خطا در حس وجود دارد.

۲۲۶۹. ۳ در میان مجادلات طرفداران عقل و حس، حکیمانی مثل سقراط، افلاطون و ارسطو کوشیدند راههای معتبر شناخت و روش‌های رسیدن به آن را تبیین کرده و راههای گریز از خطا را هم توضیح دهند. ارسطو با تدوین منطق گامی مهم در این زمینه برداشت و توانست قواعد استدلال و شیوه‌های مصنون ماندن از خطا و مغالطه را آموزش دهد و مانع دچار شدن انسان‌ها به سفسطه شود. این حکما سعی در جهت هیچ نظریه‌ای نکردند، بلکه سعی کردند شناخت صحیح را بیابند. مصونیت از خطا فایده منطق است. منطق برای جلوگیری از خطای اندیشه، شیوه‌های مقابله با مغالطات را می‌آموزد.

۲۲۸۶. ۱ معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن، فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان صرفاً با انکا بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

۲۲۸۷. ۲ می‌دانیم که معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن، فلسفه اساساً وجود ندارد؛ یعنی نمی‌توان صرفاً با انکا بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

#### بررسی سایرگزینه‌ها

گزینه ۱ فلسفه اسلامی معرفت شهودی و وحیانی را نیز قبول دارند و هر کدام را در جای خود مفید می‌دانند (نه در همه موضع).

گزینه ۲ عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارد.

گزینه ۳ توجه شود که هر چند همه این روش‌ها معتبر هستند، اما به این معنی نیست که با انتخاب هر گدامشان به تنها یکی بتوانیم به معرفت فلسفی دست یابیم؛ بلکه در تداوم و تکمیل هم هستند.

**نکته:** اعتبارشان مستقل است، نه کارکردشان.

۲۲۸۸. ۲ معرفت شهودی از راه عقل به دست نمی‌آید.

**نکته:** معرفت شهودی مخصوص «قلب» یا «دل» است.

#### بررسی سایرگزینه‌ها

گزینه ۱ معرفت شهودی نوعی معرفت بی‌واسطه است، یعنی بدون استفاده از تجربه و آزمایش یا استدلال عقلی به دست نمی‌آید.

گزینه ۲ این معرفت از طریق تقویت ایمان و تهدیب نفس و با عبادت‌های خالصانه، به تدریج و گام‌به‌گام حاصل می‌شود.

گزینه ۳ برای دریافت معرفت شهودی، سیروسلوک و تهدیب نفس ضروری است.

۲۲۸۹. ۱ ملاصدرا در شیراز به دنیا آمد و در همین شهر شروع به تحصیل کرد. او سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان که مرکز سیاسی و علمی و فرهنگی آن دوره بود، رفت و نزد حکیمانی چون شیخ بهایی و میرداماد به تحصیل حکمت پرداخت.

۲۲۹۰. ۲ علامه طباطبایی می‌گوید: صدرالمتألهین پایه‌های بحث‌های علمی و

فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت.

۲۲۹۱. ۲ در دوره معاصر عموم فیلسوفان مسلمان بر این باورند که عقل و حس و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارد و در جای خود می‌توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند.

۲۲۹۲. ۲ ملاصدرا شیرازی فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری بود که راه شیخ اشراق را تکمیل کرد. او نزد حکیمانی چون شیخ بهایی و میرداماد به تحصیل حکمت پرداخت.

۲۲۹۳. ۱ ملاصدرا شناخت عقلی و شهودی را در کنار معرفت وحیانی قرار داده و اثبات می‌کند که عقل و وحی تأییدکننده یکدیگرند.

۲۲۹۴. ۱ دوره جدید فلسفه در اروپا از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و رنه دکارت آغاز می‌شود. بیکن آثار زیادی تألیف کرد، از جمله پیشرفت دانش، ارغون جدید، جنگل جنگل‌ها

۲۲۹۵. ۲ او معتقد بود در نتیجه این امر، علوم تجربی در خرافات و تعصباتی بیجا محصور شده و پیشرفت نکرده است.

۲۲۹۶. ۲ در این دوره تزان بر سر این بود که در کسب معرفت، حس و تجربه ارزش و اعتبار بیشتری دارد یا استدلال عقلی.

۲۲۹۷. ۱ بیکن آثار متعددی تألیف کرد، از جمله «پیشرفت دانش»، «ارغون جدید» و «جنگل جنگل‌ها». مورد اول از آثار دکارت است.

۲۲۷۰. ۳ پروتاگوراس معتقد بود که حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد.

۲۲۷۱. ۴ سوفسطائیان معتقد بودند که نه از راه حس و نه از راه عقل نمی‌توان به حقیقت رسید.

۲۲۷۲. ۲ نمی‌توان گفت از نظر سوفسطائیان حکمای پیشین یا هر فرد دیگری در شناخت حقیقت دچار خطای شده‌اند؛ چون آن‌ها معتقد بودند حقیقت امری نسی و شخصی است.

۲۲۷۳. ۳ هر جمله‌ای که بیانگر وجود یک واقعیت مستقل از ذهن باشد، بیانگر نظر سوفسطائیان نیست و به آن‌ها ربطی ندارد؛ زیرا آن‌ها معتقدند که واقعیت تابع ادراک انسان است (نه بر عکس).

۲۲۷۴. ۲ ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می‌دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان‌پذیر است؛ به همین دلیل از نظر او گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است؛ زیرا جهان صرفاً سایه‌ها را به ما نشان می‌دهد نه آن جهان برتر را.

۲۲۷۵. ۳ هراکلیتوس برخلاف پارمنیوس، شناخت حسی را کاملاً بی‌اعتبار نمی‌دانست. افلاطون عالم طبیعت را سایه عالم حقیقی می‌دانست نه خود آن.

۲۲۷۶. ۴ از نظر افلاطون ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می‌دهد و درک جهان برتر فقط با عقل و شهود امکان‌پذیر است، به همین دلیل از نظر او گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است؛ زیرا صرفاً جهان سایه‌ها را به ما نشان می‌دهد نه آن جهان برتر را.

۲۲۷۷. ۳ پارمنیوس ادراک حسی را فاقد اعتبار می‌دانست، اما از نظر افلاطون اگر اعتبار دارد، از درجه اهمیت کمتری برخوردار است. به نظر او درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان‌پذیر است.

۲۲۷۸. ۳ افلاطون شناخت حسی را هم معتبر می‌دانست.

۲۲۷۹. ۴ این دو فیلسوف برای شناخت وحیانی هم اعتبار خاصی قائل بودند و آن راهم یکی از راههای شناخت می‌دانستند که اختصاص به پیامبران دارد. این دو فیلسوف نیمنگاهی هم به شناخت شهودی داشتند، اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند. این سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد، اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخنی نمی‌گوید.

۲۲۸۰. ۳ این سینا در یکی از کتاب‌های خود (الاشارات و التنبيهات) که به تبیین عرفان می‌پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد؛ اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخنی نمی‌گوید.

۲۲۸۱. ۴ فارابی را به سبب جایگاه ممتازی که در حکمت و فلسفه دارد، معلم ثانی نامیده‌اند؛ همان‌طور که ارسسطو را معلم اول می‌گویند.

۲۲۸۲. ۳ این سینا و فارابی نیمنگاهی هم به شناخت شهودی داشتند، اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند. این سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد، اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخنی نمی‌گوید.

۲۲۸۳. ۴ فارابی و این سینا مانند افلاطون و ارسسطو حس و عقل را معتبر می‌دانستند و برای شناخت وحیانی به عنوان راه شناخت ویژه پیامبران ارزش قائل بودند؛ اما از شناخت شهودی در تبیین خود استفاده نکردند.

۲۲۸۴. ۳ سهوردی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

۲۲۸۵. ۱ سهوردی مشهور به شیخ اشراق، علاوه بر فلسفه در عرفان نیز تبحر داشته و در فلسفه خود بر معرفت شهودی تأکید دارد.

**۲۳۱۱.** ۱ آگوست کنت پوزیتیویست بود و مفاهیم تجربه‌نایابی را بی‌معنا می‌دانست، دکارت عقل گرا بوده و معتقد بود که انسان دارای معرفت‌های ذاتی است که از تجربه به دست نمی‌آید. برگسون تجربه‌گرایی است که به شهود عرفانی و بعد معنوی انسان اعتقاد دارد. کانت تلاش کرد هم اعتبار عقل و هم اعتبار حس را ثابت نماید. بیکن نیز فیلسوفی تجربه‌گرا بود و دنباله‌روی از ارسطو را علت عقب‌ماندگی علوم تجربی و خرافات می‌دانست.

**۲۳۱۲.** ۳ نسبی‌گرایان بر این باورند که هر فرد متناسب با ویژگی‌های خود درباره امور به شناختی می‌رسد که با شناخت فرد دیگر متفاوت است.

**۲۳۱۳.** ۲ در یونان باستان مبحث معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود. سوفسقان اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده بودند و معتقد بودند که حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد.

**۲۳۱۴.** ۲ سه‌روردی، برگسون و افلاطون هر چند بسیاری از نظراتشان با هم متفاوت است؛ اما هر سه برای بعد معنوی انسان، اهمیت بسیاری قائل‌اند.

**۲۳۱۵.** ۲ این سینا به صورت دقیق به توضیح معرفت شهودی می‌پردازد اما از آن در تحلیل‌های فلسفی خود استفاده نمی‌کند.

**۲۳۱۶.** ۲ هم بیکن و هم کانت به تجربه اهمیت می‌دهند، ولی بیکن به صرف تجربه و کانت به عقل و تجربه به صورت مشترک اهمیت می‌دهد. این جمله بیانگر عقاید دکارت است. کانت به دنبال آشتی دادن میان تفکر عقل‌گرا و حس‌گراست.

**۲۳۱۷.** ۲ «اولین دوره معرفت‌شناسی» به دوره یونان بازمی‌گردد. هرچند در این دوره، معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما «ارزش شناخت» و میزان انطباق شناخت انسان با «واقعیت» از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود. «این علم مستقل تبوده و بحث‌های ارزش شناخت و تطبیق با واقعیت اولین بار در خود یونان مطرح شده و « Sofsقان به سبب مغالطه‌هایی که برای آن‌ها رخ داده بود، اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سؤال برده و مدعی شدند که نه از راه حس و نه راه عقل، نمی‌توان به حقیقت رسید» مغالطه‌ها دلیل انکار امکان شناخت بود، نه نتیجه آن.

**۲۳۱۸.** ۲ پارمنیدس در حدود سال ۵۱۰ پیش از میلاد در آسیای صغیر متولد شده است. سقراط در جوانی او را ملاقات کرده است. پارمنیدس نظرات فلسفی خود را در قالب شعر می‌نوشت.

**۲۳۱۹.** ۱ دانشمندان و متغیرکنین پیش از سقراط، از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده‌اند. هر چند در این دوره معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود؛ اما «مسئله شناخت» و میزان انطباق آن با واقعیت مورد توجه دانشمندان پیش از سقراط قرار گرفته بود.

**۲۳۲۰.** ۲ هرالکلیتوس هم مائند پارمنیدس تغییر و تحول در محسوسات را تأیید می‌کرد. او با این وجود ادراک و شناخت حسی را معتبر می‌دانست، ولی این مورد به معنای مطلق بودن و تغییرنایابی این ادراک نیست.

**۲۳۲۱.** ۲ «درباره ارزش این راهها و توانایی آن‌ها در رساندن انسان به معرفت و شناخت همواره گفت و گو بوده است؛ بحث‌های فراوانی به خصوص درباره میزان توانایی حس و عقل میان فیلسوفان در شناخت واقعیت صورت گرفته است. گروهی به حس و گروهی دیگر به عقل اهمیت بیشتری داده‌اند و هر گروهی هم دلیلی برای مدعای خود اورده‌اند.»

**۲۳۲۲.** ۲ اولین دوره معرفت‌شناسی به دوره یونان بازمی‌گردد. هرچند در این دوره، معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما «ارزش شناخت» و «میزان انطباق شناخت انسان با واقعیت» از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود. پارمنیدس و هرالکلیتوس (فیلسوفان پیش‌سقراطی) در زمینه اعتبار شناخت حسی اختلاف نظر داشتند.

**۲۲۹۸.** ۳ کتاب‌های «رساله عالم»، «رساله گفتار در روش»، «تأملاتی در فلسفه» و «اصول فلسفه» از جمله آثار اولی اöst. گزینه ۳ از آثار کانت است.

**۲۲۹۹.** ۱ در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می‌شود، معرفت‌شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت.

**۲۳۰۰.** ۲ در دوره جدید فلسفه در اروپا که از قرن شانزدهم با پیشگامی فرانسیس بیکن و دکارت آغاز می‌شود، به معرفت‌شناسی توجه ویژه‌ای شد و از این دوره به بعد، مسئله معرفت‌شناسی در کانون مباحثات فلسفی قرار گرفت. در این بحث و جدال فلسفی، نزاع بر سر این بود که در کسب معرفت، آیا برای حس و تجربه اهمیت بیشتری قائل بودند و آن را اساس کسب معرفت می‌دانستند به «تجربه‌گرایان» و گروهی که به عقل و استدلال عقلی اهمیت می‌دادند، به «عقل‌گرایان» معروف شدند.

**۲۳۰۱.** ۱ کانت عقیده داشت که قوه ادراکی انسان تصوراتی مثل زمان و مکان و مفاهیمی مانند علیت را نزد خود دارد.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۲ از منظر کانت عقل زمان را به تنها‌ی درک می‌کند.

گزینه ۳ کانت فیلسوف قرن هجدهم بود.

**۲۳۰۲.** ۲ کانت با طرح دیدگاهی جدید کوشید بین این دو گرایش را آشتی دهد و نشان دهد که معرفت، حاصل همکاری عقل و حس است. بهطور کلی جریان تجربه‌گرایی، که امروزه قالبهای جدیدی یافته، همچنان بر عقل‌گرایی غلبه دارد.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ آن‌ها تنها راه رسیدن به شناخت و معرفت را تجربه می‌دانستند و به راه دیگری برای رسیدن به شناخت قائل نبودند.

گزینه ۴ آن‌ها مفاهیمی مانند اختیار، خدا و نفس را قابل بررسی علمی نمی‌دانستند.

گزینه ۵ آگوست کنت فیلسوف قرن نوزدهم است.

**۲۳۰۴.** ۱ آگوست کنت در سال ۱۷۸۹ در فرانسه به دنیا آمد و در مدرسه پلی‌تکنیک پاریس تحصیل کرد. او کتاب‌هایی درباره مکتب فلسفی خود (پوزیتیویسم) نوشت؛ مانند «فلسفه پوزیتیویسم»، «گفتار درباره نگرش پوزیتیویسم»، «نظام سیاست پوزیتیویستی» و «شرعيات پوزیتیویستی».

گزینه ۶ کنت تنها راه رسیدن به شناخت را حس و تجربه می‌دانست.

**۲۳۰۶.** ۱ این جریان فکری نیز در اصل مبنی بر تجربه‌گرایی است. ولی معتقدند که ما برخلاف دیگر تجربه‌گرایان، به دنبال کشف واقعیت نیستیم؛ بلکه برای ما فقط مفید بودن مهم است. (باوری مفید است که در عمل به کار می‌باید.)

عبارت‌های بیان شده در گزینه ۲ درست هستند.

**۲۳۰۷.** ۲ یکی از مؤسسان پوزیتیویسم که این اصطلاح را نیز برای اولین بار استفاده کرده، او گوست کنت، فیلسوف فرانسوی قرن هجدهم است.

ویلیام جیمز از مدافعان اصلی پراغماتیسم و به عبارتی بنیان‌گذار این مکتب فلسفی بود.

**۲۳۰۹.** ۲ از نظر پراغماتیست‌ها مانیازمند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار می‌بایند و سودمندی خود را نشان دهنند. پس مفید بودن در عمل به معنی درست بودن است.

**۲۳۱۰.** ۳ از نظر کانت، معرفت حاصل همکاری عقل و حس است و انسان آنچه را که از طریق حس به او می‌رسد، در قالب مفاهیم قرار می‌دهد و درک می‌کند (رد گزینه‌های ۲ و ۴). دکارت بر عکس بیکن معتقد بود که انسان به طور ذاتی معرفت‌هایی دارد که آن‌ها را با عقل درک می‌کند؛ مانند اعتقاد به نفس مجرد وجود خدا. (رد گزینه ۱)

**۲۳۳۳.** ۱ نمی‌توان گفت از نظر سوفسطائیان حکمای پیشین و یا هر فرد دیگری در شناخت حقیقت دچار خطا شده‌اند؛ چون آن‌ها معتقد به نسبی بودن شناخت بودند و شناخت حقیقت را امری شخصی و فردی می‌دانستند.

**۲۳۳۴.** ۲ هر جمله‌ای که بیانگر وجود یک واقعیت مستقل از ذهن باشد، بیانگر نظر سوفسطائیان نیست؛ چون آن‌ها معتقدند که واقعیت تابع درک انسان است (نه بر عکس)، در این جمله قائل به واقعیت هستیم که ادراک انسان مطابق با آن باشد یا نباشد. در صورتی که آن‌ها می‌گویند ادراک انسان هرچه می‌خواهد باشد، برای خودش واقعیت است.

**۲۳۳۵.** ۱ پروتاگوراس برخلاف گرجیاس شناخت را دست‌یافتنی می‌دانست؛ اما معتقد بود که آن نسبی است.

**۲۳۳۶.** ۲ افلاطون در رساله‌های منون، جمهور و تئتوس بیشتر به معرفت‌شناسی پرداخته است.

**۲۳۳۷.** ۳ اگر انسان به آن جهان برتر راه یابد، می‌تواند حقایق آن را نظاره کند. از نظر افلاطون، ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می‌دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان‌پذیر است، به همین دلیل از نظر او گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخودار است. انسان باید به جهان برتر برود تا بتواند حقایق را نظاره کند.

این عالم با حس قابل شناخت است. افلاطون حس را در شناخت این جهان قبول دارد. افلاطون علاوه بر عقل، شهود را هم منبع صحیحی می‌داند.

**۲۳۳۸.** ۴ از نظر افلاطون حس گرچه اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است؛ زیرا صرفاً جهان سایه‌های را به ما نشان می‌دهد، نه آن جهان برتر را.

**۲۳۳۹.** ۳ افلاطون در رساله‌های منون، جمهور و تئتوس بیشتر به معرفت‌شناسی پرداخته است.

**۲۳۴۰.** ۱ از نظر افلاطون ابزار حسی فقط توانایی درک این جهان را به انسان می‌دهد و درک جهان برتر تنها با عقل و شهود امکان‌پذیر است به همین دلیل از نظر او گرچه حس اعتبار دارد، اما از درجه اهمیت کمتری برخوردار است، زیرا صرفاً جهان سایه‌های را به ما نشان می‌دهد و نه آن جهان برتر را. با توجه به اینکه حقیقت عبارت است از باور مطابق با واقع، می‌توان گفت از نظر افلاطون ابزار حسی توانایی درک باورهایی مطابق با واقع یا به عبارت دیگر حقیقت‌هایی در خصوص عالم محسوسات را دارد.

**۲۳۴۱.** ۲ افلاطون معتقد بود که عقل می‌تواند جهان برتر از طبیعت را بشناسد. (نه اینکه هر آنچه می‌شناسد، ورای طبیعت است).

**۲۳۴۲.** ۳ این نظریه (گزینه ۳)، نظریه مربوط به پارمنیدس است.

**۲۳۴۳.** ۳ ارسطو اولین کسی است که کوشید با تدوین و آموزش شیوه‌های مقابله با مغالطه، یعنی داشت منطق، با مغالطه‌گران زمان خود رویه‌رو شود.

**۲۳۴۴.** ۲ این سینا و فارابی نیم‌نگاهی هم به شناخت شهودی داشتند، اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

#### بررسی عبارت‌های نادرست

عبارت **۱** این سینا در یکی از کتاب‌های خود ضمن اشاره به عرفان بهطور دقیق معرفت شهودی را شرح می‌دهد.

عبارت **۲** آن‌ها شناخت وحیانی را مختص به پیامبران می‌دانستند نه شناخت شهودی را.

**۲۳۴۵.** ۳ این سینا در یکی از کتاب‌های خود که به تبیین عرفان می‌بردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد؛ اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخن نمی‌گوید.

**۲۳۴۶.** ۳ سه‌روردی می‌کوشید آنچه از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

**۲۳۲۳.** ۳ هرچند در آغاز، معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود، اما «ارزش شناخت» و «میزان انطباق شناخت انسان با واقعیت» از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب می‌کند. «اعتبار شناخت حسی» نیز موضوعی بود که توجه اندیشمندانی چون پارمنیدس و هراکلیتوس را به خود جلب کرده بود.

**۲۳۲۴.** ۴ پروتاگوراس برخلاف گرجیاس شناخت را دست‌یافتنی، اما آن را امری نسبی می‌داند از لوازم و نتایج این آموزه این است که آموزش امکان‌پذیر نیست و این نظر توسط گرجیاس تأیید شد.

**۲۳۲۵.** ۱ پروتاگوراس می‌گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر فرد به آن گواهی می‌دهد؛ یعنی هر چیزی، برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می‌رود، حتی اگر برای کسی دیگر چنین نباشد. توجه شود که سوفیست‌ها پیش از هر چیز وجود یک واقعیت مستقل از ذهن را انکار می‌کنند.

این اصل پایه شناخت است. آن‌ها می‌گویند واقعیت تابع درک انسان است، نه درک انسان تابع واقعیت؛ بنابراین جملاتی که بیانگر وجود یک واقعیت مستقل از ذهن باشند و حصول شناخت را در تطابق با آن بینند، بیانگر نظر سوفیست‌ها نیستند.

**۲۳۲۶.** ۴ پروتاگوراس که طرز تلقی سوفسطائیان را داشت، می‌گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد؛ یعنی هر چیزی برای کسی دیگر چنین نباشد؛ بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد.

**۲۳۲۷.** ۴ البته که از نتایج نظرات پروتاگوراس این است که هرگونه آموزش و بحث بی‌فایده است، اما از آنجا که او حقیقت را نسبی می‌دانست و عقیده داشت که می‌تواند نسبت به هر کسی متفاوت باشد، پس دست کم به تعداد انسان‌ها حقیقت وجود دارد. از این‌رو حقیقتی می‌تواند نقیض حقیقتی دیگر باشد.

**۲۳۲۸.** ۱ افلاطون در رسالت ثاتت می‌گوید به اعتقاد پروتاگوراس «انسان مقیاس همه چیزهایست، مقیاس بودن چیزهایی که هستند و مقیاس نبودن چیزهایی که نیستند».

**۲۳۲۹.** ۱ سوفسطائیان اصل امکان شناخت واقعیت را زیر سوال بودند. پروتاگوراس می‌گفت حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد؛ پس تمی‌توان گفت او معتقد بوده است حقیقت وجود ندارد.

**۲۳۳۰.** ۲ در این گونه سوالات به قصد، هدف و انگیزه گوینده عبارت دقت کنید. هدف از جمله گزینه دوم چیست؟

به بیان بهتر غرض این سخن نفی چه چیزی است؟ بله؛ ادراک حسی – در واقع این سخن از طرف فیلسوفان (مثلًا افلاطون یا پارمنیدس) در ضعف و نارسایی ادراک حسی بیان شده است. البته به این هم دقت کنید که قرار نیست سخنانی که از طرف افراد غیر سوفسطائی گفته شده حتماً با نظرات آن‌ها متناقض باشد. الان اگر فیلسوفان این جمله را بگویند، سوفسطائی آن را انکار نمی‌کند. بحث این است که سوفسطائی اصلاً قائل به یک حقیقت مستقل نیست که حالانگران باشد ادراک حسی به آن می‌رسد یا نمی‌رسد.

**۲۳۳۱.** ۱ پروتاگوراس معتقد بود که حقیقت نسبی است و از لوازم و نتایج این آموزه بیهوده و امکان‌پذیر نبودن آموزش است که توسط گرجیاس تأیید شد؛ پس نتیجه نظر پروتاگوراس توسط گرجیاس تأیید شد و نمی‌توان گفت که نظرات پروتاگوراس و گرجیاس هیچ اشتراکی ندارند.

**۲۳۳۲.** ۲ حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد (یعنی او به حواس و حقیقت باور دارد)؛ یعنی هر چیزی برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می‌رود، حتی اگر برای کسی دیگر چنین نباشد؛ بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد (حقیقت نسبی). پروتاگوراس اعتقاد داشت که اشیا، هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند، در آن نوبت همان‌طور هستند و هر طور که به نظر تو می‌آیند، برای تو نیز همان‌طور هستند.

۲۳۵۸ شیخ اشراق در فلسفه خود شناخت وحیانی را وارد نمی‌کند.

۲۳۵۹ کسی که در عبارت «ب» توصیف شده است در نظر سهورودی فیلسوفی ناقص و کم‌قدر خواهد بود؛ بنابراین درست نیست که بگوییم او معتقد بوده است چنین کسی فیلسوف نیست.

**نکته:** سهورودی در پی این بود که نظام فلسفی خود را بر پایه الهامات شهودی بنا کند و می‌کوشید آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند؛ بنابراین این الهامات به خودی خود از تبیین استدلالی برخوردار نیستند و عبارت «الف» درست است.

۲۳۶۰ ملاصدرا میان روش‌های گوناگون فکری (نظیر عقل و معارف وحیانی) پیوند برقرار کرد. به عبارتی دیگر فلسفه او نقطه اتصال این روش‌ها است، اما فلسفه او فلسفه‌ای التقاطی و ترکیبی نیست و نمی‌توان گفت او این روش‌ها را درهم آمیخت.

۲۳۶۱ سهورودی کوشید آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند؛ پس درواقع او شهود را بر برهان عقلی مقدم می‌دانست. اما ملاصدرا هر دو روش عقل و شهود را با هم به کار برد و هیچ‌یک را بر دیگری مقدم نمی‌داند.

**نکته:** جمله اول مربوط به عرفان نیست. آن‌ها برهان عقلی را بی‌اعتبار می‌دانستند، نه اینکه شهود را بر آن مقدم بدانند.

۲۳۶۲ ملاصدرا پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقض میان داده‌های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأییدکننده یکدیگرند.

۲۳۶۳ در دوره معاصر، عموم فیلسوفان مسلمان نظر علامه طباطبائی را قبول دارند و معتقدند که عقل و حسن و نیز شهود و وحی هر کدام در جایگاه خود اعتبار دارند و در جای خود می‌توانند ابزاری برای کسب معرفت باشند.

البته می‌دانیم که معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد، یعنی نمی‌توان صرفاً با انکاء بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

۲۳۶۴ ارسطو شاگرد افلاطون بود. وی علاوه بر تبحر در فلسفه، یک دانشمند علوم طبیعی نیز شمرده می‌شد. به همین دلیل علاوه بر فلسفه، در طبیعت‌شناسی و ریاضیات هم کتاب نوشته است. «ابن‌سینا» کتاب‌های متعددی هم در فلسفه و هم در علوم طبیعی دارد که همواره مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی بوده است. «پروتاگوراس» اعتقاد داشت که اشیا هر طوری که در هر نوبت به نظر من می‌آیند، در آن نوبت همان‌طور هستند و هر طور که به نظر تو می‌آیند برای تو نیز همان‌طور هستند.

۲۳۶۵ معرفت فلسفی متکی بر استدلال عقلی است و بدون آن فلسفه اساساً وجود ندارد، یعنی نمی‌توان صرفاً با انکاء بر تجربه یا شهود قلبی یا وحی به معرفت فلسفی رسید.

۲۳۶۶ همان‌گونه که عارفی که فاقد نیروی تفکر و تحلیل عقلی است یک عارف ناقص است، فیلسوف و جستجوگر حقیقت هم اگر اسرار الهی را به صورت مستقیم و بی‌واسطه تجربه نکند، فیلسوفی ناقص و کم‌قدر خواهد بود.

۲۳۶۷ فارابی و ابن‌سینا نیم‌نگاهی هم به شناخت شهودی داشتند؛ اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کردند.

۲۳۶۸ عبارت گزینه «۴» ارتباطی با اعتبار حسن و عقل نداشته و در رابطه با اعتبار معرفت شهودی و تأیید آن توسط عقل است.

۲۳۶۹ ملاصدرا معتقد است که عقل و وحی تأییدکننده یکدیگرند. (با هم تناقض ندارند، نه اینکه هر دو تماماً از یک چیز سخن بگویند).

۲۳۴۷ سهورودی بر معرفت شهودی تأکید بسیاری کرد و کوشید آنچه را که از طریق اشراق و به صورت الهامات شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا کند.

۲۳۴۸ ابن‌سینا در یکی از کتاب‌هایی که به تبیین عرفان می‌پردازد، به طور دقیق معرفت شهودی را توضیح می‌دهد؛ اما از ارتباط آن با فلسفه و استدلال‌های فلسفی سخن می‌گوید، درحالی که شیخ اشراق باید آنچه از طریق الهام شهودی به دست آورده بود، تبیین استدلالی کند و در نهایت نظام فلسفی خود را بر پایه آن شهودها بنا نماید.

#### بررسی عبارت‌ها ۲۳۴۹

عبارت **الف** شیخ بر این عقیده است که فلسفه بدون معرفت شهودی به جای نمی‌رسد، نه اینکه به جایگاهی می‌رسد.

عبارت **ب** سهورودی می‌کوشید نظام فلسفی خود را بر پایه شهودها بنا نماید.

عبارت **ج** هر دو در نظر او برابرند، یکی عارفی ناقص و دیگری فیلسوفی ناقص است. پس تنها گزاره «ب» درست است.

۲۳۵۰ ملاصدرا اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده‌های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد.

۲۳۵۱ جملات بیانگر نظرات ملاصدرا و حکمای معاصر نباید بیانگر یک رابطه عرضی بین عقل و شهود و دین باشد؛ چون بر همان عقلی مجرد کشف و شهود عرفانی به حقیقت راه نمی‌برد و برای رسیدن به حقیقت هم عقل و هم عرفان باید منطبق بر وحی و سنت و معارف باشند. پس نمی‌توان گفت که هر کدام از روش‌ها، راهی مطمئن برای دستیابی به حقیقت است. رسیدن عقل به مضمین دینی مشروط به رعایت موازین منطقی است؛ پس نمی‌توان گفت از نظر ملاصدرا و حکمای معاصر عقل در هر شرایطی خلاف یازدهم دین نمی‌فهمد.

۲۳۵۲ ابن‌سینا هم حسن و هم عقل را معتبر می‌دانست و نیم‌نگاهی به شناخت شهودی داشت؛ اما آن را در تبیین فلسفی خود وارد نمی‌کرد. ملاصدرا توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد و دستگاه فلسفی او در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است از شهود و اشراق نیز بهره‌مند است.

۲۳۵۳ آثار دکارت: رساله علم - رساله گفتار در روش - تأملاتی در فلسفه اولی - اصول فلسفه

مبداً و معاد نیز اثر بر جسته ملاصدراست.

۲۳۵۴ ملاصدرا در کتاب مبداً و معاد می‌گوید: افسوس به حال فلسفه‌ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد. این یعنی او معتقد است که چنین فلسفه‌ای وجود دارد؛ زیرا اظهار تأسف برای چیزی که وجود ندارد، بی‌معناست.

۲۳۵۵ ملاصدرا در کتاب «مبداً و معاد» می‌گوید: «عقل و دین در همهٔ احکام خود با هم تعطیق دارند و حاشا که احکام شریعت انور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه‌ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد».

۲۳۵۶ صدرالمتألهین پایهٔ بحث‌های علمی و فلسفی خود را روی پیوند میان عقل و کشف (شهود) و شرع (وحی و سنت) گذاشت و در راه کشف حقایق الهیات از مقدمات برهانی و مطالب کشفی (شهودی) و موارد قطعی دینی (آنچه از قرآن و حدیث به دست می‌آید) استفاده نمود. اگرچه ریشه این نظر در کلمات معلم ثانی (ایونصر فارابی)، ابن‌سینا، شیخ اشراق و خواجه نصیر طوسی نیز به چشم می‌خورد.

۲۳۵۷ از نظر ملاصدرا عقل و دین در همهٔ احکام خود با هم تعطیق دارند و نمی‌شود که پیامبر خدا(ص) حکمی برخلاف عقل (عقل و بدون مغالطة) دهد.

## ۱۸ فلسفه بازدهم درس هشتم

( زمان پیشنهادی: ۱۵ دقیقه )

۳۹۲۲. معیار اصلی تعیین «ارزش شناخت» کدام مورد است؟

۱) پایدار بودن اموری که موضوع شناخت قرار می‌گیرند.

۳) رعایت قواعد استدلال و گرفتار نشدن در مغالطات

۳۹۲۳. به چه علت حکیم ابونصر فارابی را «علم ثانی» نامیده‌اند؟

۱) مهارت خاص او در منطق ارسطو

۳) گردآوری میراث یونانیان در حوزه‌ای جدید

۳۹۲۴. هر یک از انواع شناخت‌های زیر به ترتیب مورد قبول کدام فیلسوف است؟

«حس - عقل - شهود - وحی»

۱) پارمنیدس - افلاطون - ابن‌سینا - فارابی

۳) هراکلیتوس - فارابی - سقراط - پارمنیدس

۳۹۲۵. کدام گزینه پیرامون جریان پرآگماتیسم درست است؟

۱) تجربه می‌تواند قانون «آب در صد درجه به جوش می‌آید» را به عنوان یک واقعیت علمی ثابت کند.

۲) هدف از کشف قوانینی است که ما را به سمت واقعیت سوق دهد.

۳) قانون «فلز بر اثر حرارت منبسط می‌شود» در صنعت فلزات به ما کمک می‌کند؛ پس قانون درستی است.

۴) دانشی که با واقعیت مطابقت نداشته باشد برای ما مفید نیست.

۳۹۲۶. در کدام گزینه گزاره درستی در ارتباط با اولین دوره معرفت‌شناسی بیان شده است؟

۱) این دوره به یونان بازمی‌گردد، در این دوره معرفت‌شناسی به صورت علمی مستقل مطرح شد.

۲) در این دوره «ارزش شناخت» و میزان انتظام شناخت بشر با «فضیلت» از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.

۳) پارمنیدس از فیلسوفان پس از سقراط، در این دوره شناخت حسی را فاقد اعتبار می‌دانست.

۴) گروهی همچون هراکلیتوس در این دوره شناخت حسی را معتبر می‌دانستند و وجود حرکت را قبول داشتند.

۳۹۲۷. به ترتیب چه کسانی معتقد بودند که «حقیقت امری یکسان نیست» و «حرکت وجود ندارد»؟

۱) پروتاگوراس - افلاطون      ۲) هراکلیتوس - پارمنیدس      ۳) پروتاگوراس - افلاطون      ۴) هراکلیتوس - پارمنیدس

۳۹۲۸. کدام گزینه بیانگر تفاوت میان روش سهپروردی و روش ملاصدرا در دستگاه‌های فلسفی خود است؟ استفاده از

۱) معرفت عقلی      ۲) معرفت شهودی      ۳) معرفت وحیانی      ۴) معرفت تجربی

۳۹۲۹. عبارت زیر بیانگر کدام اندیشه‌مند و فیلسوف اسلامی است؟

او توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بیان کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره‌مند است.

۱) ملاصدرا      ۲) سهپروردی      ۳) فارابی      ۴) ابن‌سینا

۳۹۳۰. به کارگیری هر دو روش برهان عقلی و شهود قلبی با یکدیگر توسط

۱) ملاصدرا - شهود قلبی      ۲) سهپروردی - شهود قلبی

۳۹۳۱. کدام یک با نظر پیروان احالت عمل، ناسازگار است؟

۱) هدف انسان کشف واقعیت نیست.

۳) انسان نیازمند باورهای مفید است که در عمل سودمند باشند.

۳۹۳۲. مهم‌ترین کتاب ایمانوئل کانت نام دارد که در آن به

۱) نقد عقل محض - ارزیابی توانایی عقل در شناخت معرفت

۳) نقد قوه حکم - ارزیابی توانایی عقل در شناخت و معرفت

۳۹۳۳. ملاصدرا کدام نوع فلسفه را سزاوار افسوس می‌داند؟

۱) فلسفه‌ای که شهود و درک قلبی را نادیده می‌گیرد.

۳) فلسفه‌ای که با کتاب و سنت تطابق نداشته باشد.

۳۹۳۴. کدام گزینه از اقدامات جناب ملاصدرا نیست؟

۱) ادامه دادن و تکمیل مسیری که شیخ اشراق آن را آغاز کرد.

۲) او اثبات کرد که بین معارف صحیح عقلی و وحی هیچ تعارضی وجود ندارد و آن دو تأیید‌کننده یکدیگر هستند.

۳) دستگاه فلسفی او همانند شیخ اشراق هویتی کاملاً شهودی داشت.

۴) او معرفت عقلی و شهودی را به بهترین نحو در کنار یکدیگر به کار برد.

۳۹۳۵. کدام گزینه درباره نظر پروتاگوراس نادرست است؟

- ۱) حقیقت نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد و نسبی است.
- ۲) حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد.
- ۳) شناختی که توسط حواس هر انسان بدست می‌آید، پایدار و یقینی است.
- ۴) هر آنچه که ما درک می‌کنیم فقط در همان زمان است که حقیقت دارد.

۳۹۳۶. به ترتیب هر یک از فلسفه‌ها بنویسنا – ارسسطو – افلاطون – سقراط، کدام شناخت را قبول دارند؟

- ۱) وحی - عقل - شهود - حس
- ۲) عقل - شهود - عقل - وحی
- ۳) شهود - عقل - وحی - شهود
- ۴) حس - وحی - عقل - شهود

(کانون فرهنگی آموزش)

## ۱۹ فلسفه پازدهم درس نهم

۳۹۳۷. درباره انسان‌شناسی فلسفی می‌توان گفت

- ۱) یکی از رابطه‌های متافیزیک با رشته‌های مختلف معرفت است.
- ۲) مباحث آن از سخن مباحثی است که در کتاب ارسسطو بعد از کتاب فیزیک آمده است.
- ۳) خودشناسی نمی‌تواند معادل مناسبی برای آن باشد.
- ۴) گزینه‌های ۱۱ و ۱۲

۳۹۳۸. کدام گزینه صحیح است؟

- ۱) آثار افلاطون متعکس کننده افکار سقراط است؛ پس اولین کسی که در آن دوران درباره حقیقت نفس سخن گفته، افلاطون است.
- ۲) افلاطون عقل را عضوی از بدن نمی‌دانست، زیرا نفس را جزوی از عقلاتیت بیان می‌داشت.
- ۳) نفس در نظر افلاطون حقیقت برتر انسان است.
- ۴) ارسسطو برای بدن حیاتی جداگانه از نفس قائل بود.

(کانون فرهنگی آموزش)

۳۹۳۹. کدام گزینه در مورد تفکر فلسفی درباره انسان صحیح است؟

- ۱) این بحث از مباحث مربوط به فلسفه و از زیرمجموعه‌های فلسفه مضاف است.
- ۲) این بحث معادل مبحث خودشناسی است که در مباحث تربیتی در گذشته نیز به کار برده می‌شد.
- ۳) این بحث شاخه‌ای از فلسفه است که به مسائل روزمره و شناختی می‌پردازد.
- ۴) این بحث از زیرمجموعه‌های فلسفه‌های مضاف است که درباره شناخت خصلت‌ها و ویژگی‌های هر فرد از خود به کار برده می‌شود.

۳۹۴۰. از نظر ارسسطو نفس آدمی حالتی دارد که این سخن با نظر افلاطون است.

- ۱) بالقوه - مخالف
- ۲) بالفعل - موافق
- ۳) بالفعل - مخالف
- ۴) بالقوه - موافق

۳۹۴۱. اعتقاد به اینکه زندگی در اجتماع، انسان را وادار به رعایت اخلاقیات کرده، به صاحبان کدام مکتب مربوط می‌شود؟

- ۱) داروینیست‌ها
- ۲) پوزیتیویست‌های اروپایی
- ۳) برآگماتیست‌ها
- ۴) پوزیتیویست‌ها

۳۹۴۲. کدام خصوصیت از اختلافات نفس و جسم نیست؟

- ۱) فنان‌پذیری
- ۲) قبلیت نمو
- ۳) مشاهده‌پذیری
- ۴) احتیاج به مراقبت

(کانون فرهنگی آموزش)

۳۹۴۳. به ترتیب هر یک از آثار «تاریخ فلسفه – تأملات» به کدام فیلسوفان تعلق دارد؟

- ۱) کاپلستون - بیکن
- ۲) کاپلستون - ملاصدرا
- ۳) کاپلستون - دکارت
- ۴) علامه طباطبائی - دکارت

(کانون فرهنگی آموزش)

۳۹۴۴. کدام گزینه در راستای نظریات دکارت در باب نفس و بدن درست نیست؟

- ۱) منظور دکارت از «من»، مرکز افکار و اندیشه‌هایست.
- ۲) پیوستگی ذهن و بدن با یکدیگر غیرقابل تفکیک است.
- ۳) «من» دکارت، قوه استدلال و اثبات دارد.
- ۴) از دیدگاه دکارت ذهن آزاد است.

۳۹۴۵. کدام گزینه در رابطه با نظرات ماتریالیست‌ها نادرست است؟

- ۱) همه چیز از جمله انسان از نوعی ماده ساخته شده است.
- ۲) فعالیت‌های ذهنی و روحی مستقل از ماده وجود ندارند.
- ۳) ذهن تنها مجموعه‌ای از سلول‌های است که افکار را به هم مرتبط می‌کند.
- ۴) انسان همانند ماشین است و بین آن دو هیچ تفاوتی وجود ندارد.

۳۹۴۶. حوزه کاری چارلز داروین بود و در قرون نظریه را ارائه داد.

- ۱) فلسفه - هجدهم - جبر در زندگی بشری
- ۲) علوم طبیعی - هجدهم - اصالت ماده
- ۳) فلسفه - نوزدهم - جبر در زندگی بشری
- ۴) علوم طبیعی - نوزدهم - تحول تدریجی انواع

۳۹۴۷. کدام مورد طبق نظر ارسسطو از ویژگی‌های مشترک انسان و حیوان نیست؟

- ۱) دیدن دیگر موجودات
- ۲) عمل کردن بر اساس درک از شنیده‌ها
- ۳) میل به خوردن غذا
- ۴) نتیجه‌گیری بر اساس شباهت موقعیت‌ها

## آزمون هجدهم

۳۹۳۴. ۱ راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و اشراق نیز بهره‌مند است. او همچنین پیوند مستحکمی میان فلسفه و معرفت وحیانی برقرار کرد و اثبات کرد که تضاد و تناقضی میان داده‌های مستدل و یقینی عقل و معارف وحیانی وجود ندارد و بالعکس عقل و وحی تأیید کننده یکدیگرند. هویت اصلی دستگاه فلسفی او عقلانی بود.

۳۹۳۵. ۱ پروتاگوراس می‌گفت حقیقت تابع ادراک انسان است، اما منکر عدم پایداری و یقینی نبودن (خطاپذیر بودن) شناخت حسی نبود. به عبارت دیگر نمی‌توانیم بگوییم او آنچه از حواس به دست می‌آید را پایدار و یقینی می‌داند. مسئله پروتاگوراس پایداری و یقینی بودن شناخت نیست؛ چراکه طبیعی است ادراک حسی فاقد پایداری باشد. پروتاگوراس چون پایداری و یقین را برای شناخت لازم نمی‌داند، به راحتی ادراک حسی را منبعی مونق برای شناخت درست می‌داند.

۳۹۳۶. ۱ شناخت‌های مورد قبول افراد مذکور از ابتداء عبارت‌اند از:

پارمنیوس: تنها عقل

هراکلیتوس: تنها حس

سوفسطانیان: هیچ یک معتبر نیست.

سقراط و ارسطو: حس و عقل

افلاطون: حس، عقل و شهود

فارابی و ابن‌سینا: عقل، حس، شهود و وحی

## آزمون نوزدهم

۳۹۳۷. ۱ تفکر فلسفی درباره انسان یا انسان‌شناسی فلسفی یکی از مباحث مربوط به فلسفه است که زیرمجموعه فلسفه‌های اولیٰ قرار می‌گیرد و ما می‌دانیم که فلسفه‌های مضاعف رابطه فلسفه اولیٰ (متافیزیک) با رشته‌های مختلف داشت و معرفت‌اند.

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۲ مباحثی که در کتاب ارسطو پس از کتاب فیزیک آمده‌اند در حیطه فلسفه اولیٰ می‌گنجد.

گزینه ۳ وقتی (خود) در معنای حقیقت انسانی به کار برود، خودشناسی معادل همان انسان‌شناسی خواهد بود.

بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۴ حقیقت نفس اشتباه است و باید حقیقت انسان باشد.

گزینه ۵ افلاطون نفس را جزء عقلانی بدن می‌دانست؛ یعنی منظور از قوه نطق و فکر و ادراک، خود عقل یا مغز نبوده است، بلکه آن‌ها ماده هستند و جزء بدن انسان محسوب می‌شوند. (عقل ماده است و عقلاتیت فعالیتی است که کار نفس است.)

گزینه ۶ به نظر ارسطو بدن بدون نفس یک موجود مرده است.

۳۹۳۹. ۱ تفکر فلسفی درباره انسان و توجه به سوال‌های بنیادین در مورد انسان (مانند چیستی انسان و جایگاه او در جهان) از مباحث مربوط به فلسفه است و زیرمجموعه فلسفه‌های مضاف قرار می‌گیرد.

۳۹۴۰. ۱ از نظر ارسطو نفس در هنگام تولد، حالتی بالقوه دارد.

از نظر افلاطون توجه و مراقبت از نفس باید وظیفه اصلی هر انسانی باشد تا به این وسیله نفس زیبا شود و به فضایل آراسته گردد. (پس نفس حالتی بالقوه دارد.)

۳۹۴۱. ۱ داروینیست‌ها معتقدند اگر انسان به اخلاق و فضایل اخلاقی توجه کرده، به این دلیل نبوده که فضیلت‌گرایی در نهاد و فطرت او وجود داشته، بلکه به این دلیل بوده که انسان به ناچار وارد زندگی اجتماعی و زیست اجتماعی شده و این زیست اجتماعی او را وادار به ابداع اصول اخلاقی و رعایت آن‌ها کرده است.

۳۹۴۲. ۱ از جمله مسائلی که توجه فیلسوفان آغازین معرفت‌شناسی را به خود جلب کرده بود، «ارزش شناخت» و میزان انطباق شناخت انسان با «واقعیت» بود.

۳۹۴۳. ۱ فارابی را به سبب جایگاه ممتازی که در حکمت و فلسفه دارد، معلم ثانی نامیده‌اند؛ همان‌طور که ارسطو را معلم اول می‌گویند.

۳۹۴۴. ۱ شناخت‌های مورد قبول افراد مذکور از ابتداء عبارت‌اند از:

پارمنیوس: تنها عقل

هراکلیتوس: تنها حس

سوفسطانیان: هیچ یک معتبر نیست.

سقراط و ارسطو: حس و عقل

افلاطون: حس، عقل و شهود

فارابی و ابن‌سینا: عقل، حس، شهود و وحی

۳۹۴۵. ۱ پراغماتیست‌ها معتقدند که از طریق تجربه نمی‌توان واقعیت را شناخت. آن‌ها می‌گویند که هدف ما کشف واقعیت نیست، بلکه مانیاز‌مند باورهای مفیدی هستیم که در عمل به کار می‌بایند و سودمندی خود را نشان دهند.

۳۹۴۶. ۱ بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ اولین دوره معرفت‌شناسی به دوره یونان بازمی‌گردد. هر چند در این دوره معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود.

گزینه ۲ در دوره یونان «ارزش شناخت» و میزان انطباق شناخت بشر با «واقعیت» از مسائلی بود که نظر فیلسوفان را به خود جلب کرده بود.

گزینه ۳ پارمنیوس از فیلسوفان پیش از سقراط در این دوره شناخت حسی را فاقد اعتبار می‌دانست.

۳۹۴۷. ۱ پروتاگوراس می‌گفت: «حقیقت همان چیزی است که حواس هر کس به آن گواهی می‌دهد؛ یعنی هر چیزی برای کسی که به آن معتقد است، حقیقت به شمار می‌رود، حتی اگر برای کسی دیگر چنین نباشد؛ بنابراین حقیقت امری یکسان نیست و نسبت به هر کسی می‌تواند متفاوت باشد.»

پارمنیوس معتقد بود که حرکت وجود ندارد، زیرا حرکت از طریق حس برای ما معلوم شده و امکان خطای در حس وجود دارد.

۳۹۴۸. ۱ سه‌روری از معرفت شهودی و معرفت عقلی استفاده می‌کند و ملاصدرا از سه معرفت عقلانی، شهودی و وحیانی بهره می‌برد؛ پس تفاوت این دو در معرفت وحیانی است.

۳۹۴۹. ۱ ملاصدرا شیرازی فیلسوف بزرگ قرن یازدهم هجری، راه شیخ اشراق را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد. ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد و بر استدلال و منطق استوار است، از شهود و وحی تأیید کننده یکدیگرند.

۳۹۵۰. ۱ ملاصدرا توانست یک دستگاه منسجم فلسفی بنا کند که در عین حال که کاملاً هویت فلسفی دارد، از شهود نیز بهره می‌برد. (هیچ کدام مقدم بر دیگری نیست.) در فلسفه سه‌روری شهود قلبی مقدم بر برهان عقلی است.

۳۹۵۱. ۱ پراغماتیست‌ها معتقدند که از طریق تجربه نمی‌توان واقعیت را شناخت.

۳۹۵۲. ۱ کانت کتابی به نام «نقد عقل محض» دارد. وی در این کتاب که مهم‌ترین کتاب او نیز شمرده می‌شود، به بررسی فهم و ادراک بشر می‌پردازد و توانایی عقل آدمی را در رسیدن به معرفت ارزیابی می‌کند.

۳۹۵۳. ۱ ملاصدرا در کتاب «مبدا و معاد» می‌گوید: «عقل و دین در همه احکام خود با هم تطبیق دارند و حاشا که احکام شریعت ائور با معارف یقینی و ضروری عقلی تعارض داشته باشد و افسوس به حال فلسفه‌ای که قوانین آن مطابق با کتاب و سنت نباشد.»

# خدا در فلسفه (۲)



## برای شروع...

چهار طبقه فلسفه ایران  
دانشگاه

۳۰۲۶. کدام گزینه در بحث خداشناسی فلسفی صحیح نیست؟
- بحث خداشناسی تازمانی فلسفی است که از روش فلسفی محض تجاوز نکند.
  - فیلسوف به هیچ وجه نباید عقاید دینی خود را وارد فلسفه بکند.
  - نتایج بحث‌های خداشناسی فلسفی باید به صورت استدلالی عرضه شود.
  - اعتقاد فلسفی به خدا از طریق قواعد فلسفی ممکن است.
۳۰۲۷. چه تعداد از موارد زیر فیلسوفاند؟
- کسی که به خدا اعتقاد دارد و می‌کوشد عقیده خود را بر اساس قواعد فلسفی اثبات کند.
  - کسی که هیچ‌گونه عقیده‌ای نداشته و صرفاً بحث فلسفی کند.
  - کسی که به خدا معتقد نیست و از طریق قواعد فلسفی به این باور رسیده است.
- (۱) صفر      (۲) یک      (۳) دو      (۴) سه
۳۰۲۸. علت محال بودن تسلسل نامتناهی در کدام گزینه بددرستی آمده است؟
- اگر سلسله علت‌ها تا بینهایت به عقب برود، اصلانوبت به معلولی که هم اکنون پیش روی ماست، نمی‌رسد.
  - اگر معلولی که اکنون موجود است علتی داشته است که معلول علت دیگر است.
  - معلول‌هایی که تا بینهایت ادامه یابند هر کدام علت خود می‌شوند و این غیرممکن است.
  - زنجریه تسلسل علل پشت سر یکدیگر قرار می‌گیرند و هر حلقه به حلقة قبلی و بعدی مربوط می‌شود.
۳۰۲۹. در صورت تسلسل علل کدام گزینه تحقق می‌یابد؟
- خدا معنای خود را از دست می‌دهد.
  - هیچ ممکن‌الوجودی موجود نمی‌شود.
۳۰۳۰. کدام فیلسوف در استدلال خود برای اثبات وجود خدا به باطل بودن تسلسل علل نامتناهی تکیه دارد؟
- ملاصدرا
  - سهروردی
  - ابن سينا
  - فارابی
۳۰۳۱. چه تعداد از عبارات زیر درباره برهان صدیقین درست است؟
- انتخاب این نام با نظر به مقام صدیقین در قرآن انجام گرفته است.
  - این نامی است که فلاسفه بعد از ابن‌سینا برای برهان به کار برده‌اند.
  - این برهان در اروپا با استقبال زیادی روبرو نشد.
- (۱) صفر      (۲) یک      (۳) دو      (۴) سه
۳۰۳۲. کدام گزینه از گزاره‌های برهان وجوب و امکان ابن‌سینا نیست؟
- واجب‌الوجود بر دو قسم بالذات و بالغیر است.
  - ادامه زنجریه علل تا بینهایت ممکن نیست.
۳۰۳۳. حکمت متعالیه که مبتنی بر \_\_\_\_\_ است.
- مخالفت وجود و ماهیت - برهان وجوب و امکان را ارتقا بخشید
  - اصل اصالت وجود - برهان وجوب و امکان را ارتقا بخشید
۳۰۳۴. این سینا برهان خود در اثبات واجب‌الوجود را برهان نامید، اما فلاسفه بعد از ابن‌سینا، هم در جهان اسلام و هم در اروپا، بیان وی در اثبات واجب‌الوجود را برهان نامیده‌اند.
- وجوب و امکان - نظم
  - تقدیم علت بر معلول - وجوب و امکان
۳۰۳۵. پیام اصلی ابن‌سینا و پیروان او این است که موجودات جهان بر حسب خود ممکن‌الوجودند؛ اما از این حیث که اکنون دارند، هستند؛ یعنی از نشأت گرفته‌اند.
- ذات - وجود - ذات - واجب‌الوجود بالغیر - واجب‌الوجود بالذات
  - وجود - ذات - واجب‌الوجود بالذات - واجب‌الوجود بالغیر

۳۰۳۶. منظور ابن‌سینا از عشق در کدام عبارت مطرح شده است؟

- (۱) انس و محبت میان انسان و جهان
- (۲) عامل پیدایش و بقای ممکنات

۳۰۳۷. از نظر ابن‌سینا هر یک از ممکنات به واسطه خود از بدی‌ها گریزان، همین اشتیاق را ابن‌سینا می‌نامد.

- (۱) امکان - زیبایی - جمال - ذات - عشق
- (۲) حقیقت - کمالات - خیرات - ذات - امکان ذاتی

- (۳) حقیقت - کمالات - خیرات - فطرت - عشق
- (۴) امکان - هستی - نیستی - ذات - امکان ذاتی

۳۰۳۸. شهرت دارد، مبتنی بر اصل نیست.

که به برهان وجود خدا - صدیقین - نیازمندی معلول به علت

- (۱) وجود خدا - صدیقین - نیازمندی معلول به علت
- (۲) واجب‌الوجود بالذات - وجوب و امکان - نیازمندی معلول به علت

۳۰۳۹. وجود خدا - امتناع تسلسل علل نامتناهی وجود خدا - صدیقین - امتناع تسلسل علل نامتناهی

۳۰۴۰. کدام گزاره نتیجه برهان ابن‌سینا را بیان می‌کند؟

- (۱) تسلسل علل نامتناهی باطل است.
- (۲) تساوی عدم و وجود برای ممکنات

۳۰۴۱. ابن‌سینا برای اثبات خدا از کدام برهان بهره برده است؟

۳۰۴۲. برهان تسلسل علل برهان وجود و امکان

۳۰۴۳. صدرالمتألهین از بهره فراوان بهره بود و

۳۰۴۴. ابن‌سینا - براهین تازه‌ای برای اثبات وجود خدا مطرح کرد.

۳۰۴۵. فارابی - براهین تازه‌ای برای اثبات وجود خدا مطرح کرد.

۳۰۴۶. با توجه به استدلال ابن‌سینا، مقدمه اول فارابی در اثبات خدا به کدام دسته از موجودات اشاره دارد؟

- (۱) واجب‌الوجود بالذات
- (۲) ممکن‌الوجود بالذات
- (۳) واجب‌الوجود بالغیر
- (۴) ممتنع‌الوجود

۳۰۴۷. تویسندۀ آثار «عبداآ و معاد»، «الاسفار الأربع» و «اصول فلسفه و روش رئالیسم» به ترتیب چه کسانی هستند؟

۳۰۴۸. جوادی آملی - علامه طباطبائی - ملاصدرا

۳۰۴۹. علامه طباطبائی - ملاصدرا - جوادی آملی

۳۰۵۰. در دیدگاه ملاصدرا مانند در نظر شیخ‌الرئیس نیست.

۳۰۵۱. واپسیگی مطلق موجودات - حالت امکانی آن‌ها نسبت به وجود

۳۰۵۲. نیازمند مطلق - واجب بالغیر

۳۰۵۳. امکان ماهوی - امکان فقری

۳۰۵۴. غنی‌بالذات - واجب‌الوجود بالذات

۳۰۵۵. در نظر ملاصدرا نام دارد، جهان هستی

۳۰۵۶. امکان فقری - یکپارچه نیاز و تعلق به ذات‌البهی است و از خود هیچ استقلالی ندارد.

۳۰۵۷. فقر وجودی - گرچه موجود مستقلی است که تماماً واپسی به خداست.

۳۰۵۸. امکان ماهوی - جهان هستی تماماً ممکن است و خدا برای موجود شدن، نیازمند یک واجب‌الوجود بالذات است.

۳۰۵۹. امکان ذاتی - موجودات ذاتی ممکن هستند و هیچ‌گاه از این امکان خارج نمی‌شوند، حتی اگر موجود شوند.

۳۰۶۰. بر اساس نظریه امکان فقری کدام گزینه درست نیست؟

۳۰۶۱. نیازمندی سراسر وجود واقعیات هستی را فراگرفته است.

۳۰۶۲. ممکنات به خاطر فقر وجودی، واپسیگی به غیر دارند.

۳۰۶۳. بیت زیر به کدام مفهوم فلسفی اشاره دارد؟

۳۰۶۴. «بود نامحرمان را چشم و دل کور و گرنه هیچ ذره نیست بی‌نور»

۳۰۶۵. امکان ماهوی و امکان فقری

۳۰۶۶. واپسیات به سبب فقر وجودی، نیازمند به منبعی غنی‌بالذات هستند.

۳۰۶۷. از حالت امکانی ماهیت، به فقر و نیاز ذاتی آن بی می‌بریم.

۳۰۶۸. انسان چگونه می‌تواند معیارهای یک زندگی معنادار را به دست آورد؟

۳۰۶۹. با فهم عمیق مفاهیم بشری و فوق بشری

۳۰۷۰. با کشف قوانین اخلاقی و افعال خیر

۳۰۷۱. با اعتقاد به یک موجود بی‌نهایت با صفاتی خاص

۳۰۷۲. با تمایز نهادن بین حقیقت و واقعیت

۳۰۷۳. اعتقاد به وجود خدا چه تأثیری در زندگی انسان دارد و فلاسفه مسلمان تأثیر آن را به چه چیزی تشبیه کرده‌اند؟

۳۰۷۴. غایتمندی زندگی - تشبیه به وجود خورشید و نقش آن در حیات جسمانی برای نیاز به نور و گرما

۳۰۷۵. معناداری حیات - تشبیه به وجود خورشید و نقش آن در حیات جسمانی برای نیاز به نور و گرما

۳۰۷۶. غایتمندی زندگی - تشبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی برای سیراب شدن

۳۰۷۷. معناداری حیات - تشبیه به وجود آب و نقش آن در حیات جسمانی برای سیراب شدن

- ۳.۵۰. هر یک از ممکنات به واسطه همیشه است و بر حسب . . . است.
- ۱) حقیقت وجودش - مشتاق کمالات و خیرات - فطرت خود - از بدی‌ها گریزان
  - ۲) فطرت - از بدی‌ها گریزان - حقیقت وجودش - مشتاق به کمالات و خیرات
  - ۳) حقیقت وجودش - بدی‌ها گریزان - فطرت خود - مشتاق به کمالات و خیرات
  - ۴) فطرت خود - مشتاق به کمالات و خیرات - حقیقت وجودش - از بدی‌ها گریزان
- ۳.۵۱. کدام یک از گزینه‌های زیر معیار یک زندگی معنادار نیست؟
- ۱) غایتمند بودن جهان
  - ۲) هدفمندی جهان
  - ۳) توجه به فطرت انسان
  - ۴) فraigیر بودن علم
- ۳.۵۲. از نظر ابن سینا چه چیزی سبب باقی ممکنات و مخلوقات نمی‌شود؟
- ۱) عشق
  - ۲) اشتیاق ذاتی
  - ۳) ذوق فطری
  - ۴) غایتمندی جهان
- ۳.۵۳. کدام گزینه از معیارهای زندگی معنادار نیست؟
- ۱) غایتمند دانستن جهان و انسان
  - ۲) اعتبار قائل شدن برای آرمان‌های فراتر از زندگی مادی
  - ۳) احساس تعهد در برابر یک وجود متعالی
  - ۴) تحمل بر اساس فطرت انسانی
- ۳.۵۴. با توجه به «رساله عشق» ابن سینا چه چیزی سبب باقی ممکنات است؟
- ۱) عشق به کنه جهان هستی
  - ۲) عنایت علله‌العلل به آن‌ها
  - ۳) گریز فطری از بدی
  - ۴) اشتیاق ذاتی به کمالات
- ۳.۵۵. کدام اصل در برهان فارابی، مبنای بطلان تسلسل علل می‌باشد؟
- ۱) تقدم علت بر معلول
  - ۲) ساخت علت و معلول
  - ۳) تسلسل علل از سوی اقامه شده است که یکی از دلایل اثبات وجود خداست.
  - ۴) واقعیت مستقل از ذهن
- ۳.۵۶. محکم‌ترین و کوتاه‌ترین دلیل که به برهان معروف است، برای ای انسان ۲) اسد و اخصر - ابطال - فارابی ۳) وجوب و امکان - ابطال - ای انسان ۴) وجوب و امکان - ای انسان
- ۳.۵۷. کدام یک از نتایج زیر از «اصل امتناع تسلسل علل» حاصل می‌شود؟
- ۱) تخلف‌ناپذیری و حتمیت نظام هستی
  - ۲) تحقق نظام هستی و منتهی شدن زنجیره ممکنات به یک واجب‌الوجود ۴) نظام معین هستی
  - ۳) از نظر ابن سینا «اشتیاق ذاتی و ذوق فطری که سبب باقی وجود ممکنات است» چه نامیده می‌شود؟
- ۳.۵۸. کدام تقسیم‌بندی برای موجودات جهان مناسب است؟
- ۱) واجب‌الوجود، ممکن‌الوجود، ممتنع‌الوجود
  - ۲) ممکن ماهوی و ممکن فقری
  - ۳) واجب‌الوجود بالذات و واجب‌الوجود بالغیر
  - ۴) علم
- ۳.۵۹. به ترتیب کدام‌یک درباره «واجب‌الوجود بالذات» و «واجب‌الوجود بالغیر» درست است؟
- ۱) وجود برایش ضرورت دارد - قطع نظر از علت وجود برای او ضروری است.
  - ۲) علتی که معلول نیست وجودش را ضروری ساخته - علتی که معلول است به او وجود بخشیده است.
  - ۳) وجود برایش ضرورت ذاتی دارد - در ذات خود ممکن‌الوجود است.
  - ۴) فی‌نفسه ضرورت وجود دارد - از غیر بی‌نیاز است.
- ۳.۶۰. ابن سینا برهان خود را نام نهاده و این نام‌گذاری در انجام شده است.
- ۱) صدیقین - الاشارات
  - ۲) وجود و امکان - شفا
  - ۳) صدیقین - شفا
  - ۴) وجود و امکان - الاشارات
- ۳.۶۱. کدام گزینه درباره برهان وجود و امکان ابن سینا نادرست است؟
- ۱) هر موجودی یا ممکن‌الوجود است یا واجب‌الوجود.
  - ۲) سلسله ممکنات در نهایت باید به یک واجب‌الوجود ختم شود.
  - ۳) ملاک نیازمندی معلول به علت امکان ذاتی آن است.
  - ۴) واجب‌الوجود بالذات آن است که وجود برایش ضرورت یافته است.
- ۳.۶۲. کدام گزینه درست است؟
- ۱) هر علتی خود، معلول علتی دیگر است که موجود شود.
  - ۲) علت‌العلل مساوی واجب‌الوجود بالغیر است.
  - ۳) هر علتی خود، معلول علتی دیگر است که موجود شود.
- ۳.۶۳. کدام گزینه درست است؟
- ۱) هر علتی خود، معلول علتی دیگر است که موجود شود.
  - ۲) هر علتی خود، معلول علتی دیگر است که موجود شود.
  - ۳) هر علتی خود، معلول علتی دیگر است.
- ۳.۶۴. هر یک از ممکنات به واسطه ، همیشه مشتاق کمالات و خیرات است و بر حسب خود از بدی‌ها گریزان. همین اشتیاق ذاتی که سبب ممکنات و مخلوقات است را می‌نامیم. به ترتیب، کدام گزینه می‌تواند پاسخ مناسبی برای جاهای خالی باشد؟
- ۱) حقیقت وجودش - فطرت - بقای - عشق
  - ۲) ذات هستی‌اش - ذات - نجات - شوق
  - ۳) ذات هستی‌اش - ذات - نجات - شوق
  - ۴) ذات هستی‌اش - ذات - شوق
- ۳.۶۵. کدام یک علت محال بودن تسلسل علل نامتناهی از نظر حکماست؟
- ۱) یک ممکن نمی‌تواند هم‌زمان هم علت و هم معلول باشد.
  - ۲) وجود سلسله نامتناهی از اصل خود متناقض و باطل است.
  - ۳) ابتدا نداشتن به علتی که معلول نیست.
  - ۴) معلول نمی‌تواند علت علت خود باشد.

- ۳.۶۶. برخی از فلسفه اروپایی به این نتیجه رسیده بودند که وجود خدا را از طریق اثبات کرد.  
 ۱) نمی‌توان - عقل - استدلال عقلی ۲) می‌توان - عقل - تجربه ۳) نمی‌توان - عقل - تجربه ۴) می‌توان - عقل - استدلال عقلی
- ۳.۶۷. برهان خود را دقیق‌ترین برهان نامید و «سیر تکاملی فلسفه من» اثر است.  
 ۱) شیخ الرئیس - فارابی ۲) شیخ الرئیس - برتراند راسل ۳) صدرالمتألهین - فارابی ۴) صدرالمتألهین - برتراند راسل
- ۳.۶۸. نویسنده کتاب «اسفار الأربعه» و نویسنده کتاب «الاشارات» است.  
 ۱) ملاصدرا - همان نویسنده کتاب «اسفار» ۲) ملاصدرا - همان نویسنده کتاب «رسالة عشق» ۳) ابن سينا - همان نویسنده کتاب «رسالة عشق» ۴) ابن سينا - همان نویسنده کتاب «اسفار»
- ۳.۶۹. آثار «حیات معقول» و «مسائل فلسفه» به ترتیب متعلق به چه کسانی است؟  
 ۱) محمدتقی جعفری - برتراند راسل ۲) برتراند راسل - برتراند راسل ۳) محمدتقی جعفری - فارابی ۴) برتراند راسل - فارابی

## برای انفجار...

- ۳.۷۰. کدام گزینه درخصوص فیلسوف حقیقی درست بیان شده است؟  
 ۱) کسی است که با شهود قلبی به چیزی معتقد می‌شود و آن را بر اساس قواعد فلسفی اثبات می‌کند.  
 ۲) فیلسوف حقیقی کسی است که تمامی زیربنای فلسفه خود را به اثبات عقلی برساند.  
 ۳) هیچ فیلسوف حقیقی نباید در بدء شروع فلسفه خود به دینی معتقد باشد.  
 ۴) کشف دلیل و استدلال برای اعتقادات خود، لازمه فلسفه است.
- ۳.۷۱. کدام یک از جملات زیر نباید از یک فیلسوف بیان شود؟  
 ۱) من دلیل وجود خداوند را در تجربه‌های شخصی درونی خود یافتم. ۲) از آنجا که عقل ما محدود است، خداوند را نمی‌توان اثبات کرد.  
 ۳) محال بودن جمع نقیضین بدیهی است و قابلیت اثبات ندارد. ۴) عقل انسان همواره از تصورات خود تبعیت می‌کند.
- ۳.۷۲. کدام گزینه درست است؟  
 ۱) فیلسوف برای استدلال لازم است تمام عقاید خود را کنار گذارد.  
 ۲) فیلسوف نسبت به پسترهای فکری و فرهنگی جامعه خود استدلال می‌کند.  
 ۳) فیلسوف با توجه به قواعد عقلی، عقیده خود را استدلال و از آن دفاع می‌کند.  
 ۴) از لزومات تفکر درست، داشتن دینی است که فیلسوف برگزیده است.

پایه  
دوازدهم

- ۳.۷۳. فیلسوف بر چه اساسی عقیده‌ای را می‌پذیرد یا از آن دفاع می‌کند؟  
 ۱) فیلسوف کسی است که عقیده خاصی ندارد و تنها با قواعد فلسفی عقیده‌ای را می‌پذیرد.  
 ۲) فیلسوف کسی است که از هر راهی برای اثبات و دفاع از عقایدش تلاش می‌کند.  
 ۳) فیلسوف کسی است که عقیده‌ای نداشته باشد، مگر اینکه بر اساس قواعد فلسفی از عقیده خود دفاع کند.  
 ۴) فیلسوف عقاید خود را بر اساس قواعد فلسفی و تجربی می‌پذیرد و از آن دفاع می‌کند.

- ۳.۷۴. کدام گزینه درباره خدا و آرای فلسفه درباره او درست است؟  
 ۱) فلسفه اروپایی متفق القول به عدم امکان اثبات عقلی وجود خدا معتقد بوده‌اند.  
 ۲) فلسفه مسلمان متفق القول به امکان اثبات عقلی خدا معتقد بوده‌اند.  
 ۳) خدا در اصل یک اصطلاح فلسفی است، مرادف واجب الوجود.  
 ۴) آنچه در بحث‌های دینی، خدا نام دارد با مفهوم فلسفی خدا تفاوت‌هایی دارد.

- ۳.۷۵. چه تعداد از گزاره‌های زیر در مورد فلسفه مسلمان و نظرات آن‌ها در مورد خدا درست است؟  
 الف) فیلسوفان مسلمان همگی موافق امکان اثبات عقلی خدا بوده‌اند.  
 ب) در طول دوره تاریخ فلسفه دنیای اسلام تلاش‌های فلسفه برای اثبات خدا در دو قالب دسته‌بندی می‌شود.  
 ج) نظرات فلسفه مسلمان در تقابل با رأی دیوید هیوم است.  
 ۱) صفر ۲) یک ۳) دو ۴) سه

- ۳.۷۶. با توجه به اینکه «الله» در دین دارای ویژگی‌های زیادی است، کدام گزینه درست نیست؟  
 ۱) از نظر فلسفه «الله»، واجب الوجود، مبدأ هستی و علت نخستین همه موجودات هم هست.  
 ۲) «الله» هیچ تفاوتی با واجب الوجود، مبدأ هستی و علت نخستین در فلسفه ندارد.  
 ۳) کسی که «الله» در دین را پذیرد در واقع واجب الوجود را نیز پذیرفته است.  
 ۴) به طور دقیق واجب الوجود در فلسفه صرفاً بیانگر وجود خلق در دین است.

- ۳.۷۷. «منطق و عرفان» و «شرح رساله زنون کبیر» به ترتیب آثار چه کسانی هستند؟  
 ۱) صدرالمتألهین - برتراند راسل ۲) برتراند راسل - برتراند راسل ۳) صدرالمتألهین - فارابی ۴) برتراند راسل - فارابی



۳۰۷۸. کدام یک از گزینه‌های زیر جزء اصول یا قواعد پذیرفته شده در استدلال فارابی برای اثبات وجود خدا نیست؟

- (۱) اصل تقدم وجود علت بر وجود معلول
- (۴) اصل علیت و عدم قبول اتفاق و صدفه

- (۱) بطلان تسلسل علل نامتناهی
- (۳) اصل واقعیت جهان خارج از ذهن

۳۰۷۹. کدام گزینه در خصوص علل درست است؟

- (۲) اصل علیت را زیر پا می‌گذارد؛ زیرا خود معلول چیزی نیست.
- (۴) برتراند راسل به آن اعتقاد داشت.

- (۱) می‌توان مثال نقض جمله «هر موجودی علتی دارد» باشد.
- (۳) عدم قبول آن باعث ایجاد دور در نظام خلقت می‌شود.

۳۰۸۰. برتراند راسل در خصوص عدم قبول علل دچار چه اشتباہی شده است؟

- (۲) پذیرش دور در علل
- (۴) عدم استفاده از روش استدلای محضور

- (۱) عدم تفکیک واجب‌الوجود و ممکن‌الوجود
- (۳) پذیرش تسلسل در علل نامتناهی

۳۰۸۱. کدام گزینه برای شرح تسلسل مناسب‌تر است؟

- (۲) وجود واجب‌الوجود بالغیر که سرسلسله است.
- (۴) غایتمندی جهان به واسطه وجود خالق

۳۰۸۲. در استدلال فارابی برای اثبات وجود خدا کدام اصل فرض گرفته نشده است؟

- (۱) در جهان پیرامون ما اشیایی هستند که وجودشان از خودشان نیست و معلول هستند.
- (۲) وجود علت بر وجود معلول مقدم است و وجود معلول مشروط به وجود علت است.
- (۳) سلسله علتها تا بینها ایمکان پذیر نیست، بلکه باید به علتی منتهی شود که معلول دیگری نباشد.
- (۴) موجودات یا واجب‌الوجود بالذات هستند یا ممکن‌الوجود بالذات.

۳۰۸۳. فارابی در برهان اثبات وجود خدا چه چیزی را «خود متناقض» می‌داند؟

- (۲) ابتدا داشتن سلسله بینها ایت خود متناقض و غیرممکن است.
- (۴) منتهی شدن علتها به علل‌العلل خود متناقض است.

- (۱) متکی بودن هر علت به علت دیگر خود متناقض است.
- (۳) داشتن دور در علتها خود متناقض و غیرممکن است.

۳۰۸۴. برهان فارابی در نفع تسلسل بر کدام اصل فلسفی ابتنای دارد؟

- (۳) تأخیر وجودی معلول بر علت
- (۴) مشروط بودن وجود معلول

- (۱) وجوب علی و معلولی
- (۲) سنتیت علت و معلول

۳۰۸۵. درباره تسلسل، کدام گزینه نادرست است؟

- (۱) وجود زنجیره نامتناهی از ممکنات در هر حالت باطل است.
- (۲) واجب‌الوجود در ابتدای هر سلسله‌ای از موجودات نامتناهی قرار دارد.
- (۳) تسلسل علل نامتناهی بدون ابتدا داشتن بر علت غیرمعلول خود متناقض است.
- (۴) زنجیره نامتناهی از ممکنات با ابتدای علت نخستین ممکن است.

۳۰۸۶. کدام معنا از علت، سبب رد انکار خدا بر طبق نظر راسل است؟

- (۲) هر حادثه‌ای نیازمند علت است و بدون علت پدید نمی‌آید.
- (۴) هر شئ در وجود و هستی اش به علت نیازمند است.

- (۱) هر چیزی در وجود و تحقیقش به علت نیازمند است.
- (۳) هر ممکنی در تحقیق محتاج به علت است.

۳۰۸۷. کدام گزینه با مثال «آجر» برای بطلان تسلسل علل مطابقت ندارد؟

- (۱) معلول بودن هر موجود و نیاز آن به علت، مانند متکی بودن هر آجر به آجر دیگر است.
- (۲) با نبود ستون ثابت، سلسله آجرهای مایل به هم متکی خواهد بود.
- (۳) سلسله آجرهای مایل متکی به هم، باید به ستونی ختم شوند.
- (۴) ستون مانند علل‌العلل نگه‌دارنده همه آجرهای دارای اتکاست.

۳۰۸۸. با پذیرفتن نظر برتراند راسل که می‌گفت: «اگر هر چیزی باید علتی داشته باشد، پس خدا نیز نیازمند علت است»، چه اشکالی پیش می‌آید؟

- (۱) پذیرفتن تسلسل علل نامتناهی
- (۲) نپذیرفتن سنتیت علت و معلول
- (۳) نپذیرفتن رابطه علیت در جهان
- (۴) نپذیرفتن اصل حقیقت وجود

۳۰۸۹. کدام گزینه مثال خوبی برای محال بودن تسلسل است؟

- (۱) بینها ایت چوب کبریت روشن که هر کدام باید توسط چوب کبریتی دیگر روشن شود
- (۲) بینها ایت سرباز که هر کدام پشت سر دیگری ایستاده و سلام نظامی می‌دهند
- (۳) جنگلی با بینها درخت و بینها شمار حیوان در داخل آن
- (۴) خانه‌ای با بینها دیوار که هر دیوار بینها شمار آجر دارد.

۳۰۹۰. چه تعداد از موارد زیر در مورد براهین فارابی و شیخ‌الرئیس در اثبات وجود خدا درست است؟

- (الف) مقدمه اول هر دو برهان به ممکن‌الوجود بودن ماهیت موجودات جهان اشاره دارد.

- (ب) نقض مقدمه دوم این سینا برابر است با نقض اصل امتناع ترجیح بلا مردج.

- (ج) مسیر یکی از این براهین از علت به معلول و مسیر دیگری بالعکس است.

- (۱) صفر

- (۲) یک

- (۳) دو

- (۴) سه

۳.۹۱. کدام مورد در کتاب «اشارات» دیده نمی‌شود؟

- (۲) انتخاب نام صدیقین برای برهان وجوب و امکان  
 (۴) توصیف برهان موجود به عنوان دقیق‌ترین برهان

(۱) اثبات عقلی وجود خدا

(۳) بحث از تأثیر اعتقاد به خدا در زندگی

و شرح شده‌اند.

۳.۹۲. برهان ابن‌سینا و فارابی برای اثبات وجود خدا به ترتیب در کتب (۱) اشارات - عرفان و منطق (۲) اسفار - شرح رساله زنون کبیر (۳) اشارات - شرح رساله زنون کبیر (۴) اسفار - عرفان و منطق

۳.۹۳. اگر علة‌العلل واجب‌الوجود بالذات نباشد، کدام مشکل پیش می‌آید؟

(۱) در این صورت خود نیز باید علتی داشته باشد؛ پس نمی‌تواند علة‌العلل باشد.

(۲) چنین موجودی امکان وجود بخشیدن به موجودات دیگر را ندارد.

(۳) علی‌رغم بطلان دور، در سیر علل دور ایجاد می‌شود.

(۴) علی‌رغم وجود او، واجب‌الوجود بودن او زیر سوال می‌رود.

۳.۹۴. چنانچه فرض را بر پذیرش تسلسل و عدم بطلان بگذاریم

(۱) برهان ابن‌سینا زیر سوال می‌رود.

(۳) هم برهان ابن‌سینا و هم برهان فارابی زیر سوال می‌روند.

۳.۹۵. کدام گزینه درخصوص استدلال ابن‌سینا برای وجود خدا درست است؟

(۱) او نام این استدلال را برهان «وجوب و امکان» گذاشته است.

(۲) اصل علیت (به معنای هر معلول علتی دارد) را فقط درخصوص ممکنات بالذات پذیرفته است.

(۳) ملاصدرا در اثبات وجود خدا از استدلال ابن‌سینا استفاده کرده است.

(۴) ابن‌سینا برهان صدیقین را دقیق‌ترین برهان نمی‌دانست.

۳.۹۶. اولین مقدمه برهان ابن‌سینا و فارابی در اثبات خدا چه شباهتی با هم دارند؟

(۱) هر دو با تعریف ماهیت و تمایز آن از وجود شروع می‌کنند.

(۴) هر دو با نظر به اشیا و پدیده‌های جهان شروع می‌کنند.

۳.۹۷. توماس آکوئیناس در بحث از ابن‌سینا تبعیت می‌کرد و برهان را در اروپا گسترش داد.

(۱) مغایرت وجود و ماهیت - وجود و امکان

(۳) امکان ذاتی - وجود و امکان

۳.۹۸. کدام گزینه درباره «واجب‌الوجود بالغیر» درست است؟

(۱) ضرورتش از ناحیه خود ذات است.

(۳) در ذات خود فقط می‌تواند ممکن‌الوجود باشد.

۳.۹۹. کدام گزینه زیر درست است؟

(۱) ممکن‌الوجودات بیشتر سمت وجود کشیده می‌شوند.

(۳) واجب‌الوجود بالغیر وجود‌دهنده به ممکن‌الوجود است.

(۲) میان واجب‌الوجود بالغیر و بالذات تباین برقرار است.

(۴) ممکن‌الوجود برای وجود به عاملی بیرونی نیاز دارد.

۳.۱۰۰. ملاصدرا وابستگی و نیاز وجودی را امکان نامید تا آن را از امکان که بیان می‌کرد، جدا کند.

(۱) ماهوی - فقری - ابن‌سینا (۲) فقری - ماهوی - فارابی

(۳) فقری - ماهوی - ابن‌سینا (۴) ماهوی - ذاتی - بهمنیار

۳.۱۰۱. کدام عبارت، دیدگاه ملاصدرا درباره «امکان فقری» نیست؟

(۱) فقر و نیاز ذاتی در موجودات باید به منبعی متصل باشد که از غنای ذاتی برخوردار باشد.

(۲) غنی‌بالذات، همان خداوند است که همه موجودات به او وابسته‌اند.

(۳) در میان موجودات، نمی‌توان موجودی یافت که وابستگی به غیر سراسر وجودش را فرانگرفته باشد.

(۴) امکان فقری یعنی موجودات نسبت به وجود، حالت امکانی داشته و با وجود علت به ضرورت برستند.

۳.۱۰۲. کدام گزینه با دیدگاه ملاصدرا در باب امکان فقری منافی دارد؟

(۱) موجودات همگی ذاتی نیازمند و فقیرند.

(۳) جهان هستی هیچ استقلالی از خود ندارد

۳.۱۰۳. کدام عبارت معنای امکان فقری است؟

(۱) نسبت میان وجود و عدم، به نیازمندی بستگی دارد.

(۳) موجود ممکن است نه نیازمند ایجاد باشد نه نیازمند عدم ایجاد.

۳.۱۰۴. کدام عبارت بیان درستی از نظر ملاصدراست؟

(۱) موجودات به جهت حالت امکانی خویش وابسته و به علت نیازمندند.

(۳) تفاوت موجود مجرد و ممکن در برخورداری از غنای ذات است.

۲۰۷۸. ۲۰۷۸ ایمانوئل کانت یکی از فیلسوفان دوره جدید است که بسیار به معرفت‌شناسی پرداخته و مسائل مهمی را درباره آن طرح کرده است. کانت که در قرن هجدهم میلادی می‌زیست، در دانشگاه به تحصیل فلسفه و ریاضیات پرداخت و آثار مهمی در فلسفه تألیف کرد؛ معروف‌ترین کتاب او «نقد عقل محض» است.

### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ شناخت ما به تدریج افزایش می‌یابد.

۲۰۷۹

گزینه ۲ شناخت ما محدود است.

۲۰۸۰

گزینه ۳ ما ابتدا اشیا را می‌شناسیم و از طریق این شناخت با آن‌ها ارتباط برقرار کرده و از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

۲۰۸۱. ۲۰۸۱ معرفت‌شناسی بخشی از فلسفه است که به خود پدیده شناخت می‌پردازد و در گذشته برخی از مباحث آن در ضمن مباحث فلسفی (نه به صورت مستقل) طرح می‌شد.

۲۰۸۲. ۲۰۸۲ امروزه به‌علت طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه‌های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده که به آن معرفت‌شناسی یا نظریه معرفت می‌گویند.

۲۰۸۳. ۲۰۸۳ بسیار پیش آمده که ما یک مسئله را حل کرده‌ایم، اما بعد متوجه شده‌ایم که در حل آن مسئله راه را اشتیاه رفته‌ایم؛ سپس راه دیگری را انتخاب کرده و به پاسخ صحیح رسیده‌ایم.

۲۰۸۴. ۲۰۸۴ تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت موجب می‌شود پرسش‌هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما پیش بیاید. گاهی متوجه می‌شویم که بعضی از چیزهایی که فکر می‌کردیم آن‌ها را می‌دانیم، درست نبوده و ما درباره آن‌ها دچار خطا شده‌ایم. چنان‌که گاهی متوجه می‌شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند.

۲۰۸۵. ۲۰۸۵ توجه ویژه کانت به شناخت سبب شد که شاخه معرفت‌شناسی رشد بیشتری در دوره جدید کند.

۲۰۸۶. ۲۰۸۶ شناخت امری است که به تدریج حاصل می‌شود. علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت‌ها در مجموع محدود است.

۲۰۸۷. ۲۰۸۷ امروزه به‌علت طرح پرسش‌های جدی (مسائل مهم) و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه‌های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده است.

۲۰۸۸. ۲۰۸۸ گاهی متوجه می‌شویم که بعضی از چیزهایی که فکر می‌کردیم آن‌ها را می‌دانیم، درست نبوده و ما درباره آن‌ها دچار خطا و اشتیاه شده‌ایم. چنان‌که گاهی متوجه می‌شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند.

۲۰۸۹. ۲۰۸۹ معرفت‌شناسی پدیده شناخت را مورد مطالعه قرار می‌دهد و همیشه جزئی از فلسفه بوده است. این دانش به سؤالاتی از قبیل: شناخت چیست؟ آیا شناخت اساساً ممکن است؟ و شناخت‌های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟ پاسخ می‌دهد.

۲۰۹۰. ۲۰۹۰ یکی از ویژگی‌های انسان، شناختن است. ما اشیا و افراد را می‌بینیم، صدای آن‌ها را می‌شنویم و با حواسمن بسیاری از ویژگی‌های آن‌ها را حس می‌کنیم.

۲۰۹۱. ۲۰۹۱ واژه معرفت یا شناخت به‌دلیل روش بودن، اصول‌نیازی به تعریف ندارد.

۲۰۹۲. ۲۰۹۲ هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به شناخت و معرفت برای هر انسانی روش است؛ بنابراین شکاکیت مطلق یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است.

۲۰۹۳. ۲۰۹۳ ممکن است ما در توانایی خود برای شناخت برخی امور شک کنیم و مثلًا با خود بگوییم که «ایا ما می‌توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم؟» اما این شک، غیر از شک در امکان اصل شناخت است.

۲۰۶۵. ۲۰۶۵ «او فلسفه را وادار کرد تا به زندگی، اخلاقیات و خیر و شر بپردازد.» این تفاوتی بود که از نظر سیروان، سقراط در فلسفه ایجاد کرد.

## درس ششم: اعکان شناخت

۲۰۶۶. ۲۰۶۶ امور محسوس، اموری هستند که با حواس قابل درکاند. محسوسات، همه پدیده‌های جهان مادی را دربر می‌گیرد. طبق این تعریف تنها چیزی محسوس است که در ماوراء الطیبیه باشد یا در طبیعت نباشد (مثل خدا، فرشتگان، جن و ...).

۲۰۶۷. ۲۰۶۷ یک بخش مهم از فلسفه، معرفت‌شناسی است که به خود پدیده شناخت می‌پردازد.

۲۰۶۸. ۲۰۶۸ آن بخش (شاخه) از فلسفه که از مهم‌ترین بخش‌های آن به شمار می‌آید، اندیشیدن درباره «اندیشیدن» است. به این شاخه از فلسفه، معرفت‌شناسی گفته می‌شود؛ بنابراین از آنجا که معرفت‌شناسی، اندیشیدن درباره اندیشیدن است، موضوع اندیشیدن خواهد بود.

۲۰۶۹. ۲۰۶۹ شناخت ما از جهان، امری است که به تدریج حاصل می‌شود. علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما در مجموع محدود است. از طرفی محدود و از طرفی گسترده است ولی کامل نیست.

۲۰۷۰. ۲۰۷۰ شناخت انسان محدود است و به همین دلیل بسیاری از چیزها وجود دارند که برای انسان‌ها همچنان ناشناخته است.

۲۰۷۱. ۲۰۷۱ توجه ویژه کانت فیلسوف قرن هجدهم آلمانی به شناخت، سبب شد که شاخه معرفت‌شناسی فلسفه رشد بیشتری کند.

### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ اشیا و پدیده‌های پیرامون خود را شناسایی می‌کنیم و از طریق این شناخت با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنیم. - صحیح

گزینه ۲ صحیح - ما از آغاز تولد همه چیز را تملیک نمی‌دانیم؛ بلکه گام‌به‌گام با پدیده‌های جهان آشنا می‌شویم.

گزینه ۳ صحیح - گاهی متوجه می‌شویم که بعضی از چیزهایی که فکر می‌کردیم آن‌ها را می‌دانیم، درست نبوده و ما در موردشان دچار خطا شده‌ایم.

۲۰۷۳. ۲۰۷۳ معرفت‌شناسی شاخه‌ای است که به پدیده شناخت می‌پردازد و به این شاخه، نظریه معرفت هم گفته می‌شود.

۲۰۷۴. ۲۰۷۴ انسان می‌تواند اشیا را بشناسد و شناخت ما از جهان امری است که به تدریج و گام‌به‌گام حاصل می‌شود. انسان هم می‌تواند امور محسوس و هم امور معقول و غیرمحسوس را بشناسد، هر چند گاهی در شناخت دچار اشتیاه می‌شود.

۲۰۷۵. ۲۰۷۵ تفاوت شناخت افراد از یک موضوع، در معرفت‌شناسی بررسی می‌شود.

### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۴ معرفت‌شناسی بخشی از فلسفه است که به پدیده شناخت می‌پردازد.

گزینه ۵ هنگامی که فیلسوفی درباره موضوعاتی مانند هستی، جهان و انسان می‌اندیشد، ناگزیر درباره خوداندیشیدن و شناخت نیز دیدگاهی دارد.

گزینه ۶ کانت آثار متعددی در معرفت‌شناسی تألیف کرده که معروف‌ترین آن‌ها، نقد عقل محض است.

۲۰۷۶. ۲۰۷۶ گاهی هم به مسائلی فراتر از مسائل محسوس و پیرامونی فکر می‌کنیم؛ مثلاً درباره گذشته و آینده، یا درباره موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی می‌اندیشیم و برای خود نظر و باوری هم داریم.

۲۰۷۷. ۲۰۷۷ شناخت ما از جهان امری است که به تدریج حاصل می‌شود.

### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۸ شناخت می‌تواند به صورت ناآگاه حاصل شود.

گزینه ۹ شناخت انسان خطاب‌ذیر است.

گزینه ۱۰ انسان ممکن است سعی کند که امور نامحسوس را نیز بشناسد.

**۲۱۱۱.** ۳ کودکان نیز به معنای می‌دانم آگاهاند. انسان‌ها اکثراً شناخت را بدینه می‌دانند و از زیر سؤال رفتنش تعجب می‌کنند و انسان در تمامی اعمال نیاز به شناخت دارد و شناخت چه در گذشته و چه در حال حاضر انکار شده است.

**۲۱۱۲.** ۲ شکاکیت مطلق یعنی شک در اصل دانستن همه دانسته‌ها در گزینه ۲، نیز اصل دانستن زیر سؤال رفته است.

**۲۱۱۳.** ۲ اینکه ما با دیگری سخن می‌گوییم، اینکه به سمت چیزی می‌رویم یا از چیزی دور می‌شویم و اینکه می‌کوشیم از خطرها فاصله بگیریم، همه این‌ها نشانه توانایی ما در دانستن است.

**۲۱۱۴.** ۱ گذشته به اموری مربوط می‌شود که دیگر نیستند، بنابراین تفکر در مورد آن، تفکر به امور غیرمحسوس است. گاهی ممکن است در شناخت دچار خطأ شده باشیم. (رد گزینه ۲) شناخت ما امری است که به تدریج حاصل می‌شود. (رد گزینه ۳) اختلاف نظرها نشانه نسبی بودن حقیقت نیستند، بلکه می‌توانند یکدیگر را قانع کنند. (رد گزینه ۴)

**۲۱۱۵.** ۲ «ناتوانی انسان در درک حقیقت و رسیدن به علم مطابق با واقعیت» از عقاید سوفیست‌ها است.

**۲۱۱۶.** ۱ امور نامحسوس، موجودات غیرمادی هستند که نه با حواس و نه با ابزاری که با حواس کار می‌کنند، قابل درک نیستند؛ مانند فرشتگان.

**۲۱۱۷.** ۲ «آسمان»، «زمین»، «کتاب» و «خانه» قابل حسن‌اند. «انرژی» هم با دستگاه‌هایی قابل درک است؛ اما «خداآنده» و «فرشته» با حسن یا ابزار حسی قابل درک نیستند.

**۲۱۱۸.** ۱ محسوسات همه پدیده‌های جهان مادی را دربر می‌گیرد، نه فقط برخی از آن‌ها را.

**۲۱۱۹.** ۱ امور محسوس اموری هستند که با حواس قابل درک‌اند. محسوسات همه پدیده‌های جهان مادی را دربر می‌گیرد؛ بنابراین رابطه این دو تساوی است.

**۲۱۲۰.** ۱ تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت موجب می‌شود پرسش‌هایی درباره ابعاد گوناگون شناخت برای ما پیش بیايد.

**۲۱۲۱.** ۲ الکترون‌ها و امواج و یا سیاره‌های دورافتاده که با دستگاه و ابزار قابل درک هستند، جزء امور محسوس‌اند. در کتاب درسی عنوان شده «ما گاهی درباره اموری برتر از حواس‌مان هم فکر می‌کنیم، مثلاً درباره گذشته و آینده...»؛ پس گذشته و آینده نیز جزء امور نامحسوس محسوب می‌شوند.

**۲۱۲۲.** ۲ در گذشته برخی از مباحث معرفت‌شناسی در ضمن مباحث فلسفی طرح می‌شد؛ اما امروزه به علت طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه‌های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده که به آن «معرفت‌شناسی» یا «نظریه معرفت» می‌گویند.

**۲۱۲۳.** ۲ باید به واره‌های اصلی دقت کنید بحث تفاوت نظرات؛ درستی قسمت اول گزینه «۲». بحث تکمیل و گسترش شناخت؛ درستی قسمت دوم گزینه «۲»، بحث کوچک بودن شناخت علی‌رغم گستردگی؛ درستی قسمت سوم گزینه «۲».

**۲۱۲۴.** ۲ در واقع معرفت‌شناسی ذیل فلسفه است، ولی از این علم مستقل شده است. از آنجایی که فیلسوف اندیشمند (ناگزیر درباره خود اندیشیدن و شناخت نیز نگاهی دارد)؛ پس باید درباره معرفت‌شناسی نیز نظر بدهد.

**۲۱۲۵.** ۲ امروزه به علت طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت و ظهور دیدگاه‌های گوناگون، این بخش از فلسفه به صورت شاخه مستقلی درآمده که به آن معرفت‌شناسی یا نظریه معرفت می‌گویند.

### ۲۱۲۶. ۳ بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ ما گاهی تفاوت نظرات را متوجه می‌شویم نه همواره.

گزینه ۲ حرکت در مسیر شناخت با آموختن است.

گزینه ۳ ما موجوداتی هستیم که از خود و جهان نیز شناختی داریم.

**۲۰۹۴.** ۲ امکان معرفت یک امر بدینه است، بنابراین شکاکیت مطلق یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها امکان‌پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری می‌دهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است.

**۲۰۹۵.** ۲ گرگیاس در نوشهای با عنوان «درباره طبیعت» می‌گوید: اولاً چیزی وجود ندارد؛ ثانیاً اگر چیزی هم وجود داشته باشد برای انسان قابل شناخت نیست.

**۲۰۹۶.** ۱ امکان معرفت یک امر بدینه است و امور بدینه قابل اثبات نیستند.

**۲۰۹۷.** ۱ شکاکیت مطلق یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است.

**۲۰۹۸.** ۳ ما وجود خودمان را درک می‌کنیم، وجود افراد و اشیای پیرامون خود را حسن می‌کنیم و کمترین تردیدی نداریم که اشیایی در پیرامون ما هستند. بنابراین کسی به طور طبیعی در امکان اصل معرفت شک نمی‌کند.

**۲۰۹۹.** ۲ نظریه شکاکیت مطلق دچار تناقض است و اصولاً امکان‌پذیر نظیرهای وجود ندارد.

**۲۱۰۰.** ۳ دانش بشر به دو صورت پیشرفت می‌کند و کامل‌تر می‌شود. اول با دستیابی به دانش‌های جدید درباره اشیا و دوم از طریق بی‌بردن به اشتباها گذشتگان و تصحیح معلومات آن‌ها

**۲۱۰۱.** ۳ دانش بشر به دو صورت پیشرفت می‌کند و کامل‌تر می‌شود. اول با دستیابی به دانش‌های جدید درباره اشیا و دوم از طریق بی‌بردن به اشتباها گذشتگان و تصحیح معلومات آن‌ها.

**۲۱۰۲.** ۴ یکی از ویژگی‌های انسان، توانایی شناختن است. ما اشیا و پدیده‌های پیرامون خود را شناسایی می‌کنیم و از طریق این شناخت با آن‌ها ارتباط برقرار کرده و از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

**۲۱۰۳.** ۲ ما گاهی درباره اموری برتر از حواس‌مان هم فکر می‌کنیم؛ برای مثال درباره گذشته و آینده یا درباره موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی می‌اندیشیم.

**۲۱۰۴.** ۴ «تنهای گزینه‌ای است که درباره امکان معرفت نادرست است. (این نظریه گرگیاس - یکی از سوفیست‌های معروف - است).»

**۲۱۰۵.** ۳ معنا و مفهوم معرفت چنان روشی است که نیاز به تعریف ندارد. همین که ما با طرف مقابل خود صحبت می‌کنیم، یا لیوان آبی را برمی‌داریم و یا ... گویای آن است که ما قادر شناخت نداریم.

**۲۱۰۶.** ۴ گرگیاس که یکی از سوفیست‌ها بود، می‌گفت چیزی برای انسان قابل شناخت نیست، اما اگر چیزی برای انسان قابل شناخت نیز باشد، نمی‌تواند آن را به دیگری بیاموزد.

**نکته:** گرگیاس اصل شناخت را زیر سؤال می‌برد.

**۲۱۰۷.** ۲ امکان معرفت یک امر بدینه است و کمترین تردیدی نداریم که اشیایی در پیرامون ما هستند. بنابراین کسی به طور طبیعی در امکان اصل معرفت شک نمی‌کند. وجود اشتباها در معرفت دلیل بر ناتوانی بشر در کسب معرفت نیست.

به همین دلیل بر درک جهان تلاش کرده و معرفت خود را افزایش داده است. گرگیاس معتقد است که اگر هم چیزی وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست.

**۲۱۰۹.** ۳ انکار شناخت مستلزم تناقض است.

**۲۱۱۰.** ۴ گرگیاس یکی از سوفیست‌هایی بود که با انواع مغالطه‌ها، منکر دستیابی به معرفت و انتقال آن به دیگران بود. شکاکیت مطلق هم یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها.

**۲۱۴۱.** واقعیت به جهان مستقل از ذهن گفته می‌شود. حال آنکه امکان معرفت در خصوص معرفت انسان از خود، از حالات و احساسات خود و مفاهیم اعتباری نیز سخن می‌گوید.

**۲۱۴۲.** گرگیاس در نوشته‌ای با عنوان «درباره طبیعت» می‌گوید: اولاً چیزی وجود ندارد. (انکار واقعیت و حقیقت) ثانیاً اگر چیزی هم وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست. (انکار معرفت و شناخت) ثالثاً اگر برای انسان شناخت باشد، نمی‌توان آن را به دیگری آموخت و منتقل کرد. (انکار آموزش و تربیت)

**۲۱۴۳.** شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها.

**۲۱۴۴.** گرگیاس «درباره طبیعت» می‌گوید: «اولاً چیزی وجود ندارد. ثانیاً اگر چیزی هم وجود داشته باشد، برای انسان قابل شناخت نیست. ثالثاً اگر برای انسان قابل شناخت باشد، نمی‌توان آن را به دیگری آموخت و منتقل کرد.»

**۲۱۴۵.** البته ما می‌دانیم که حقایق بسیاری وجود دارد که انسان هنوز نتوانسته آن‌ها را بشناسد. همچنین ممکن است ما در توانایی خود برای شناخت برخی امور شک کنیم؛ مثلاً با خود بگوییم که «ایما می‌توانیم به همه اسرار معنی بی ببریم؟» اما این شک غیر از شک در امکان اصل شناخت است.

**۲۱۴۶.** ... ما قدرت شناخت داریم؛ در غیر این صورت ممکن نبود ما عملی انجام دهیم.

**۲۱۴۷.** اینکه ما شک کنیم که صور اشیا در ذهن ما اعتباری است یا نه، بیانگر این است که ما به وجود اشیا در پیرامون خود شک داریم و شناخت خود و صور اشیا را امری اعتباری و حاصل فعالیت ذهن خود می‌دانیم نه اموری که حاکی از حقیقت در عالم واقع باشند.

**۲۱۴۸.** آنچه در گزینه «۲» بیان شده ربطی به امکان شناخت ندارد؛ زیرا هر چند سوfigستها شناخت را انکار می‌کرند، منکر این نبودند که می‌توان در دادگاهها بر دیگران پیروز شد.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه **۱** وقتی می‌توان چنین کرد که بدانیم امکان شناخت برای انسان فراهم است.

گزینه **۲** وقتی می‌توانیم به اشتباهمان بی ببریم که بدانیم می‌توانیم آنچه را درست است بشناسیم و اینکه می‌پذیریم حقیقت را می‌توان کشف کرد، نشانه پذیرش امکان شناخت است.

گزینه **۳** این کار هم در صورتی ممکن است که شناخت برای انسان ممکن فرض شود.

**۲۱۴۹.** افرادی مانند گرگیاس شیوه عقلی داشتند. او از مقدمات نتایج نادرستی می‌گرفت. این روش در نوشته‌های او در اثرش به نام «درباره طبیعت» مشهود است؛ پس اشتباه است اگر بگوییم او از روش حسی-تجربی استفاده می‌کرد.

**نکته:** گرگیاس می‌گفت اصلاً چیزی وجود ندارد؛ اما او بیان کرد اگر چیزی وجود داشته باشد (شرط)، برای انسان شناختی نیست. پس او در شرایطی خاص، شناخت را نسبی می‌دانست.

**۲۱۵۰.** شکاک مطلق به اصل دانستن و همه دانسته‌ها شک می‌کند، پس باید به وجود خود نیز شک کند؛ زیرا خود بی بردن به این وجود حاصل یک دانش است.

**۲۱۵۱.** شکاکیت مطلق یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق ناسازگار است. لازم به ذکر است همین که این شخص در خصوص معرفت یک نظریه می‌دهد یعنی آن که در عمل به همه چیز شک نکرده است.

**۲۱۵۲.** گاهی همین امر بدیهی (امکان شناخت) چه در گذشته و چه در زمان حال انکار شده است. معنا و مفهوم شناخت، چنان روشن است که نیازی به تعریف ندارد و بیان کلماتی در تعریف شناخت نیز در واقع معادل‌های لغوی آن است.

**۲۱۲۷.** گاهی متوجه می‌شویم که افراد مختلف درباره موضوع واحد نظرها و باورهای متفاوت دارند.

**۲۱۲۸.** یکی از ویژگی‌های انسان شناختن است. ما اشیا و پدیده‌های پیرامون خود را شناسایی می‌کنیم و از طریق این شناخت با آن‌ها ارتباط برقرار کرده و از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

**۲۱۲۹.** فرشته موجودی غیرمادی است، پس اگر کسی معتقد باشد نمی‌توان امور نامحسوس را شناخت نباید در مورد آن اظهار نظر کند. اما نمی‌توان گفت چنین کسی در امری بدیهی تردید کرده است؛ زیرا این امکان معرفت است که امری بدیهی است نه امکان معرفت امور غیرمادی.

**۲۱۳۰.** ما می‌دانیم که علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما در مجموع محدود است.

**۲۱۳۱.** ما گاهی درباره امور برتر از حواس خود هم فکر می‌کنیم. مثلاً درباره گذشته و آینده یا درباره موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی می‌اندیشیم و در این زمینه‌ها نظر و باوری هم داریم؛ بنابراین شکی نیست که ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم.

**۲۱۳۲.** اینکه ما با دیگری سخن می‌گوییم، اینکه به سمت چیزی می‌رویم یا از چیزی دور می‌شویم، اینکه می‌کوشیم از خطرها فاصله بگیریم و به سمت چیزی برویم که به آن تمایل داریم، همه این‌ها ناشی از دانستن و شناختن است. تمامی گزینه‌ها در متن آمده است و از نتایج شناخت است؛ ولی گزینه «۳» ناشی از طبیعت بدن انسان است که گرسته شود یا به غذا تمایل پیدا کند.

**۲۱۳۳.** انسان هیچ‌گاه نمی‌تواند همه حقایق جهان را بشناسد. «ما آگاه هستیم که در کنار دانسته‌ها و آموخته‌ها، حقایق فراوان دیگری هم در عالم هست که آن‌ها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم.»

**نکته:** علم بشر همواره محدوده است.

#### بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه **۱** یکی از سؤالاتی که در معرفتشناسی مطرح می‌شود، چراًی تفاوت شناخت افراد از یک موضوع است.

گزینه **۲** گاهی متوجه می‌شویم که بعضی از دانسته‌های ما درست نبوده و دچار خطأ شده‌ایم.

گزینه **۳** اینکه به سمت چیزی می‌رویم یا از چیزی دور می‌شویم و اینکه می‌کوشیم از خطرها فاصله بگیریم، نشانه توانایی ما در دانستن است.

**۲۱۳۴.** ما اشیا و پدیده‌های پیرامون خود را شناسایی می‌کنیم و از طریق این شناخت با آن‌ها ارتباط برقرار کرده و از آن‌ها استفاده می‌کنیم.

**۲۱۳۵.** علی‌رغم گستردگی شناخت و فهم ما از جهان و خود، شناخت ما در مجموع محدود است؛ یعنی ما آگاه هستیم که در کنار آن دانسته‌ها و آموخته‌ها، حقایق فراوان دیگری در عالم هست که آن‌ها را نمی‌دانیم و نمی‌شناسیم.

**۲۱۳۶.** کسی که می‌گوید «توب آنجاست»، به این معناست که او به وجود توب در آنجا آگاه و عالم است و مابهای آگاهی او، یک توب است که در آنجاست.

**۲۱۳۷.** معنا و مفهوم معرفت و شناخت چنان روش است که نیازی به تعريف ندارد.

**۲۱۳۸.** معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روش است که نیازی به تعريف ندارد. معرفت یا شناخت همان دانستن و آگاهی نسبت به چیزی است.

**۲۱۳۹.** معنا و مفهوم معرفت و شناخت، روش است و نیازی به تعريف ندارد (نه اینکه نمی‌توان تعريف کرد).

**۲۱۴۰.** معنا و مفهوم معرفت و شناخت، چنان روش است که نیازی به تعريف ندارد و بیان کلماتی در تعريف شناخت نیز در واقع معادل‌های لغوی آن است.

## بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ گاهی همین امر بدیهی یعنی شناخت، چه در گذشته و چه در زمان حال انکار شده است. - کسی به طور طبیعی در امکان اصل معرفت شک نمی‌کند.

گزینه ۲ درست - ممکن است ما در توانایی خود برای شناخت برعی امور شک کنیم؛ اما این شک، غیر از شک در امکان اصل شناخت است.

گزینه ۳ معرفت‌شناسی به خود پدیده شناخت می‌پردازد. - بشر وجود اشتباه را به معنای ناتوانی در کسب معرفت تلقی نمی‌کند.

۲۱۶۴ ۴ شناخت ماز جهان امری است که به تدریج حاصل می‌شود. به عبارت دیگر ما از آغاز تولد همه چیز را نمی‌دانیم، بلکه گام به گام با پدیده‌های جهان آشنا می‌شویم؛ یعنی با عمل آموختن و یادگیری در مسیر شناخت پیش می‌رویم.

۲۱۶۵ ۵ تدریجی بودن شناخت بدین معناست که علم انسان نسبت به موضوعات به صورت تدریجی شکل می‌گیرد. نه اینکه به یکباره مجهولات انسان به معلومات تبدیل شود. وجود اختلاف نظر در بین دانشمندان به دلایل دیگری غیر از تدریجی بودن شناخت برمی‌گردد.

۲۱۶۶ ۶ موارد ۱۰، ۱۱ و ۱۲ در چیستی معرفت طرح شده است و مورد ۱۱ نیز بدیهی است.

۲۱۶۷ ۷ انسان قادر به شناخت هر چیز همان‌گونه که هست، نمی‌باشد؛ زیرا شناخت بشر محدودیت‌هایی دارد. چیزهایی وجود دارند که بدون حواس و با عقل درک می‌شوند. شناخت حسی همیشه مشکوک نیست.

۲۱۶۸ ۸ معرفت‌شناسی همیشه بخشی از فلسفه بوده و خواهد بود. منظور از استقلال معرفت‌شناسی این است که مباحث این علم با طرح سوال‌های اساسی تر و جدی‌تر پیگیری خواهند شد.

۲۱۶۹ ۹ تأمل درباره مسائل مربوط به شناخت، به طرح پرسش‌هایی درباره آن انجامیده است. پرسش‌هایی از این قبیل که شناخت چیست؟ (ماهیت و چیستی شناخت)، آیا شناخت اساساً ممکن است؟ (امکان شناخت)، شناخت‌های ما تا چه اندازه ارزش دارند؟ (نسبیت یا قطعیت در شناخت) ۱۰ پیشرفت علم و دانش، دلیلی بر توانایی بشر برای رسیدن به معرفت است.

## بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ کانت باعث رشد شاخه معرفت‌شناسی در فلسفه شد.

گزینه ۲ معرفت‌شناسی امروزه به دلیل طرح پرسش‌های جدی و جدید درباره معرفت، به صورت شاخه‌ای مستقل درآمده است.

گزینه ۳ سوفیست‌ها معتقد بودند انسان‌ها توان رسیدن به حقیقت را ندارند.

## درس هفتم: ابزارهای شناخت

۲۱۷۰ ۴ یکی از نشانه‌های ارزش و اعتبار شناخت حسی که زمینه تفکر عقلی قرار می‌گیرد، توانایی ما در شناخت تفاوت‌ها و تمایزهای اشیاست.

۲۱۷۱ ۵ نادیدنی‌ها می‌توانند امواجی باشند که با ابزار خاص دیده شود.

## بررسی سایر گزینه‌ها

گزینه ۱ برعی حواس هستند که برعی حیوانات در آن توانند.

گزینه ۲ محدوده شناخت متفاوت است و قوت و ضعف حیوانات و انسان در شناخت متفاوت است.

گزینه ۳ در جهان مادی نیز نمی‌توان برعی چیزها را دید.

۲۱۷۲ ۴ قلب انسان حقیقت را چنان درمی‌یابد که گویی انسان را با چشم می‌بیند. امور محسوس با حواس قابل درک هستند.

۲۱۷۳ ۵ عالم محسوسات محدود به جهانی نیست که ما با حواس خود درک می‌کنیم؛ بلکه برای درک بسیاری از این امور به ابزار و وسایل ویژه تیار‌مندیم. به هر صورت در نهایت به وسیله حواس قابل ادراک هستند.

۲۱۵۳ ۶ البته ما می‌دانیم که حقایق بسیاری وجود دارد که هنوز انسان نتوانسته آن‌ها را بشناسد. همچنین ممکن است ما در توانایی خود برای شناخت برعی امور شک کنیم؛ مثلًا با خود بگوییم که «ایا ما می‌توانیم به همه اسرار مغز پی ببریم؟» اما این شک، غیر از شک در امکان اصل شناخت است. پس هم معنای معرفت و هم امکان رسیدن به آن برای هر انسانی روش است و شکاکیت مطلق، یعنی شک در اصل دانستن و همه دانسته‌ها، امکان پذیر نیست و اگر کسی چنین نظری بدهد، گرفتار یک تناقض شده و همین نظر او با شک مطلق سازگار نیست.

۲۱۵۴ ۷ دانش بشر به دو صورت پیشرفت می‌کند و کامل‌تر می‌شود: اول، با دستیابی به دانش‌های جدید درباره اشیا و دوم، از طریق پی‌بردن به اشتباهات گذشتگان و تصحیح معلومات آن‌ها متشكل از دو نوع: ۸ جدید ۹ تصحیح.

۲۱۵۵ ۱۰ از آنجا که بشر به طور طبیعی به امکان شناخت خود و پدیده‌های دیگر باور داشته و وجود اشتباه را به معنای ناتوانی بشر در کسب معرفت تلقی نمی‌کرده، از ابتدای زندگی روی زمین برای درک جهان تلاش کرده و معرفت و شناخت خود را افزایش داده است.

۲۱۵۶ ۱۱ افزایش پیوسته علم، توانایی بشر در شناخت اشیای پیرامونی است.

۲۱۵۷ ۱۲ از آنجا که شناخت گستره است و بشر تنها بخشی محدود از آن را می‌شناسد، همواره می‌تواند تکمیل شود.

۲۱۵۸ ۱۳ دانش ما درباره کیهان و سیاره‌ها پیوسته در حال تکمیل و تصحیح است. از جهت تکمیل، منجمان به تدریج ستارگان و سیارات بیشتری را شناسایی کرده‌اند و انتظار دارند که در آینده نیز کرات دیگری را بشناسند. در جهت تصحیح نیز ستاره‌شناسان به طور پیوسته برعی از دانش‌های گذشتگان را اصلاح نموده‌اند.

پایه  
یازدهم

## بررسی عبارت‌های نادرست

عبارت ۱۴ ما از آغاز تولد، همه چیز را نمی‌دانیم.

عبارت ۱۵ ما در توانایی خود برای شناخت امور شک می‌کنیم، اما این شک غیر از شک در امکان اصل شناخت است.

عبارت ۱۶ ۱۶ معنا و مفهوم معرفت و شناخت چنان روشن است که نیازی به تعریف ندارد.

۲۱۶۰ ۱۷ ما گاهی درباره اموری برتر از حواسمان هم فکر می‌کنیم؛ مثلًا درباره گذشته و آینده یا درباره موجودات نامحسوس و جهانی غیر از جهان مادی می‌اندیشیم و در این زمینه‌ها نظر و باوری هم داریم؛ بنابراین شکی نیست که ما موجودی هستیم که از خود و جهان پیرامون خود شناختی داریم.

۲۱۶۱ ۱۸ در این جمله اولاً فرض شده است که وجود ماشین در پارکینگ یک واقعیت است (گزینه ۴)؛ زیرا گوینده اعتقاد دارد، باور او یک باور مطابق با واقع است. پیش‌فرض بعدی امکان شناخت است (گزینه ۱)، زیرا اگر شناخت و آگاهی پیدا کردن ممکن نباشد، بی‌معناست که به درست بودن باور و آگاهی خود معتقد باشیم. اعتقاد به درست بودن این باور با پیش‌فرض صحت عملکرد ابزارهای شناخت ملازم هم دارد (گزینه ۳)؛ چرا که غیر از این باشد سخن گفتن از شناخت درست بی‌معنا خواهد بود.

۲۱۶۲ ۱۹ اینکه می‌کوشیم از خطرها فاصله بگیریم و به سمت چیزی که به آن تمایل داریم برویم، همه این‌ها تاثی از دانستن و شناختن است.

۲۱۶۳ ۲۰ گذشتگان چنین می‌اندیشیدند که رنگ یکی از خواص ویژگی‌های هر جسم است؛ یعنی یک جسم همان‌طور که طول، عرض و ضخامت دارد، یکی از رنگ‌ها را هم دارد.

۲۱۶۴ ۲۱ شکاکیت مطلق امکان پذیر نیست و همچنین ما کمترین تردیدی نداریم که اشیایی پیرامون ما هستند.

۱) زعان پیشنهادی: ۱۵ دقیقه

۴۰۵۲. چرا افلاطون را ابداع‌کننده خداشناسی فلسفی می‌دانند؟  
 ۱) زیرا نخستین فیلسوف یونانی بود که درباره خدا سخن گفت.  
 ۳) زیرا برای دفاع از سقراط دست به بررسی خدایان زد.

**۴۰۵۳. در ایران باستان از خداوند چه تعبیری می‌کردند؟**

- ۱) زئوس خدای آسمان و باران است.  
 ۳) آپولون خدای خورشید، هنر و موسیقی است.

**۴۰۵۴. سقراط به چه اتهامی مجازات شد؟**

- ۱) انکار خدایان آرتمیس، زئوس و آپولون که صاحب حقایق متعددند.  
 ۳) باور به خدای برتر و مدبر هستی که صاحب حقایق متعدد است.

**۴۰۵۵. کانت، فیلسوف عقل‌گرای قرن هجدهم، برای پذیرش خدا، با کدام فیلسوف پیشین راه متفاوتی را پیمود و از چه طریقی خدارا اثبات کرد؟**

- ۱) دکارت - تجربه‌های معنوی و درونی ۲) ارسطو - اخلاق و وظایف اخلاقی ۳) دکارت - اخلاق و وظایف اخلاقی ۴) ارسطو - تجربه‌های معنوی و درونی

**۴۰۵۶. استدلالی که کانت برای اینکه زندگی جمعی انسان بدون اصول اخلاقی و رعایت آن امکان‌پذیر نیست، در کدام گزینه ذکر شده است؟**

- ۱) رفع تالی ۲) وضع مقدم ۳) قیاس ۴) عکس مستوی

## ۲۷ فلسفه دوازدهم درس ششم

**۴۰۵۷. فیلسوفی را فرض کنید که با استعانت از شهود و استدلال وجود خدا را پذیرفته است. کدام گزینه در مورد او درست است؟**

- ۱) چنین کسی فیلسوف نیست؛ زیرا روش او غیرفلسفی است.  
 ۲) رویکرد او نسبت به خدا یک رویکرد فلسفی است؛ زیرا از استدلال بهره برده است.  
 ۳) بحث او فلسفی نیست؛ زیرا از شهود استفاده کرده است.

**۴۰۵۸. اصل تقدم علت بر معلول مبنای کدام‌یک از براهین زیر است؟**

- ۱) نفی تسلسل علل نامتناهی در ابن سينا  
 ۳) اثبات خدا در ابن سينا

**۴۰۵۹. تسلسل علل نامتناهی چگونه ممکن است؟**

- ۱) تسلسل علل نامتناهی محال است، نه ممکن  
 ۳) ابتدا داشتن علت نخستین بر سلسله نامتناهی

**۴۰۶۰. بر طبق دیدگاه الهیون کدام‌یک از معیارهای زندگی معنادار نیست؟**

- ۱) وجود مابهازی واقعی برای خیر و زیبایی  
 ۳) بی اعتباری آرمان‌های فراتر از زندگی مادی

**۴۰۶۱. ابن سينا به ترتیب علت پیدایش و بقای موجودات را چه می‌داند؟**

- ۱) علت نخستین - اشتیاق ذاتی ۲) عشق الهی - ذوق فطری

**۴۰۶۲. کدام گزینه درباره پذیرش یا رد عقیده، نزد فیلسوف درست است؟**

- ۱) فیلسوف خواه مسلمان، خواه مسیحی، هیچ عقیده‌ای را نمی‌پذیرد و رد نمی‌کند.

- ۲) فیلسوف معتقد به خدا، ابتدا آن را پذیرفته، سپس با استدلال عقلی از آن دفاع می‌کند.

- ۳) فیلسوف بر اساس قواعد فلسفی عقیده‌ای را می‌پذیرد و از آن دفاع می‌کند.

- ۴) فیلسوف مسلمان معتقد به خداست؛ ولی فیلسوفان دیگر آن را انکار می‌کنند.

**۴۰۶۳. کدام گزینه درباره معناداری حیات از نظر فلاسفه مسلمان نادرست است؟**

- ۱) اعتقاد به خدا می‌تواند به زندگی معنا دهد و انسان را وارد مرتبه‌ای برتر از زندگی کند.

- ۲) انسان با اعتقاد به خدا، به مرحله‌ای می‌رسد که می‌تواند در ارتباط روحی و معنوی با او زندگی کند.

- ۳) انسان معتقد به خدا، معیارهای یک زندگی معنادار را به دست می‌آورد و خود را مسئول می‌داند.

- ۴) انسان با اعتقاد به خدا، آرمان‌های مقدس زندگی مادی را معتبر و درست می‌داند.

**۴۰۶۴. کدام گزینه از مقدمات برهان فارابی در اثبات خدا نیست؟**

- ۱) محال بودن تسلسل علل نامتناهی

- ۳) تقدم وجودی علت بر معلول

**۴۰۶۵. کدام گزینه از معیارهای زندگی معنادار در منظور فیلسوف الهی نیست؟**

- ۱) جهان غایتمند است و می‌توان آن را توضیح داد. در برایر یک وجود متعالی و برتر باید احساس تعهد و مسئولیت داشت.

- ۲) انسان موجودی هدفمند است و می‌تواند این هدف را مشخص کند.

- ۳) انسان گرایش فطری به خیر و زیبایی دارد؛ گرچه مابه ازایی برای آن وجود ندارد.

- ۴) آرمان‌های مقدس و فراتر از زندگی مادی معتبر و درست است.

۴.۶۶. طبق تسبیت‌های چهارگانه کدام گزینه زیر درست است؟



واجب الوجود بالغير

۴.۶۷. کدام یک از گزینه‌های زیر درست است؟

(۱) اشیای جهان از آن حیث که موجودند، واجب‌الوجود محسوب می‌شوند.

(۲) واجب‌الوجود بالغیر بخشی از وجود است که نمی‌تواند وجود نداشته باشد.

(۳) واجب‌الوجود بالذات موجوداتی را گویند که قبل از وجود در حالت تساوی وجود و عدم بوده‌اند.

(۴) ضرورت‌بخشی واجب‌الوجود بالذات برای وجود‌بخشی به ممکن‌الوجود از یک امر بیرونی است.

۴.۶۸. در خصوص اثبات وجود خدا و معناداری حیات کدام گزینه درست است؟

(۱) قاعده‌تاً معناداری حیات برای انسان، مقدم بر اثبات وجود خداست.

(۲) ابن سينا عشق را عامل معناداری حیات می‌دانست.

(۳) آبر کامو پس از انکار خدا، نیاز به معنا در انسان را نیز منکر شد.

(۴) آبر کامو جهان را دارای معنی ولی کشف معنای آن را محال می‌دانست.

۴.۶۹. هر یک از واژگان مشخص شده در شعر زیر بیان‌گر چه مفهوم فلسفی‌ای به بیان ملاصدرا هستند؟

بود نامحرمان را چشم و دل کور و گرنه هیچ ذره نیست بی نور

که تادانی که در هر ذره خاک یکی نوری است تابان گشته زان پاک

(۱) وجود - واجب‌الوجود (۲) عنایت خداوند - غنی‌بالذات (۳) وجود - غنی‌بالذات (۴) عنایت خداوند - غنی‌بالذات

۴.۷۰. چه تعداد از عبارات زیر درباره برهان وجوب و امکان درست است؟

(الف) بر اساس این برهان ممکن است ده واجب‌الوجود بالذات وجود داشته باشد.

(ب) نام و جوب و امکان را شیخ‌الرئیس برای این برهان برگزیده است.

(ج) در این برهان بیان می‌شود موجودات جهان همه در ذات خود واجب‌الوجود بالغیر هستند.

(۱) صفر (۲) یک (۳) دو (۴) سه

۴.۷۱. کدام گزینه به مقدمه دوم فارابی در اثبات وجود خدا مربوط است؟

(۱) عمر معلوم نمی‌تواند بیشتر از عمر علت باشد.

(۲) عمر معلوم از عمر علت مربوط است.

(۳) هر معلومی علتی دارد.

🕒 زمان پیشنهادی: ۱۵ دقیقه

## ۲۸ فلسفه دوازدهم درس هفتم

۴.۷۲. کدام گزینه در خصوص مصدق و وجودی عقل درست است؟

(۱) آن‌ها نمی‌توانند از طریق استدلال کردن به علمی بررسند.

(۳) فرشتگان کاملاً از ماده و جسم مجرد هستند.

۴.۷۳. عقل در اروپا، در کدام گزینه به درستی توصیف شده است؟

(۱) در دوره اول حاکمیت مسیحیت در اروپا (حدود قرن سوم تا دهم) بزرگان کلیسا دخالت و چون و چرا کردن عقل را عامل تضعیف ایمان می‌دانستند.

(۲) همه بزرگان کلیسا عقل را امری شیطانی می‌پنداشتند و در برابر استدلال‌های عقلی می‌ایستادند و می‌گفتند که ایمان قوی از آن کسی است که در برابر شبیه‌های عقل بایستد و در ایمان خود استوار بماند.

(۳) در دوره دوم حاکمیت کلیسا، به خصوص در قرن‌های دهم تا سیزدهم، فیلسوفان و حکماء مسیحی تحت تأثیر مطالعه کتاب‌های ابن سينا و ابن رشد و سایر فیلسوفان مسلمان، به عقل و تبیین عقلاتی مسائل دینی روی آوردند.

(۴) دکارت روش تجربی را بهترین راه برای پیشرفت بشر می‌دانست و از فیلسوفان خواست که از بتهایی که فلاسفه قدیم برای ما ساخته‌اند، دست بردارند و فقط به آنچه از طریق تجربه به دست می‌آید تکیه کنند.

## آزمون بیست و هفتم

- ۴.۵۷ بحث فیلسوف، خواه مسلمان، خواه مسیحی و خواه پیرو هر مسلک دیگر درباره خدا، تا وقتی فلسفی است که از روش فلسفه، یعنی استدلال عقلی تعاظز نکند و نتایج تفکر خود را به صورت استدلای ارانه کند؛ بنابراین بحث فیلسوفی که در سؤال توصیف شده فلسفی نیست؛ زیرا از روشی غیر از استدلال بهره برده است.
- ۴.۵۸ فارابی در رد تسلسل علل نامتناهی از اصل تقدم علت بر معلول استفاده می کند. از نظر وی وجود علت مقدم بر وجود معلول است و وجود معلول مشروط به وجود علت است؛ از همین رو سلسله علل تا بی نهایت ادامه ندارد و به علتی که معلول نیاشد، منتهی می شود. از برهان فارابی در جهت اثبات خدا کمک گزینه می شود؛ اما تقدم علت بر معلول مستقیماً برای نفی تسلسل علل نامتناهی استفاده شده است.
- ۴.۵۹ زیرا وجود زنجیره و سلسله ای نامتناهی از موجودات مشکلی ندارد، چنانچه علتی که معلول دیگری نیست و خود علت تمام معلول هاست در رأس سلسله باشد.
- ۴.۶۰ زیرا یکی از معیارهای زندگی معنادار که با پذیرش وجود خداوند حاصل می شود معتبر دانستن آرمان های مقدس و فراتر از محسوسات و مادیات است.
- ۴.۶۱ زیرا از نظر ابن سينا عشق خداوند به کل هستی سبب پیدایش جهان ممکنات است و جهان بر مبنای عشق خداوند برقا و باقی است. این عشق در نهاد انسان قرار داده شده است و بر حسب این عشق الهی مشتاق به خیرات اند. اشتیاق ذاتی و ذوق فطری همین عشق الهی است که سبب بقای ممکنات است.
- ۴.۶۲ فیلسوف کسی نیست که عقیده ای نداشته باشد (رد گزینه ۱) فیلسوف معتقد به خدا، از طریق استدلال به خدا اعتقاد پیدا کرده است؛ ابتدا آن را پذیرفته (رد گزینه ۲) هر فیلسوفی (مسلمان یا مسیحی یا هر مسلک دیگری) با استدلال عقلی به خدا اعتقاد پیدا می کند. (رد گزینه ۴)
- ۴.۶۳ با پذیرش وجود خداوند به معیارهای زندگی معنادار دست می یابد از جمله: آرمان های مقدس و فراتر از زندگی مادی را معتبر و درست می داند. (نه آرمان های زندگی مادی را)
- ۴.۶۴ فارابی یا بیان سه مقدمه خدا را به عنوان علة العلل اثبات می کند که اصل سنخیت هیچ کدام از آن ها نیست.
- ۴.۶۵ برای گرایش فطری انسان به خیروزیابی مابهارتی واقعی وجود دارد.
- ۴.۶۶

واجب الوجود بالذات

واجب الوجود بالغير

- ۴.۶۷ طبق نظر ابن سينا ممکن الوجودها بعد از ضرورت پیدا کردن برای وجود توسط واجب الوجود بالذات (از درون ذات مفهوم) واجب الوجود بالغير خوانده می شوند.
- گزینه ۱۱) اشاره ای به نوع واجب الوجود ندارد؛ اما اشیای جهان ممکن الوجود ای ای هستند که به وجود پیوسته و واجب الوجود بالغير خوانده می شوند.
- ۴.۶۸ اثبات وجود خدا مقدم است بر معناداری حیات برای انسان (رد گزینه ۱) آبر کامو معتقد بود انسان یه دنیال نوعی معناست که با وجود بی معنایی جهان هستی باید آن را در وجود خود زنده نگه دارد. (رد گزینه های ۲ و ۴)
- ۴.۶۹ شعر بیان شده در بی نظریه ملاصدرا ذکر شده است که «نور» بیانگر وجود و «پاک» بیانگر غنی بالذات یا همان خداوند است.

## آزمون بیست و ششم

- ۴.۴۲ زنوس ← آسمان و باران  
آپولون ← خورشید، هنر و موسیقی  
ارتیس ← عفت و خویشن داری
- ۴.۴۳ در ایران باستان به نقل از سهپوری و دیگر فلاسفه، خداوند نور هستی، مجرد و مبدأ هستی است که از پرتو نورش تمام پدیده ها ایجاد شدند؛ یعنی نور الاتوار است و اولین صادره خداوند یا اولین مخلوق و پرتو نورانی خداوند، بهمن است.
- ۴.۴۴ بررسی سایر گزینه ها
- گزینه ۱ ایرانیان باستان نخستین پرتو و مخلوق خدا را بهمن می نامیدند.  
گزینه ۲ در یونان باستان یکی از خدایان زنوس نام داشت.  
گزینه ۳ حکما در آن زمان شناختی روش از مبدأ هستی داشتند.
- ۴.۴۵ ۱) «ترس و لرز» اثر کرکور و «ابله» متعلق به داستایوفسکی است.  
۲) هیوم تنها در یک مورد عقل را معتبر می داند و آن هم در جایی است که مبتنی بر حس و تجربه باشد؛ چنانکه معتقد است: دلایلی که صرفاً مبتنی بر عقل باشند، مردودند؛ زیرا عقل اساساً ادراک مستقل از حس و تجربه ندارد.
- ۴.۴۶ ۱) تجرد یک موجود از ماده، دلیل بر آن نمی شود که آن موجود ماهیت نداشته باشد؛ زیرا می دانیم که همه موجودات به جز خدا ممکن الوجود هستند؛ بنابراین ماهیتی برای آن ها متصوریم.  
۲) در پاورپوینت صفحه ۳۴ جمله ای از افلاطون ذکر شده است که اشاره به موضوع سؤال دارد.
- ۴.۴۷ از میان ما تنها کسی محبوب خداست که خویشن دار (عفیف) باشد و از دایره اعتدال با بیرون نگذارد.
- ۴.۴۸ ۱) جمله اول از افلاطون در «رساله تیمائوس» است و جمله دوم از ویلیام جیمز، فیلسوف تجربه گرای قرون نوزدهم و بیستم.  
۲) در قرن بیست و بیست و یکم فیلسوفان تجربه گرا ظهور کردند که در عین اعتقاد راسخ به خدا، به جای ذکر دلایل اثبات وجود او به رابطه میان «اعتقاد به خدا» و «معناداری زندگی» توجه کردند.
- ۴.۴۹ ۱) دکارت فیلسوف عقل گرای قرن ۱۷ بود؛ هیوم و کانت هر دو متعلق به قرن ۱۸ بوده اند و برگسون و جیمز نیز برای قرن ۲۰ به بعد هستند.  
۲) افلاطون پس از دیدن اتهام زده شده به سقراط، تصمیم گرفت با دقیقی فلسفی و استدلای درباره خدا صحبت کند.
- ۴.۵۰ ۱) در ایران باستان خدا را نور هستی می دانستند که با پرتو و اشراق خود، پدیده ها را ظاهر می سازد. همچنین نخستین پرتو و مخلوق را بهمن نامیده اند که وجودی مجرد دارد. البته بهمن اولین مخلوق بود نه خدا، که معتقد بودند از جانب خدا به زرتشت نازل می شد. موارد ۱۱ و ۳۱ خدای یونانیان باستان بودند.
- ۴.۵۱ ۱) سقراط تمام خدایگان متعدد را انکار و آنیان را به پذیرش خدای برتر در هستی دعوت کرد؛ خدایی که یگانه و تدبیر کننده کل جهان و به عبارتی هر حقیقتی در جهان است.
- ۴.۵۲ ۱) کانت، فیلسوف عقل گرای قرن هجدهم آلمان، راهی متفاوت بادکارت و دیگر فیلسوفان عقل گرای پیشین برای پذیرش خدا پیمود (رد گزینه های ۲ و ۴) و او از طریق اخلاق و وظایف اخلاقی، وجود خدا را اثبات کرد. (رد گزینه ۱)
- ۴.۵۳ اگر انسان ها در زندگی اجتماعی حدودی از اخلاق را رعایت نکنند و مسئول کارهای خود نباشند، هرج و مر ج پدید می آید و زندگی متلاشی می شود. حال از رفع اینکه زندگی اجتماعی هنوز پارچاست، به رفع مقدم می رسیم.